

۲۱ روز به المپیک مانده

کمیته ان ورزشی

شماره ۱۵۱ شنبه ۵ تیر ۲۵۳۵ - بهاء ۱۵۵ ریال

عکسها و اسلایدهای اختصاصی ماز

دیتر مولر و مسابقه آلمان چکسلواکی

در مسابقه بزرگ مابایک میلیون ریال جایزه
و چندین جایزه ارزنده دیگر شرکت کنید



پیکان جوانان ۶۶

پیگان جوانان
www.javanan56.com

با تورهای مربی تیم فوتبال لهستان
گفته گوی اختصاصی خبرنگار ما

ایران ۱
شوروی

بازیهای دسته دوم تحت مجریه

- نراکتورسازی - راه آهن
- خانه جوانان - بانک سپه
- سپیدرود - بوتان
- آرشام - رستاخیز
- صنای الکترونیک - تهران جوان



از: نورالله صرافیان

تصاویر اختصاصی
از مسابقه نهائی
جام ملت های
اروپا

جشنواره قدرت وزیبائی فوتبال در بلگراد

کاپیتان بررگه آلمان، یکن باونر (۵) در مقابل
دروازه چکسلواکی سرنگون شده است. در بک
تصویر مدافع راست چکسلواکی به بالای سراسر او
آمده و در تصویر دیگر داور ایتالیائی و یک
آلمانی باونر را از جای بلند می کند در هر دو
تصویر ویکتور دروازه بان چک آرام به نظر
می رسد.



من از پیروزی بر تیم ایران مطمئن نیستم

لهستان—زاکوبان:

«من از پیروزی بر تیم فوتبال ایران در المپیک مونترآل مطمئن نیستم. ایرانیها بسیار قوی شده‌اند و حدس من این است که ایران و لهستان از گروه خود بالا بروند».

این مطلب را، کازیمیر گورسکی مربی فوتبال لهستان در یک گفت‌وگوی اختصاصی به فرستاده‌اعزامی کیهان ورزشی به لهستان گفت. گورسکی که با توافق تیم المپیک لهستان از یکماه پیش در... کاتوویتس ورشو در محلی بنام زاکوبان اردو دارند همچنین گفت:

«ما هیچ چیز را برای مقابله با ایران بدست نمانده و اقبال نمی‌دهیم، بلکه سعی خواهیم کرد که با بهترین سه‌دوره جام ملت‌های آسیا خوب بازی کنیم. با اعتقاد من فوتبال ایران بهتر از همه تیم‌های آسیایی حتی اسرائیل و ژرمنی است».

مربی فوتبال لهستان در پاسخ باین سؤال که آیا بازی تیم ایران را تا کنون دیده‌ای یا نه؟

جواب منفی داد. اما گفت: «من از چند طریق و از طریق دوستان نزدیک خود با فوتبال ایران آشنا شده‌ام و چند فیلم تلویزیونی هم از دیدارهای تیم ایران را دیده‌ام».

گورسکی که مدت ۶ سال است رهبر تیم ملی فوتبال لهستان است، بطور خصوصی بین گفت که بعد از بازیهای مونترآل از رهبری تیم ملی کنار خواهد گشته و سرانجام این پست را به یانگ میلینسکی (مربی سابق یوگسلاوی) نه‌راهی زغال‌ماد ریخته شده است. تجربه‌های تازه کسب کند و اگر از ایران هم پیشنهاد مربیگری برسد، آنرا مطالعه خواهد کرد.

گورسکی که در نزد مردم لهستان به «گورسکی بزرگ» معروف است، پیروزی مجدد لهستان را در المپیک بسیار مشکل دانست و تیم‌های شوروی، فرانسه و برزیل را برای لهستان خطرناک‌تر از همه دانست.

بقیه از صفحه ۴۳

د مجله این هفته:

صفحه ۹ و ۱۰: فوتبال ایران—شوروی	صفحه ۲۲ و ۲۳: تاریخچه المپیک‌ها
صفحه ۷ و ۸: نیش چک به قهرمان هم..	صفحه ۲۴: زاکانو
صفحه ۸ و ۹: هلند سه گل ...	صفحه ۲۶ و ۲۷: بازتاب رویدادها
صفحه ۱۰: بسکتبال جوانان	صفحه ۲۹ و ۳۰: عکس رنگی تیم سیدرود
صفحه ۱۱: عکس رنگی نصیری	صفحه ۳۱ و ۳۲: شمع و گل و پروانه ...
صفحه ۱۲: تیم ملی دوچرخه‌سواری	صفحه ۳۳ و ۳۴: کفتن زشما
صفحه ۱۳: آقای هیل چکاره‌اند؟	صفحه ۳۵ و ۳۶: بازتاب رویدادها
صفحه ۱۴ و ۱۵: فوتبال کابل	صفحه ۳۷: کشتی نوجوانان
صفحه ۱۶: واترپلو	صفحه ۳۷: شوشی
صفحه ۱۷: کشتی جودو	صفحه ۳۸: فیلابی هم چمدان را بست
صفحه ۱۸ و ۱۹: چهره‌های فوتبال	صفحه ۴۱: سرهنگ بوده...
صفحه ۲۰ و ۲۱: وزنه برداری	صفحه ۴۲ و ۴۳: فوتبال دسته دوم

شرح عکس‌های روی جلد

(بالاست صبا)

اسکندر فیلابی بعد از دوسال کناره‌گیری از کشتی، بار دیگر میدان آمد و با پیروزی بر دو حریف نشان داد که هنوز بهترین کشتی‌گیر سنگین‌وزن ایران است. اینجا داور سابقه دست فیلابی را بعد از پیروزی بر توپچی بالا برده است.

(بالاست راست) این اولین تصویر رنگی دیترومولر گل‌زن جدید تیم ملی فوتبال آلمان غربی در مطبوعات ایران است. مولر طی دوسابقه ۱،۲ دقیقه‌ای چهار گل زد و بهترین گل‌زن مسابقات نیمه‌نهانی و نهانی جام‌ملت‌های اروپا بود. در سابقه با یوگسلاوی که آلمان غربی در وقت اضافی چهار بر دو پیروز شد، دیرتر نتایج سه گل زدو خاطره‌گرد مولر را زنده کرد.

عکس پایین: به دنبال یک ضربه آزاد دیترومولر پدیده جدید فوتبال آلمان غربی، دیوار دفاعی تیم ملی چکسلواکی چنین آشفته‌ونگران شده است اما با وجود حالت زیبا و شلیک سنگین مولر این خطر دفع شد.

(سلا پدها و عکسهای این سابقه از نورالله صرافیان)

گروه گزارش فوتبال کیهان ورزشی: تبریز—غیرابی—رشت: صومی—کرمان: جعفری—ساری: جویباری و شیراز: ک، پوریا—تهران: فریدون شیبانی، فرابرز لیاوجانی، داود الملی—علی پدر و حسین شمعی زاده.



میر مهدی وریزنده:

وطن پرستی نتیجه طبیعی ورزشکاریت

«ورزش» و «وطن» از هم جدا نیستند

«ورزش» با «حیله‌گری» مخالفت

«گردن کلفتی» با «نیرومندی» فرق دارد

شاهنشاه پدر ورزشکاران وطن پرستانه را می‌فرماید: «یادی از خدمتگواران و پیشکسوتان یکی از خصایص مایوده و پاید آنرا ادایه دهیم». کسوت در ورزش وویژه محترم شمردن پیشکسوتان ورزشی برای ما خبرنگاران جوان ورزشی از وظایفی است که هیچوقت نباید آنرا نادیده بگیریم. زیرا روزی میرسد که ما نیز سالخورده می‌شویم و اگر در دوران جوانی خدمات ارزنده پیشکسوتان خود را بحساب نیاوریم، به‌یاد می‌آید که بعد از آن نیز نسبت نما بی تفاوت خواهیم بود.

بهر صورت سردی سردستور داد که بروم به منزل آقای میر مهدی وریزنده پیشکسوت ترین مرد ورزش ایران، گفتگو کنم و در واقع نصایح ایشان را در صفحات مجله منعکس سازیم.

من شخصاً با آقای وریزنده آشنائی نداشتم ولی او پیرومردی است زنده دل که یک دنیا حرف و خاطره دارد. تا حالا خبرنگاران دیگر چندبار به اصطلاح به پای منبر او نشسته‌اند و برای نشریات مطباعت جانبی تهیه کرده‌اند خوشبختانه من نیز آن مطالب را خوانده‌ام.

باری قبلاً وقت ثرتمه آقای وریزنده مراسمات مقرباً خوشرونی تمام قبول کرد. از شما چه پنهان ابتدا تصور میکردم که آقای وریزنده در زمان گذشته خود در جا می‌زنند و به اصطلاح با خاطرات تلخ و شیرین خود زندگی میکند. اصولاً هر انسان وقتی بایک شخص مشهور روبرو نشسته، پیش خود چهره‌ی از او می‌سازد و در اولین روبرویی متوجه می‌شود که با لستنه کرده و تصورات او فقط تا اندازه‌ای صحیح بوده است. در اینجا اعتراف میکنم که در این مورد لستنه میکردم. زیرا آقای وریزنده با وجود داشتن ۶۶ سال عمر ماشالله «مرد روز» است و گفته‌هایش برای هرجوانی آسوزنده و به اصطلاح روح‌نوازا است. بهتر است رشته سخن را به ایشان بسپاریم و همگی به حرف‌های او گوش بدهیم:

«من باید اول از مطبوعات حرف بزنم. زیرا این مطبوعات بودند که در هر شرایط از من ویا واضعتر بگویم از یک پیشکسوت قدر دانی کردند و نگذاشته‌اند ما پیشکسوتان در آخر عمری

بقیه رز صفحه ۴۶

کمبود سرعت نقص بزرگ بود

هنگامیکه در معرض حملات حریف قرار می‌گیریم بغافلر نقص آرایش تاکتیکی نمی‌توانستیم توپ را تصاحب کرده و بگردش در آوریم و این بود که مدام توپ پشت خط هجده قدم ما اسیر پای حریفان میشد. نداشتن اندازه عمق در تیم و عدم آگاهی متقابل بین دو عنصر دو وسعت عمق یعنی بک‌زاد و ستروفر وارد این مشکل را بوجود می‌آورد. ضربه سوم را کی باید بزنند؟

دو سنده هنوز در نیم محال نسنده است یکی سنسله توپهای هوایی روی دروازه حریف است که در این رهگذر حساب ضربه سوم مشخص نیست. ضربه اول را پاس دهنده میزند. ضربه دوم را معمولاً غفورجهانی با پرویز قلیچ‌خانی میزند اما تکلیف ضربه سوم مشخص نیست. هنگامیکه توپ از راه هوا به محوطه هجده قدم می‌رسد و بین نقطه کرنر تا خط هجده قدم فرود می‌آید، هیچ فورواردی قادر نیست این توپ را پاس بدروازه زده امیدگل داشته باشد. در این حالت است که ضربه سروا باید بصورت پاس درآید تا فردی دیگر از آن برای شوت بدروازه استفاده کند.

مسئله دیگر مسئله پوشش‌های دفاعی می‌باشد بارها دیده شده که در سایه دو بک میان ما درگیرند و خطر مستقیم در قلب دروازه زنگ می‌زند، دو بک کنار در گوشه‌های خوشی ایستاده و خارج از بازی می‌باشند. امروزه شیوه‌های دفاعی حکم می‌کند که اگر توپ بخواهد وارد دروازه شود، باید از تمام بک‌ها عبور کند. در دیدار با شوروی عسکرخانی، عادلخان، بشکار، غفورجهانی، عادلخانی و گازرانی آزمایش شدند. آزمایش شده‌ها هر کدام در اندازه خوشی موفق بودند بویژه عسکرخانی و غفورجهانی که با بازی خوب بحث بر سر انتخاب شدن را بطور جدی مطرح کردند. آنچه در مورد عادلخانی میتوان گفت اینست که او نمی‌تواند مسافر کانادا باشد. دلایل این ممنوعیت را بطور شفاف می‌توان به رهبران تیم ملی گفتیم و چون نوشتن آن بحث‌انگیز خواهد شد و اشکالاتی ببار می‌آورد، صرف نظر میکنم و تنها می‌نویسم که او مسافر کانادا نیست. تیم ملی ایران بازمه تا رسیدن به مونترال نیاز به کار، دقت و کوشش دارد.

تیم ملی ایران محققاً در جریان اردو به استقامت‌شان پان توجه رسیده است. این استقامتی که نمونه‌ی بی‌از آن راجع منتهای آسیا دیدیم و موجب پیروزی ما شد، در دیدار با تیم جوانان نیز مایه پیروزی کشت چه در آن هنگام که زمان به آخر نزدیک میشد و جوانان شوروی به پایان قدرت خویش رسیده و می‌خواستند با تساوی کار را تمام کنند، قدرت بدنی و استقامت تیم ملی ایران همراه با پاس عالی قلیچ‌خانی و ضربه سروا کارانه غفورجهانی گل پیروزی را ببار آورد. در دیدار با شوروی مهم برد یا باخت نبود بلکه در آستانه سفر به المپیک ارزایی مجدد تیم از نقطه نظر کیفیت اهمیت بسیار داشت آنچه که موجب امیدواری می‌باشد همان قدرت پایداری تا آخرین دقیقه و حتی بعد از آن می‌باشد در حالیکه در زمینه تعادل بدنی عنصر تفاوت معمولاً در برابر عنصر سرعت قرار می‌گیرد و گویی این دو چون دو کفه ترازو می‌باشند که اگر یکی سنگین شود دیگری به آن نسبت سبک است.

در برابر جوانان شوروی سرعت تیم ما باز کمبود خود را نشان داد. شاید این سرعت در جام آسیا کفایت می‌کند، اما نشان میدهد که در بازیهای المپیک و در برابر سربازان سرنر کفایتی نیست. سرعت چیزی است که باید در راس برنامه‌های تمرینی اردو قرار گیرد و این سرعت به دو مرحله تقسیم میشود: سرعت بازیکن و سرعت بازی. شاید بتوان در این فاصله کوتاه روی سرعت بازیکن گنهای کوتاهی برداشت اما نسبت به درآید سرعت بازی. برداشتن کلاههای بزرگ سهل‌تر است. اتفاقاً همین سرعت بازی است که میتواند فوتبالهایی از دست شوروی یا لهستان را عذاب دهد. اینگونه فوتبالها اگر فرصت تفکر و آرایش و بنای حمله را بیایند تمام وجود خوشی را به میدان عرضه میکنند و در غیر اینصورت نظم خوشی را از دست داده و به جانی می‌رسند که تیم شوروی در دفاعی با آن بازی رسیده بود و این سرعت بازی را تماشای تیم ملی ایران تکلیف کرد و اتفاقاً به نتیجه هم رسید.

نقاط ضعف دیگر تیم ما، باز ضعف‌های تاکتیکی بود. در اثر این ضعف‌ها دامنه حمله دفاعی چند بر دفاع ما تحمیل میشد و



تیم ملی فوتبال

استقامت داشت اما جنگنده

گل غفور جهانی

رضا صاحب جمعی، داوود خیره، رشید حسن زاده، شاکر کریمی، هراتی.

ایران (۱۰)

دقیقه ۸ غفورجهانی

مهدی عسکرخانی،

بیژن ذوالفقار نسب، نصرالله عبداللہی،

از نیمه دوم حسین کازرانی، آندرانیک

اسکندریان، علی پروین، پرویز قلیچ‌خانی

۵ کاپیتان، ابراهیم قاسمیور، حسن روشن

۱۰ غفورجهانی و مجید بشکار، از نیمه

دوم رضا عادلخانی، ذخیره‌ها: جمشید

راغفر، حسین کازرانی، رضا عادلخانی، سهام

سیرفرخانی، علیرضا عزیزی، محمد صادقی،

غلامحسین مظلومی، حسن نایب‌آقا و محمود

خردین، مربی: حشمت ساجرانی، رنگ

بیراهن سفید.

امید شوروی (۱۰)

جور کوفسکی، کوکوف، شادیکو،

وونکوف، گورنوف، سوکولوفسکی،

آرژو، آتار (کاپیتان)، از دقیقه ۴

پتیرکوف (۱۴) - گودسایف، اوکاناسیان،

از دقیقه ۴ کولمارینکوف (۱) و سلویودیان

۱۱

ذخیره‌ها: ساکوف، سرکیسیان،

مربی والتی نکلاف، رنگ بیراهن قرمز،

داوود رضا میدری با شاک عباس مقنس زاده و

ورزشگاه آزادی - جمعاً ۴ تیرماه ۵۳ : تیم ملی ایران در یک دیدار سرد و پر ابر تماشاگری اندک و بی تفاوت دیدار تدارکاتی خود را با تیم ملی جوانان شوروی (قهرمان اروپا) انجام با وجود چند تعویض تیم ایران قالب همیشگی خود را از نظر کیفیت بازی دارا بود با این تفاوت که حال و هوای مسابقه به هیچوجه حالتی سخت به مانند یک مسابقه رسمی نداشت و طراوتی به شکل بازی نمی‌داد شاید هم این کمبود طراوت در وجود خود بازیکنان بود نه از اردوی دراز مدت خسته شده‌اند. مهدی عسکرخانی نه او را می‌توان دروازه‌بان شماره ۱ ایران دانست برای باقی راضی به مونترال این میدان را بهترین میدانست از این رو با عیب‌ساز و بدون اشتباه از دروازه اش دفاع کرد. در میان مدافعان آندرانیک اسکندریان، سوف‌تر از همه بود. در خط میانی قلیچ‌خانی و نارساز بود و چندبار شلیک‌های خوبی به دروازه بوزی لوسکی کرد. ابراهیم قاسمیور در بازه دقیقه نخست خوب بازی کرد ولی کم تحت

۲۲ بازیکن تیم ملی فوتبال انتخاب شدند

حشمت مهاجرانی مربی تیم ملی فوتبال ایران دیشب اسامی ۲۲ بازیکن را اعلام کرد و قرار شد از میان این عده، استیب ۷ فوتبالیست برای شرکت در بازیهای المپیک مونترال معرفی شوند. بازیکنان انتخاب شده آنها هستند:

- * دروازه بانان: منصور رشیدی، ناصر حاجازی و مهدی عسکرخانی.
- * مدافعان: حسن نظری، نصرالله عبداللہی، بیژن ذوالفقار نسب، آندرانیک اسکندریان، سهام‌الدین سیرفرخانی، حسین کازرانی، حسن تا ب آقا.
- * بازیکنان میانی: محمد صادقی، پرویز قلیچ‌خانی، ابراهیم قاسمیور، علی پروین و علیرضا عزیزی.
- * مهاجمان: حسن روشن، غفورجهانی، غلامحسین مظلومی، علیرضا خورشیدی، مجید بشکار، رضا عادلخانی.



ایران

کوبنده نبود

↑ این آخرین حادثه مسابقه ایران و شوروی است. غفور جهانی (چپ - سفیدپوش) همراه با شادیکو و مدافع شوروی، بر زمین افتاد. اما حالت دست‌های غفور نشان دهنده پیروزی اوست. غفور سانتر کوتاه پرویز قلیچ‌خانی (در عکس نیست) از راست را با شیرجه‌ی به موقع و با ضربه سر، توپ را چنین به اعماق دروازه فرستاد. یوری کوفسکی (دروازه‌بان شوروی) از مخلوب‌ها و عادل‌خانی از غالب‌ها به دو سرگون شده موفق و ناموفق می‌نگرند.

تنها جرقه یک بازی خاموش بود

دراوا اول نیمه دوم ایران دست به دو تعویض زد. این تعویض‌ها شکل بازی را سریعتر و نامحدودتر گسترش داد. بهره‌مندی عادل‌خانی باردیگر در گوش‌چپ تکبکت و دانش فوتبال خود را نشان داد. چهره بازی در این نیمه به این شکل تغییر کرده بود که با کم شدن حملات شوروی بیشتر سهم‌گین نمایان به عقب نشان میداد. عادل‌خانی ورود خود را با چند بار کوبیدن نشان داد و لحظه‌ای بعد بدنبال سانتر بروین از راست، غفور توپ را به کنار دروازه شویید در حالیکه اگر توپ برای عادل‌خانی باقی میماند او در پشت‌سر غفور متعادل‌تر و مسلط‌تر بود. از همکاری روشن و غفوج‌جهانی نیز جز کرتر حاصلی بدست نیامد.

درده دقیقه آخر بازی بی‌شکل و کم‌هیجان شده بود زیرا تعداد کم تماشاگر مسابقه با فریاد هو و زدن دست اعتراض خود را نشان می‌دادند. در آخرین دقیقه یک تعرض رنگ دیگری پیدا کرد. بدنبال سانتر قلیچ‌خانی از راست، غفوج‌جهانی فداکارانه با سر شیرجه رفت و گل برتری ایران را زد. این گل زیبا برای چند لحظه‌ی به میدان هیجان داد ولی بی‌تردید این نمایش سرد نتوانست مردم را سیراب و راضی کند.

حرف‌های نیکلایف سربی تیم ملی امید شوروی

بی‌تردید قدرت دو تیم مساوی بود و گل پیروزی ایران در آخرین دقیقه و در حالتی استثنائی به‌عمر رسید.

این مسابقه دوستانه بود و باید بگویم که پیروزی یک بر صفر ایران بیش از هر کس برای سربی تیم ملی ایران خوب بود زیرا اگر نتیجه به همین شکل به‌سود شوروی میشد از نار تیم انتقاد بسیاری به‌عمل می‌آمد و سربی در چنین فرصت کمی تا سوئرال فرصت درگرونی نداشت.

تیم شوروی بهترین تیم برای یک بازی تدارکاتی می‌توانست باشد. تیمی که برابر شما بازی کرد هفت بازیکن از تیم ملی امید شوروی داشت و چهار تن دیگر تیم قهرمان اروپا به اردوی فوتبال المسکک رفتند تا همراه تیم شوروی به سوئرال بروند.

از تیمی که در جاز و ویعهد دوم شد نیز چهار بازیکن همراه داشتیم.

در تیم ایران بازیکن شماره ۱۰ (روشن) از همه بهتر بود اما از نظر من تمام خطوط دفاعی، میانی و حمله دارای قدرت مساوی بودند. در پایان باید این را اضافه کنم که تیم من بسیار خسته بود و بعد از مسابقه پریش و کسب عنوان قهرمانی فرصت بسیار کمی برای استراحت داشت.

حشمت مهاجرانی سربی تیم ملی ایران:

ما باید نبودیم، حریف خوب بود

حشمت مهاجرانی سربی تیم ملی ایران عقیده داشت که برخلاف عقیده اکثر کسانی که بازی تیم ایران را نپسندیدند باید گفت که تیم ملی ایران به نبود بلکه این حریف بود که باعث قهرمانی اروپا قدرت زیادی داشت. خود من احساس می‌کنم تیم بهتر شده است. شما حق دارید از بازی تیم خوشتان نیاید اما من از دیدگاه خودم از تیم راضی هستم. غفور جهانی خوب بود، بشکار هم بد بازی نکرد. از مهاجرانی پرسیدم که چرا تیم نشاط بازی نداشت؟ جواب داد:

«بله تیم نشاط بازی نداشت زیرا از یک طرف حریف نیرومند بود و نمیتوانست به مانند روز مسابقه با من نشاط بازی داشته باشد و از سوی دیگر مسابقه دوستانه بود و طرح مسابقه بیش از نتیجه اهمیت داشت.»

مهاجرانی افزود:

«ضعف تیم را در خط حمله دیدم، بهترین نمایش خط‌حمله تیمی، با سربگری من، به‌تردید روز مسابقه با بازیکنان خود در خط میانی قلیچ‌خانی تکبکت و قدرت را دارد و قلم‌سور همراه بروین تکبکت خوب بود. ترکیب آنان عیبی نمی‌بینم. ضعف بزرگ خط حمله نیز کم‌تری آن است. برای انتخاب نهائی هفده بازیکن المپیک از بین ۲۲ نفر انتخاب شده به‌آنها بیشتر توجه دارم نه مثل نظری یا خوشبختی بازیکن چند مکانی هستند.»

مهاجرانی از تیش چنین انتقاد کرد:

«بازیکنان شوت‌زن نیستند که این عیب اساسی را باید از عدم تمرین کافی دانست. باشگاه‌ها هم مقصر نیستند. آنان زمین به‌مدت کافی برای تمرین ندارند. عیب دیگر از نبودن بازیکنان خوب مثل اسکندریان است. او در دفاع نقص ندارد اما در کار حمله حتماً باید توپ را روی پای چپ بیاورد و بعد سانتر کند. حریف دیگر، حرف‌زدن با زبان با یکدیگر وعدم درک یکدیگر است. برای یک توپ هوایی دو بازیکن با هم به‌هوا می‌پرند و مزاحم هم می‌شوند. با انتخاب هفده بازیکن اصلی کار بدن سازی را تمام می‌کنم و به کامل کردن و هماهنگ ساختن تیم می‌پردازم. من امروز فقط دو بازیکن عوض کردم زیرا نمی‌خواستیم در استخوان‌پندی تیم ملی خلل ایجاد کنیم. یکشنبه (فردا) با تیم اصلی به دیدار شوروی خواهیم رفت.»

بیژن معتمدی:

چرا تیم ملی را هو می‌کنند؟

بیژن معتمدی رئیس هیئت فوتبال تهران بعد از پایان مسابقه با وجود پیروزی ایران سخت ناراحت به‌نظر می‌رسید. او تا این (خبرنگار کیهان ورزشی) رادیو با عصیانیت جلو آمد و گفت چرا تماشاگران تیم ملی را هومی کنند؟ او افزود:

«تیم ملی برای هر کوشی مقدس است. تیم ما امروز بر تیمی بر قدرت از قاره اروپا پیروز شد و با اینکه چهره اصلی را نداشت از حریف چیزی کمتر نشان نداد و اکثر آسهاجم بود. تازه این مسابقه بیشتر جنبه آزمایش و شناخت داشت. متأسفانه تا زگی ما این روش بسیار متداول شده که جمعیت بی‌جهت تیم ملی را هومی کنند.»

گروه گزارش فوتبال کیهان ورزشی:

تبریز: غیرای — رشت: صومی — کرمان:

جعفری — ساری: جویباری و شیراز:

ک، پوریا — تهران: فریدون شیانی، فرارز

لیوارجانی، داود المالی — علی بدر و حسین شمعی زاده.

نیش چک

به قهرمان هم زهر

هم با ضربه سرچین کرد. چک‌ها با اتکاء به حملات نفوذی به خوبی با آلمان‌ها سرچین کردند و بالاتر از همه آنان آنتون اوندروس در دفاع سمانی بود. پنفرمیرسید نه آلمان برای بکنار بایستی شکست را قبول شد اما در نودمین دقیقه مسابقه هولزن باین موفق شد بر فرسارز سدافعسان چکسلواکی پیروز و ضربه لرز را با پشت سرش داخل دروازه منحرف کند. توپ از بالای تونک انگلستان کشیده و بکنور هم گذشت. به این ترتیب مسابقه به ۳ دقیقه وقت اضافی کشید، درست به مانند هر سه مسابقه

جبران‌کنندگی و مقاومتش را نشان داد، هونس از سمت راست توپ را به سوی دروازه فرستاد و دیتز مولر، قهرمان سه‌گلی مسابقه با بوکسلوای، با یک سر ضرب تملسانی توپ را از لبه محوطه جریمه به درون دروازه فرستاد. ایویکتور دروازه‌بان چکسلواکی دوبار در برابر هولزن باین و بونهوف سه خوبی دروازه‌اش را نجات داد و نگذاشت آلمان غربی قبل از پایان نیمه اول، مسابقه را مساوی کند. در نیمه دوم هر دو تیم در یک دروازه‌های یکدیگر را بارها لرزاندند. هونس از آلمان توپ را به دیرک لوبیدونهدا از چکسلواکی

تسانی چک، درست راست تنها ماند و سانتر او با ضربه سهیلنک به درون دروازه آلمان غربی رفت. آلمانی‌ها با داشتن عنوان قهرمانی جهان، هفت دقیقه بعد ضربه دیگری خوردند. وقتی بکن باوئر با ضربه سر یک ضربه آزاد را پس فرستاد، توپ در ۲ متری دروازه مه بریده و بیاس رسید و او با شلیکی دقیق نتیجه را دو بر صفر به سود چکسلواکی کرد. آلمان غربی که در مسابقه نیمه‌نهایی در برابر بوکسلوای، دو گل عقب بودن را به پیروزی برحریف بدل کرده بود، با ردیگر قدرت

بلگراد (بوکسلوای) — در مسابقه نهایی پنجمین دوره جام قهرمانی فوتبال ملت‌های اروپا، تیم ملی فوتبال چکسلواکی در برابر سی هزار تن تماشاگر حاضر در ورزشگاه ستاره سرخ، تیم ملی آلمان غربی قهرمان دوره قبل و قهرمان جام جهانی را بعد از ۱۲۰ دقیقه پیکار با ضربه‌های پنالتی سر نوشت مساز شکست داد. دو تیم در پایان وقت قانونی و وقت اضافی دو بر دو مساوی بودند. سه ضربه اول پنالتی دو تیم با موفقیت به ثمر رسید ولی بعد از گل شدن ضربه چهارم چک‌ها، «اولی هونس» پنالتی آلمان را با شدت تمام به بالای دیرک دروازه فرستاد. وقتی هونس با استک‌هایش در زمین غرق شد، «آنتونین پان کا» با زدن یک پنالتی موفق دیگر، به قهرمانی تیمش رنگ بر جلای حقیقت داد.

این پنالتی به اوج این مسابقه مهیج پایان داد. مسابقه بی که شاهد بود هولزن باین در آخرین لحظات دقیقه نود پیکار را به وقت اضافی کشید. قبل از این چکسلواکی با ضربه‌های بان سهیلنک و تارز دو بیاس در دفاع هشتم و بیست و پنجم با دو گل بر آلمان برتری یافته بود. بعد از پتر مولر در دقیقه ۲۸ فاصله را کم کرد. آلمان غربی بار دیگر قدرتش را برای بازگشت به جنگ نشان داد ولی این بار نتوانست به پیروزی برسد به عنوان تنها کشور دویار قهرمان، دست یابد. آلمان غربی به رهبری فرانسیس بکن باوئر — که صدین بازی‌اش را در تیم ملی انجام داد — مسابقه را با افتخار آغاز کرد ولی این چکسلواکی بود که ضربه اول را زد. در یک حالت دفاعی، ماریان ماسنی، مهاجم

بازان تیم ملی چکسلواکی جام قهرمانی را سر دست بلند کرده و آن را به جمعیت بلگرادی نشان می‌دهند. در ورزشگاه ستاره سرخ بلگراد (بوکسلوای) چکسلواکی با پیروزی بر آلمان غربی قهرمان شد. بازان تیم چکسلواکی پیراهن آلمان غربی را به تن دارند زیرا بعد از مسابقه پیراهن‌ها را به رسم یاد بود یک واقعه مهم ورزشی عوض کردند.



پاشید



قبل.

در وقت اضافی چند موقعیت خوب به هدر رفت و گلی به دست نیامد از این روس نوشت به ضربه های پنالتی کشید و طی ۱۴ سال تاریخ این مبارزات برای اولین بار ضربه پنالتی تعیین کننده مقام قهرمانی شد.

هر تیم پنج پنالتی داشت و اگر تیم ها باز مساوی می شدند ضربه های پنالتی ادامه می یافت تا یک ضربه هدر رود.

جمعیت حاضر در ورزشگاه وقتی چک ها پنالتی می زدند، آنها را تشویق می کردند اما وقتی نوبت به آلمانی ها رسید با شاخ، بوق های آژیر و سوت های ممتد به سختی روی اعصاب آنان اثر می گذاشتند.

ماسنی (از چک) پنالتی اول را با موفقیت زد ولی رینر بونفوف آن را حواش داد. سپس نوبت به نهودا هاینز فلوئه، اوندروس، هانس بونگارتز و ولادیسلاو پور سمیک رسید که گل بزنند. هونس برای زدن فراهانده شد و توپ را با فاصله بی زیاد به بالای دروازه زد.

میدان به دست پان کاسپرده شد تا پیروزی را از دسترس آلمان غربی دور کند و او با حالتی بسیار خون سرد این کار را کرد. به آرامی توپ را به بالای دست های سیمه یزد. این باعث برتری پنج بر سه چکسلواکی بر آلمان غربی در پایان حدال پنالتی شد.

پیروزی چکسلواکی دوره پرافتخار بی شکستی این تیم را به ۳۲ مسابقه رساند. با اینکه این اولین موفقیت بزرگ چکسلواکی محسوب بشود، معهذاً چک ها در هشت بار جدال با آلمان غربی دارای برتری چهار پیروزی در برابر سه شکست و یک تساوی هستند.

داور: سر جیو کونلا (ایتالیا)

«واکلای یوزک» مدیر تیم چکسلواکی بعد از مسابقه اظهار کرد:

«مسابقه سختی بود، به ویژه بعد از مسابقات ۱۲ دقیقه نیمه نهایی. ولی این یکی بسیار تماشایی بود. ما قبل از این مسابقه خوشبین بودیم و آرزو داشتیم که ثابت کنیم پیروزی سه بر یک بر هلند (در نیمه نهایی) اتفاقی نبوده است. یک هفته قبل در چکسلواکی ما تمرین پنالتی کردیم و چقدر هم بدرمان

خورد!»

ضربه بی امان دیترمولر گلزن جدید آلمان از فراز دست های کشیده وکتور دروازه بان سوئیس - وایجاناموف - به تور دروازه چکسلواکی رسیده است. این گل یک ساعت و نیم به آلمان امیدمقام قهرمانی داد زیرا در دقیقه ۲۸ خسرو سید وازدو گل بی دری چک ها، یکی را جبران کننده شد.

هلموت شون بری تیم ملی آلمان غربی هم

بعد از مسابقه گفت: «امید داشتیم به مانند مسابقه در برابر یوگسلاوی، این بار هم موفق شویم به ویژه وقتی در دقیقه نودم مساوی کردیم. ما بخت زدن گل های بسیاری داشتیم. اما در چنین مسابقاتی بخت قش خود را بازی می کند. دوست ندارم راجع به داور انتقاد کنم ولی بازیکنانم معتقدند که در هنگام مسابقه، دو پنالتی را به سود آلمانی ها نگرفته است.»



این آغاز یک مسابقه نهائی است که در حد خود حماسی بود. کاپیتان بکن باوئر (چپ) از اردوی آلمان به آندروس کاپیتان بلنمقاتس جک و داور ایتالیائی می‌نگردد. این آغاز یک نبرد ۱۲۰ دقیقه‌یی در پایان جشنواره‌یی نمی‌ازگل است.

هلند سه گل

اختلاف مدیر تیم هلند با کروئیف و خداحافظی دزائیچ

هلند — که بعد از آلمان غربی در جام جهانی ۱۹۷۴ دوم شده بود — به هنگام رویارویی با یوگسلاوی نیمی از بازیکنانش را از دست داد. یوهان کروئیف و یوهان نیکسنس ستارگان تیم بارسلون اسپانیا به همراه ویم وان هانگم محروم بودند و بازیکنان مصدوم نیز از جمع بازیکنان اصلی تیم کنار ماندند.

غیبت برگ‌های برنده تیم هلند باضافه غم یوگسلاوی‌ها از شکست در برابر آلمانی‌ها بعد از دو گل برتری، منتهی به ورزشگاه تقریباً خالی با تنها ده هزار تن جمعیت شد، در حالیکه ظرفیت ورزشگاه «ماکسیمور» هفتاد هزار تن است. ولی این تماشاگران اندک از به ثمر رسیدن پنج گل واژ دست رفتن موقعیت‌های بی دربی، لغت بسیاری بردند.

بعد از آغاز آرام مسابقه «جیلر» آتش مسابقه را افروخت. او بدنبال پاس نفوذی «راب‌رنسن برینک» از خط دفاعی یوگسلاوی گریخت و

(دقیقه ۳۳) یوسپ کاتالینسکی با زدن یک گل فاصله را کم کرد و «دراگان درائیچ» کاپیتان تیم سلی یوگسلاوی پنج دقیقه قبل از پایان مسابقه (در وقت قانونی) گل مساوی را بشمرساند.

این سومین مسابقه بی دربی جام ملت‌های اروپا در یوگسلاوی بود که پیکار را به وقت اضافی کشاند. قبل از هلند، آلمان غربی قهرمان جام و قهرمان جهان، بعد از ۱۲۰ دقیقه یوگسلاوی را چهار برد و شکست داده و به دوره نهائی رسیده بود. چکسلواکی هم در پایان وقت اضافی هلند را سه بر یک مغلوب کرد و به دوره نهائی راه یافت.

پیروزی هلند با یان بزرگی بود برای جورج کنویل مدیر این تیم که قبل از مسابقه با چکسلواکی (مسابقه نیمه نهائی) اعلام کناره‌گیری کرده بود. هنوز سه سال به سوعد پایان قرارداد «کنویل» باقی مانده است.

زاگرِب — یوگسلاوی (بویی آی) — تیم ملی فوتبال هلند، با نیمی از نیروی تمش، تیم ملی یوگسلاوی را در وقت اضافی سه بر دو شکست داد و در پنجمین دوره مسابقات قهرمانی فوتبال جام ملت‌های اروپا به مقام سوم رسید. «رود جیلر» بازیکن تیم هلند با زدن گل اول تیم خود در دقیقه ۲۷ و گل پیروزی تمش در دقیقه شانزدهم وقت اضافی، بازیکن آغاز کننده و تمام کننده تیم هلند لقب گرفتند در فواصل این دو گل، ویلی وان کرخوف مهاجم هلند، گل دوم هلند را در دقیقه ۹۳ بشمرساند و نتیجه را دو بر صفر به سود تمش کرد.

وقتی هلند دو بر صفر پیش افتاد، یوگسلاوی خود را با زدن چهار دقیقه بعد از گل کرخوف



آلمان برای جبران گل به دروازه‌چک حمله کرده است. به دنبال یک ضربه کرنر حتی برتی فونسن (سفیدپوش، نفر دوم از راست) به دهانه دروازه چک پیش‌تاخته و ویکتور دروازه‌بان چک در روی خط گل باپرش یک مهاجم آلمانی زورپوش شده است. شاید این گل دقیقه نود هوزن باین باشد.

به یوگسلاوی زد

یوگسلاوی محروم شد، موضوع کنار رفتن او از تیم ملی قوت بیشتری گرفت و کنویل هم اظهار کرد که کروئیف را هرگز آنقدر ضعیف ندیده است. این فاصله بین کاپیتان و مدیر تیم را بیشتر کرد. کروئیف حتی از تماشای مسابقه تیمش با یوگسلاوی نیر خودداری کرد و به باسلون پرواز نمود.

* تیم هلند: پیت شریورز - رندوان در - کسرخوف، ویم سوریر، آدری وان کرای، ویم باتسن، ویلم بوتستگ، رود کروز، ویلی وان در کسرخوف، پیت آرنتر (سیرکست) بان پیترز، رود جیلز، رابرتسن برینگک.
* تیم یوگسلاوی: پتروویچ - ایویکا بولیوان، درازن سوزنیچ، برانکو اویلاک، یوسیب کساتالینسکی، ایویکا سورباک، اسلاویا زونگول (وچینلیلی هودزیچ)، یوریکا برکوویچ. دانیلو بوهی وودا، یووان آکو - سوویچ (فرانبا ولادیچ)، دراکان دزانیچ - داو: والتر هونگر بوهلر (سونیس).

به دیرک دروازه گوید. از جبهه یوگسلاوی نیز کاتالینسکی بعد از اینکه شریورز (دروازه بان) را در بیل کرد، هلندی شاهد مسیر ضربه اش بود که با ضربه سر یک مدافع هلندی به بالای دروازه منحرف شد.

حالا برای هلند این سؤال پیش می‌آید که کنویل بعد از احراز مقام دوم تیمش در جام جهانی و کسب عنوان سومی در جام ملت‌های اروپا، از تیم کنار خواهد رفت یا نه؟ قبلاً گفته بودند که او به خاطر نگرانی پادشاهی مسواوی با بازیکنان کنار می‌رود در حالیکه خبر بعدی علت کناره‌گیری او را نداشتن یک دستیار و وجود بوهان کروئیف در تیمش ذکر کرده است. او از کروئیف ناراحتی زیادی دارد زیرا در مسابقه با ایسلند کروئیف به کنویل اظهار کرد که هلند بدون او هم می‌تواند پیروز شود و کنویل سخت ناراحت شد.

بعد از اینکه کروئیف در مسابقه با چکسلواکی اظهار گرفت و از مسابقه با

دفاع هلند در نیمه دوم به خوبی فشار را تحمل کرد ولی یوگسلاوی سرانجام گل مساوی را در دقیقه ۸ زد.

کاپیتان درآگان دزانیچ در آخرین بازی برای تیم ملی گل بسیار زیبایی مساوی‌ساز برای یوگسلاوی بمرساند.

بعد از ۸۲ بازی در تیم ملی، پیکار با هلند آخرین حساسه دزانیچ بود. «دراگان جادوگر» قدرت خود را روی توپ‌های غیرممکن نشان داد و با شوتی قوس دار از روی ضربه آزاد توپ را به درون دروازه «شریورز» (دروازه بان هلند) فرستاد.

این گل فقط وداعی شکوهمند برای دزانیچ بود و یوگسلاوی از شکست نگرینت زیرا جیلز در دقیقه ۶۰ کاتالینسکی را جا گذاشت و با شوتی محکم و زمینی توپ را گل کرد. بعد از این گل، مسابقه دو لحظه بسیار هیجان‌انگیز دید: «سیرکست» سازنده گل سوم هلند با شلیکی از فاصله ۲۵ متری توپ را

توپ را از زیر بدن «اوگتین پتروویچ» دروازه بان حریف بدرون دروازه فرستاد. این اولین گلی بود که یوگسلاوی بعد از ۱۴ سال در زمین شهر زاگراب خورد.

دوازده دقیقه بعد به نظر می‌رسید که هلند به مقصود رسیده باشد زیرا «ویلی وان در کسرخوف» از جناح راست گریخت و از زاویه‌ای بسته گل دوم هلند را زد شلیک او بعد از برخورد با دیرک عمودی جناح مخالف، بدرون گل پیچید ولی باران یوگسلاوی معتقد بودند که می‌توانند، کاری که آلمانی‌ها با آن‌ها کردند به هلندی‌ها تحمیل کنند (یعنی جبران دو گل و بعد کسب پیروزی) و با عزمی راسخ به بازی بازگشتند.

آنها حمله‌ی سخت در پایان نیمه اول به دروازه هلند کردند و کاتالینسکی از زمین انبوه بازیکنان حاضر در دهانه گل، شلیک کرد و توپ را به نتیجه رساند.

از: حسین دستگاه

هشت تیم

برتر تهران شناخته شدند



*آارات، افسر، فردوسی و شهباز در گروه های خود اول شدند

تهران جوانها در پنج دقیقه وقت اضافی موفق شدند ۴ بر ۱ بر حریف پیروز شوند. * دیدار تیمهای فردوسی و تهران جوان برخلاف آن چه انتظار میرفت چندان گرم و پرهیجان نبود و تهران جوان هرگز نتوانست در برابر تیم نیرومند فردوسی در لباس یک حریف نزدیک ظاهر شود. در این بازی فردوسی با اختلاف ۶ امتیاز (۱۰۱ بر ۹۵) به پیروزی رسید و در گروه خود مقام اول را بدست آورد. در گروه چهارم شهباز با سود بردن از بازیکنان خوب و باارزش در حالیکه از لحاظ فد نسبت به کلیه تیمهای شرکت کننده در مسابقات برتر مینمود به آسانی بتمام اول رسید. تیم دوم آارات با یک امتیاز کمتر در جای دوم قرار گرفت. بهترین بازی این گروه را تیمهای آارات «ب» و افسر «ب» در برابر هم برگزار کردند که طی آن تیم آارات «ب» با نتیجه ۵۹ بر ۴۱ به پیروزی رسید.

هشت تیم شرکت کننده در بازیهای مرحله دوم بود. تا آخرین لحظه همه چیز در ابهام بود و هیچکس نمی توانست بدرستی پیش بینی کند که از میان سه تیم افسر، ایران ما «الف» و سپیان کدام تیم از حضور در مرحله دوم باز میماند. آغاز شد که تیم خوش ترکیب ایران ما در میان شگفتی و ناباوری فراوان از تیم سپیان شکست خورد و علاوه بر آنکه بخت خود را برای صعود به مرحله دوم شاهش داد. موفقیت تیم افسر را نیز که قبلا تیم سپیان را شکست داده بود به خطر انداخت. تیم ایران ما در شرایطی مغلوب سپیان شد که در پایان وقت اول ۳۲ بر ۱۹ از حریف جلو بود.

صرف نظر از این دیدار جالب و حساس، مسابقه با ارزش دیگری نیز هفته پیش در این گروه انجام شد که نتیجه آن ابهام گروه دوم را برطرف ساخت و تیمهای اول و دوم این گروه را معرفی کرد.

ایمن دیدار نه آن را میتوان به بهترین مسابقه دوره مقدماتی به حساب آورد، پنجشنبه شب گذشته میان تیمهای افسر و ایران ما انجام شد و ضمن آن تیم افسر با نتیجه ۸۱ بر ۹۶ به پیروزی رسید و در پایان حریف با کلاس و نیرومند خود را از صعود به مرحله دوم محروم ساخت.

با انجام این بازی گروه کوردسته دوم باز شد و تیمهای افسر و سپیان بعنوان تیمهای اول و دوم این گروه برای شرکت در مسابقات مرحله دوم برگزیده شدند.

تیمهای فردوسی و تهران جوان برگزار کننده آخرین دیدار مسابقات مقدماتی جوانان تهران بودند که طی آن نیز حساسترین بازی گروه سوم را در برابر یکدیگر پدید آوردند.

این دو تیم در شرایطی با هم روبرو شدند که هر کدام از مجموع سه بازی صاحب سه پیروزی بودند و صعودشان به مرحله دوم قطعی بود.

«فردوسی» قبل از شرکت در این دیدار حیثیتی سه بازی یکطرفه در مقابل تیمهای پهل «ب» ایسزد فردوسی،

و البرز ایزد فردوسی برگزار کرده و به راحتی در برابر حریفان خود پیروز شده بود. در حالیکه تهران جوان در نیکار با تیم پهل «ب» سخت به خطر افتاد و چیزی نمانده بود که میدان را با شکست ترک کند. این بازی که یکی از مسابقات خوب هفته گذشته بود در پایان وقت قانونی ۵ بر ۵ مساوی پایان یافت و



ابوالقاسم خراسانی بازیکن بلندقد شهباز یکی از ستاره های خوب مسابقات جوانان تهران است که بخاطر خصوصیات خوب آینده روشنی در پیش دارد. در اینجا او را در حالیکه به سید تیم افسر «ب» حمله برده مشاهده می کنید. شاهرخ صابری از افسر در حال دفاع دیده میشود.

مرحله مقدماتی مسابقات بسکتبال قهرمانی جوانان تهران (جام پهلوی) که از روز دوشنبه ۲۴ خرداد ماه گذشته با شرکت ۲۰ تیم آغاز شده بود. پایان یافت و هشت تیم برای حضور در مسابقات مرحله دوم انتخاب شدند.

هفته پیش در چارچوب این مسابقات بازی انجام شد که از این میان چند دیدار دارای حساسیت و ارزش فراوان بود.

در گروه اول بهترین بازی هفته گذشته را تیمهای آارات و ایران ما در برابر یکدیگر برگزار کردند که طی آن تیم آارات به پیروزی رسید و در گروه اول بتمام اول دست یافت.

دیدار تیمهای ایران ما با تیمور نیز یکی دیگر از بازیهای حساس گروه اول بود که نتیجه آن تیم دوم گروه را تعیین می کرد. این بازی نیز از هیجان فراوانی برخوردار بود و در پایان تیم ایران ما با پیروزی بر حریف به جمع

نتایج کلی مسابقات هفته پیش بشرح زیر است

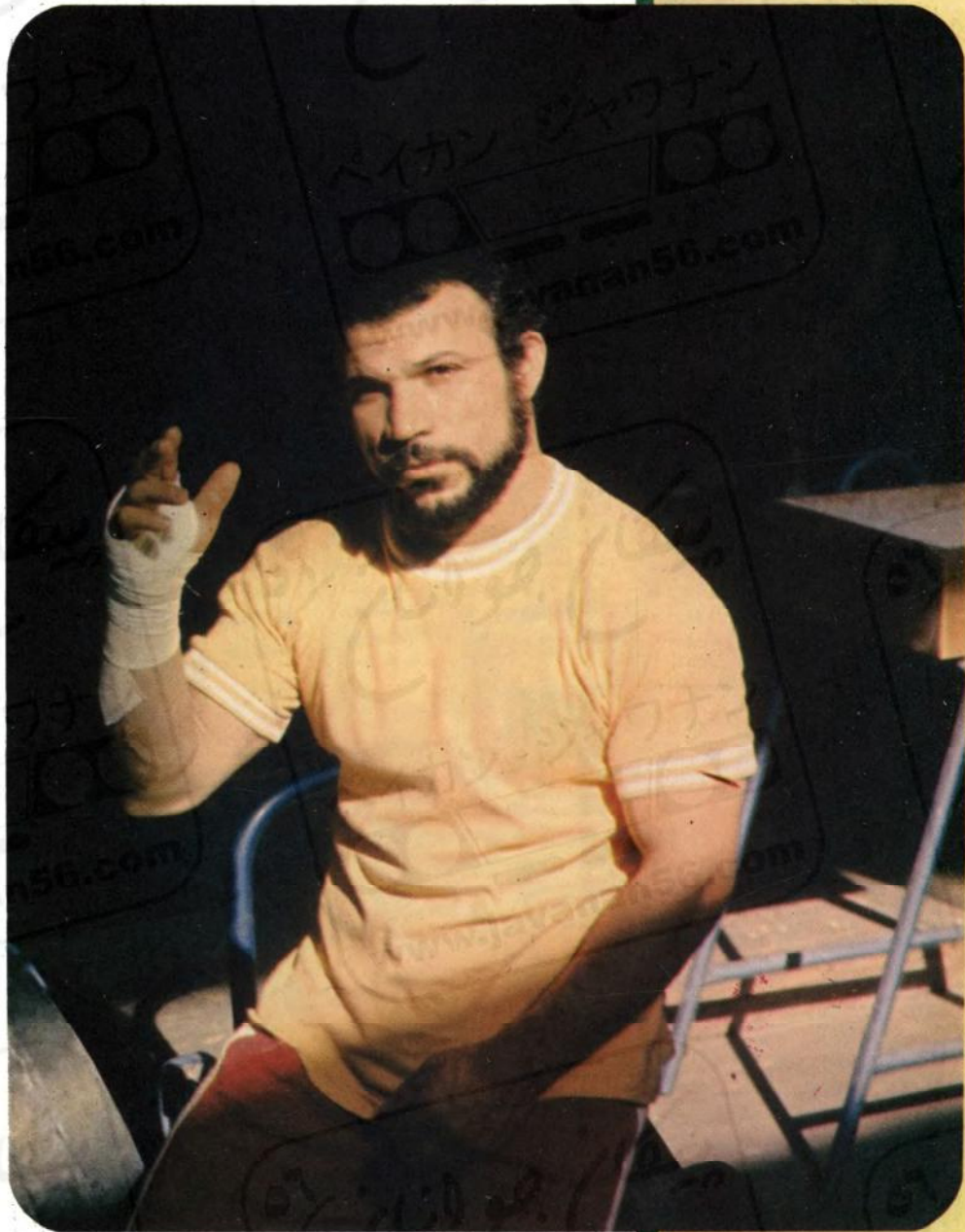
۳۶	شهریار	۴۶	افسر «ب»
۱۲	آارات	۶۲	آشور
۴۹	سپیان	۵۵	ایران ما
۵۳	تهران جوان	۷۴	ایزد فردوسی
۲۵	شهباز	۹۲	پهل
۴۰	پهل «ب»	۶۲	البرز ایزد فردوسی
۵۹	رستخیز	۷۷	شریفزاده ایران ما
۲۴	ایرانا	۶۱	فروهر
۶۹	افسر	۸۹	رستخیز
۱۴	فردوسی	۹۳	البرز ایزد فردوسی
۴۳	آارات «ب»	۵۷	پهل
۶۱	تهران جوان	۶۴	پهل
۲۹	آارات	۵۷	ایرانا
۱۸	شهباز	۵۱	افسر «ب»
۲۹	ایران ما	۱۰۱	شریفزاده ایران ما
۳۱	ایرانا	۴۶	آشور
۲۰	سپیان	۷۲	شریفزاده ایران ما
۲۰	شهباز	۵۷	شهریار
۴۹	ایزد فردوسی	۵۶	پهل «ب»
۴۱	آارات «ب»	۵۹	افسر «ب»
۶۹	افسر	۸۱	ایران ما
۳۳	فردوسی	۱۰۱	تهران جوان

رده بندی گروه های چهارگانه در پایان مسابقات مقدماتی

گروه یک: ۱- آارات - ۲- ایران
گروه دو: ۱- افسر - ۲- سپیان
گروه سه: ۱- فردوسی - ۲- تهران جوان
گروه چهار: ۱- شهباز - ۲- آارات «ب»

من از پولادم!

محمد نصیری قهرمان المپیک
۱۹۶۸ و نایب قهرمان المپیک
۱۹۷۲ در سال المپیک ۱۹۷۶
مونتreal با گرفتاریهای زیادی
درگیر بود. ضرب خوردگیهای ناشی
از افراط در تمرینات و بداقبالیها
لحظه‌یی او را آرام نگذاشت! چند
ماهی از عمل جراحی روی ران
راستش نمیگذشت که زانویش درد
گرفت و بعد کمرش آسیب دید. او
مدت یکسال از قافله عقب ماند و
قهرمانان پر اشتهای سایر کشورها
با شکستن رکورد هایش او را از هر
سوی زخمی کردند، نصیری کم کم
داشت فراموش میشد تا سرانجام در
مسابقه‌های دو جانبه ایران و مصر
با مجموع خوب ۲۵۰ کیلو در
خروس وزن دل‌های نگران را شادی
بخشید اما گویا این خروس نام‌آور
باید تا رفتن روی سکوی قهرمانی
المپیک مونتreal دردهای زیادی را
تحمل کند. خوشحالی ما از این
است که نصیری یک وزنه‌بردار
نازک نارنجی نیست. او خودش
معتقد است که از پولاد است. در
عکس او را با آخرین ضربخوردگی
آرنج دست ملاحظه میکنید و ما
امیدواریم که نصیری این
ضربخوردگی را هم چون بقیه جواب
بگوید و همچون کوهی از پولاد به
جنگ پولادهای المپیک برود.



رکاب زمان ایران در راه المپیک



هستند که تیم ملی دوچرخه سواری ایران را در مونترآل تشکیل خواهند داد.

تیم ملی دوچرخه سواری ایران از راست به چپ عبارتند از: سیمون پطروسیان (دبیر فدراسیون دوچرخه سواری ایران)، محمود دلشاد، غلامحسین کوهی، خسرو حق‌گشا، اصغر خدایاری، محمدعلی محمدی، حسن فرد، کلودیا گوستاو (مربی ایتالیایی)، فدراسیون دوچرخه سواری، علی صیفی کار (مکانیسین فدراسیون).

تیم ملی دوچرخه سواری ایران هفته گذشته برای شرکت در مسابقه‌های دوچرخه سواری دور ایتالیا و کسب آمادگی بیشتر برای بازیهای المپیک به آن کشور عزیمت کرد.

در این سفر تیم ایران را دوچرخه سوارانی تشکیل می‌دهند که اخیراً از طرف فدراسیون دوچرخه سواری برای شرکت در بازیهای المپیک برگزیده شده‌اند.

دوچرخه سوارانی که در عکس مشاهده می‌شوند، افرادی



آقای هیل چکاره‌اند؟!!

اعجاب‌انگیزترین قرارداد تاریخ فوتبال برای شکست فوتبال ایران!

ورزشکشی. او این باشگاه را به یک محل مناسب برای خانواده‌ها تبدیل کرد و از آن چیزی ساخت که در زمان او، محبوب‌ترین باشگاه تمام انگلستان و یکی از ثروتمندترین آنها بود.

او در همان زمان به عنوان رئیس اتحادیه حرفه‌ای باشگاه‌ها انتخاب شد و با اقدامات او بود که منافع فوتبال حرفه‌ای برای باشگاه‌ها افزایش فراوان یافت.

کاونتری بود، دعوت تلویزیون بی‌بی‌سی را پذیرفت و رهبری گروه ورزشی تلویزیون، به خصوص فوتبال را به عهده گرفت و با کاونتری سیتی - که به او اوج رسیده بود - خداحافظی کرد.

او در مورد فوتبال، عقاید و نظفه نظرهای بسیار جالبی دارد. او عقیده دارد که فوتبال یکی از بهترین و مؤثرترین وسایل ارتباطات دوستانه بین المللی است. فوتبال چیزیست که می‌تواند به چدها و جوانان ارزش و افتخار بخشد. آنها را گرد هم آورد، از ستاد دور نگاهدارد و چنانچه به طور صحیح - مورد بهره‌برداری قرار گیرد، می‌تواند بهترین وسیله آسودهای اجتماعی باشد.

در معرفی او باید گفته شود که آنچه جیمی هیل پیرامون فوتبال به طور خاص می‌اندیشد، مشابه افکاریست که «بارون بی‌پردو کوپرتون»، پیرامون ورزش به طور اعم داشت.

این خلاصه اطلاعاتیست که دبیر فدراسیون دوجرگسورزی حرفه‌ای انگلستان و کاندیدی ریاست این فدراسیون در پانز اسنال - که به دلیل دوستی با یکی از افسران فابیش با او آشنا هستم - در اختیارم گذاشت. در مورد او باید اضافه کنم که کارش در ارائه ورزش و فوتبال از طریق تلویزیون حقیقتاً بی نظیر و احترام‌انگیز بود.

وقتی که تلویزیون ایران یک برنام ورزشی سافت‌توبال را پخش می‌کند، بدون استثنا هرمنه‌یی به ابردرجه آگاهی از ورزش و مسایل فنی تلویزیون می‌تواند بردها اشتباه کوچک و بزرگ انگشت‌گذارد و از گزارشگر، کادرفنی و مفسر انتقاد کرده از نکاتی ناراضی باشد.

اما من در این مدت طولانی که حداقل هفته‌ی دویار تماشاگر برنامه‌های ورزشی بی‌بی‌سی و کارجیمی هیل بودم، باورکنید که تنها توانسته‌ام کوچکترین ایرادی بر گزارش بگیرم، بلکه همیشه تحسین را برانگیزه‌اش.

او به‌عنوان معرفی‌کننده برنامه و مفسر،

غرو تشنه ملت، و نیز ایجاد درآمدهای هنگفت برای گروهی خاص استفاده می‌کنند. این سیاست است که متأسفانه چندسیاست کشوری‌های عسرب همجوار ایران - همه آن روی آورده‌اند -

کویت قبل از همه آغاز کرد، کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس به تقلید پرداختند، عربستان سعودی نیز از غافل‌ه عقب نماند و عراق هم چندسیاست که نتیجه آن شده است. سرمایه‌گذارهای فراوان در فوتبال و استخدام مربیان کراتیست بین المللی از طرف کویت در چندسال گذشته و اخیراً به کارگرفتن «ماربو زاکالو» نمونه بیرونی از این سیاست در کویت است. به کارگمشتن «پوشکاش» در حال گذشته از طرف عربستان سعودی و استخدام مربیان دیگر از سوی کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس همه دال بر این مدعاست.

هدفهای اساسی این کشورها، غیر از آنچه در بالا به عنوان نکات جنبی ورزش برشمرده‌ام، رقابت با یکدیگر از یکسو و در مرحله بعد پیروزی احتمالی بر فوتبال ایران و بهره‌برداری‌های تبلیغاتی از آن است که این یکی اوج آرزوهای آنهاست.

با توجه به آنچه گفته شد، اینک هدفهای عربستان سعودی را می‌شناسیم و دلیل اساسی استخدام جیمی هیل و منظور کردن بودجه‌ی آنجانب عظیم را می‌دانم.

جیمی هیل کیست؟

در بریتانیا و حتی در تمام جامعه فوتبال اروپا، کسی نیست که با نام «جیمی هیل» ناآشنا باشد. او تا چند هفته پیش که به استخدام عربستان سعودی درآمد، مفسر، معرفی‌کننده و در حقیقت رهبر گروه ورزشی تلویزیون بی‌بی‌سی بود.

این مرد چهل ساله با ریش به اصطلاح «بزی» در بریتانیا و جامعه فوتبال اروپا از وجهه و احترامی کم‌مانند برخوردار است. افکار و عقاید و آگاهیه‌های کم نظیر او در زمینه فوتبال مورد احترام همگان است و کسی در لیاقت و مدیریت او تأییدی که وجودش - به دلیل نقشی که سالها در تلویزیون به عهده داشته است - در فوتبال انگلستان داشته، شک ندارد. او در گذشته یکی از فوتبالیستهای طراز اول انگلستان و عضو باشگاه‌های آرسنال و فولهام بوده است.

بعد از پایان دوران بازیکنی، جیمی هیل مربی‌گری فوتبال باشگاه کاونتری‌سیتی را به عهده می‌گیرد و این باشگاه به رهبری او در طول دو فصل از گروه سوم، به گروه اول صعود می‌کند. اما ارزش کارهای او برای کاونتری‌سیتی، تنها در این نکته خلاصه نمی‌شود.

کاونتری‌سیتی پیش از جیمی هیل، باشگاهی بود غیر محبوب، معمولی و در حال

آیا در این شرایط صحیح است که عربستان سعودی را آن‌گونه که مشهور شده است کشوری ثروتمند بنامیم، اقتصادش را شکوفان بخوانیم و مسایل و مشکلات جامعه‌اش را حل‌شده اعلام کنیم؟

مسئلاً خیر. چه بر طبق حقایق موجود، از نظر فرهنگی، ۵ درصد آن ملت بی‌سواد هستند، از نظر بهداشتی هم کمبود پزشک و بیمارستان در اوج است. از نظر تغذیه عمومی و وضع کشاورزی، اسکانات طبیعی اجازه تولید کافی نمی‌دهد. از نظر صنعتی کمبود مواد خام، کمبود متخصص، عدم کارائی عمومی و خودداری کشورهای صنعتی از فروش کارخانجات و در اختیار گذاشتن تکنولوژی مدرن؛ نکاتی بی‌چون‌وچرا هستند. مسلماً اگر بخواهیم به مسایل اساسی دیگر عربستان - سعودی نیز اشاره کنیم، چشم‌اندازی بهتر از آنچه در مورد فرهنگ، بهداشت، تغذیه و صنعت ذکر شد، نخواهیم دید.

با توجه به این نکات و با در نظر گرفتن اولویه پاسخ به سؤال بالا از نظر من منطقی است. ولی این چیز است که ما با ارتباطی نداریم و حقیقت اینست که عربستان سعودی به چنین کاری دست‌زده و قرارداد امضا شده است.

هدفهای عربستان سعودی چیست؟

در کشورهای پیشرفته جهانی، ورزش در درجه اول وسیله‌ی است. مؤثر در خدمت سلامت عمومی جامعه، ایجاد شادی و طراوت جسمی و روح، زدودن خستگی‌های ناشی از کار مداوم روزانه، ایجاد یکسرگرمی سالم و لازم عمومی. بعد از این مسایل، نکات دیگری پیش می‌آید که به نکته‌های جنبی ورزش معروف هستند و در ضمن مسابقات و دیدارهای بین المللی بروزی کنند. که از آن جمله، به نمایش گذاشتن توانائی‌های ملی از طریق پیروزیها، بهره‌برداری تبلیغاتی پیرامون برتری سرام و مسلک و روشهای سیاسی، ایجاد هیستری ملی و کسب افتخار و غیره را می‌توان ذکر کرد. بعد از این نکات سئاله حرفه‌ی پیش می‌آید و در چند رشته از ورزش، منجمله فوتبال، سرمایه‌گذاریهایی می‌شود که هدف اساسی آن ایجاد بازده مالی و کسب درآمد برای افراد سرمایه‌گذار و گروه‌درگیر با مسایل حرفه‌ی ورزش است.

اما در کشورهای به اصطلاح در حال پیشرفت و در حقیقت عقب‌افتاده، نکات جنبی، جای هدفهای اساسی را گرفته است و حکومتها از ورزش به خصوص فوتبال به عنوان وسیله‌ی برای خام کردن عامه، سرگرم نگاهداشتن آنها، دور کردن افکار عمومی از مسایل اساسی، ایجاد تبلیغات کاذب در داخل و در بین کشورهای همجوار و سیراب کردن کاذب

حتماً این خبر تاکنون در ایران منتشر شده است که چندی پیش عربستان سعودی «جیمی هیل» را با یک قرارداد افسانه‌ی بی‌اندازه و رهبری فوتبال خود را به او سپرد. متن و مبلغ قرارداد حقیقتاً تاکنون در تاریخ فوتبال بی‌سابقه می‌باشد و بخصوص لازم است فدراسیون فوتبال ایران با هویتاری آنرا مورد توجه قرار دهد. خلاصه قرارداد امضا شده چنین است:

«جیمی هیل» به عنوان رهبر و مشاور، فوتبال عربستان سعودی را از هرجهت به مدت پنجسال زیر نظر خواهد گرفت. او در این مدت بودجه‌ی به مبلغ ۲۵ میلیون پوند (بیش از ۳۰۰ میلیون تومان) در اختیار خواهد داشت و حقوق سالانه خود او نیز ۴ هزار پوند (بیش از ۴۰ هزار تومان) بدون مالیات خواهد بود. در متن قرارداد ذکر شده است که هدف از این برنام، رساندن فوتبال عربستان سعودی به یک سطح قابل قبول جهانی در تمام زمینه‌ها، یعنی تیم ملی، تیم‌های باشگاهی و تأسیسات و تجهیزات است.

بطوری که می‌بینید چنین سرمایه‌گذاری عظیمی برای فوتبال و بستن چنین قراردادی با یک فرد از سوی یک کشور، اعجاب‌انگیز است و جای بحث فراوان دارد. باید ببینیم هدف و دلایل عربستان سعودی چیست، جیمی هیل کیست و تأثیرات آن در منطقه خلیج فارس و بخصوص فوتبال ایران چه خواهد بود؟

آیا اصولاً با یک رهبر عربستان سعودی صحیح است؟

این سؤالیست که بلافاصله پیش می‌آید و هر علاقه‌مندی به ورزش و مسایل جوانم حق دارد پرسد که آیا اولویت مسایل در کشوری با شرایط عربستان سعودی و کشور - های دیگری با شرایط مشابه، چنین بلندپروازی ابتدا به‌ساکن و ناآگاهی را ایجاد می‌کند؟ برای آنکه در یک جامعه تعادل منطقی برقرار باشد، مسایل و نمودهای گوناگون آن جامعه باید رشدی همگام داشته باشند و برای ایجاد هوش در یک یا چند جنبه، در نظر گرفتن اصل اساسی «اولویت مسایل» ضروری است که البته توانائی اقتصادی در هم‌معامل شرط لازم است.

شک نیست که عربستان سعودی به دلیل داشتن ذخایر عظیم نفت و استخراج بی‌حساب آن، درآمدی سرشار و حکومتی آنچنان ثروتمند دارد که دیگر از شکل و شمایل و بوی پول حالشان بهم می‌خورد و در نشست‌های بین المللی مربوط به مسایل نفت، آشکارا با افزایش قیمت فروش نفت مخالفت می‌کنند و گه گه می‌گویند بیاید نفت را به مقدار کم می‌خواهید برید اما پول زیادی ندهید چون دردی را بر ایران درمان نمی‌کند. ما نمی‌دانیم با اینهمه پول چکار کنیم؟



بنیاد تیم ملی

دارد ولی کافی نیست. همین دلیل است که در اولین فرصت باید آزمایش دقیق پزشکی صورت گیرد. بازیکنان آسیب دیده باید بلافاصله بازگردانده شوند. زیرا نمی توان از ایشان در عرض چند روز انتظار معجزه داشت و اردوی تیم ملی بیمارستان نیست.

بعد از آزمایش پزشکی ویکارگیری نتایج آن برنامه ای بچریان می افتد که مربی تیم ملی تهیه کرده است از این برنامه باید با بازیکنان سخن گفت و آنان را از پیش در جریان رونق فعالیت هائی نهاد که باید تحمل کنند.

پاره ای پراشتها و پاره ای دیگر سست و بی حال اند. در بین بازیکنان تفاوت های شگرف وجود دارد. و این مربی است که باید برای همه یک خط مشی عمومی بوجود آورد و سپس باشخصیت هر کدام شناسنده به آن عادت کند.

من گاهی ساعتها و شبها روزها برای یافتن کلماتی قابل همگان و تمریناتی که همه فهم باشد همه را به پذیرش وادار تلاش کردم. پذیرش آسوی همگان اندک اندک حاصل میشود و تند تند اعصاب وعضلات درجه بدرجه صعود میکند به اندازه ای که هر یک بهتر احساس میکند که از لحاظ بدنی واز نظر روحی چه انتظاری از او میرود.

مربی باید بکوشد تا بهترین زمان را برای دادن نصایح تاکتیکی بهریک از بازیکنان پیدا کند پاره ای نیازمند گفتگو و تشریح مفصل اند و برای پاره ای دیگر تنها یک کلمه کفایت میکند برای مربی تیم ملی یک تجربه طولانی روی عوالم انسانی، تکنیک، پزشکی و روانشناسی لازم است دیگر زمان آن بسیار گذشته است که خود را به این راضی کنیم که بازیکنان را گرد آورده و به آنان بگوئیم:

— بچه ها شما بهترین های کشوراید. شما میل به پیروزی دارید. پس حرکت کنید!
اگر این بنظر کسی مسخره نیاید. بکسی هم چیزی القاء نمیکند.

اسروزه هر بازیکنی مطلقاً از دوره تمرینی اردو انتظار دارد که چیزی از آن دریافت کند برای آنکه روشن تر گفته باشم شاهدی از بردگاری نخستین اردوی تیم ملی فرانسه در زمان رهبری خود میآورم در نخستین اردوی تیم ملی با پاره ای از نشانه ها و ویژگیهای فوتبال فرانسه درگیر شده و آشنا شدم. نخست به اندازه گیری مقاومت بازیکنان پرداختم و مقاومت آنان را در تحمل تمرینات شدید اندازه گرفتم. در تمام زمینه های بازی از جمله روی پاسها، روی همکاری های نزدیک و عملیات مشترک و شوت ها و غیره دقت نمودم. این هادر روی زمین ویا وجود حریفان مقابل عمل میشد. و این کاری است که در هلند، در آلمان و در انگلستان بطور سیستماتیک عمل میشود.

بازیکنان پس از آنکه مدت نسبت به آنچه از آنها میخواستم پاسخ مثبت داده و خود را در اختیار نهاده و به آسانی عملیات را پذیرفتند. به تخیل نکتته مهمی که در این عملیات بی بردم این بود که بازیکنان فرانسوی از آن دسته افرادی هستند که لازم است بسزور چیزی از آنان بیرون کشید و من این بهره گیری مداوم را قطع نکردم. در سفرهایی که بهشهرها و بازدید از باشگاهها داشتم متوجه شدم که روش تمرینی سیستماتیک بغیر ازسنت اتین بوسیله روبرت هرین درنزد دیگر مربیان وجود ندارد. و این مربی جوان چنان استادانه عمل میکرد که چاره ای جز تحسین و تشویق او نداشتم.

دوین آگاهی من این بود که دانستم بازیکنان خواب شب هنگام را در سراساعت. نمی پسندند ولی با وجود تمرین دو بار در روز — که به آنها تحمیل کرده بودم — خواب بوع بسیار لازم بود. خوابیدن در ساعت. شب برای کسانی که عادت کرده اند بسیار دیرتر بچوایند مشکل است.

«میشل هیدالگو» بازیکن سابق حرفه ای وعضو تیم ملی فرانسه یکی از جوانمرد ترین و جدی ترین بازیکنان زمان خود بود. این درست که در عهد او ستارگان بزرگ تاریخ فرانسه زندگی میکردند و پاره ای نامورتر از او بودند ولی رفتار شوکه مند و وقار حرکات او بگونه ای بود که همیشه چون شخصیتی ممتاز سورد گفتگو قرار میگرفت. او پس از ترک فوتبال و گذراندن کلاس عالی تعلیم مربیان، کار خود را با «ژرژ بولون» مربی تیم ملی و رئیس کلاس مربیان بعنوان دستیار آغاز کرد و هنگامیکه من وارد فرانسه شدم او در این پست بود.

من بعنوان، دستیار میشل هیدالگو را برگزیدم، کسیکه همین وظیفه را در هنگام رهبری ژرژ بولون داشت از این انتخاب پاره ای غافلگیر شدند. ولی من زندگی ورزشی او را می شناختم و از علاقه اش به کار مربیگری در کادر ملی آگاه بودم. و چرا به او که جوان بود اعتماد کنم در حالیکه در طول زندگی خویش همواره سعی در کمک به جوانان داشته ام که از من کمک خواسته و به نصایح من نیازمند بوده اند.

تفاوت مربی ملی با مربی باشگاهی

تلاش مربی ملی با تلاش مربی باشگاهی تفاوت میکند و بندرت ممکن است مربی را یافت که در هر دو فعالیت بتواند موفق بشود. مربی باشگاهی روی برنامه یک فصل کار میکند، با شادی و یا زحمت، هفته ای بعد از هفته دیگر و بطور مداوم درگیر است. ولی مربی ملی فشار روحی شدیدی را تحمل میکند زیرا او نما بنده یک کشور است.

برای جوانانی که از چهار گوشه کشوری آیند او ناچار است یک زمان واحد و یک خط مشی مشترک خلق کند و بعد، از هر کدام حد اکثر بهره ممکن را بگیرد. که این یک نیاز مخصوص ویک روانشناسی کاملاً متفاوت میخواهد.

کاپیتن تیم ملی

من برای تیم ملی فرانسه «ژرژ برتا» را بعنوان کاپیتن برگزیدم (گوش چپ سابق تیم سنت اتین و بازیکن کنونی تیم المپیک ماری). زیرا میدانستم که تنها در صورت آسیب دیدگی او از تیم ملی جدا خواهد شد وگرنه او بطور معمول در تیم ملی بازی خواهد کرد. در هنگام گزینش او خاطره ای را یاد داشتم که بیهان کروئیف بوجود آورده بود. او بعد از یک مسابقه در تیم منتخب اروپا بهماره ژرژ برتا در باره این بازیکن فرانسوی بمن گفته بود.

(برتا میخواند در هر تیم حرفه ای بزرگ بازی کند.)
من از نظم و دقت و انضباطی که این بازیکن در زندگی خصوصی داشت آگاه بودم و برتا سرا از انتخابش بعنوان کاپیتن تیم ملی مایوس و متاسف نکرد شاید او آنقدر کسی در تأثیر نهادن روی همبازیان خویش کمبود داشت در حالیکه لایق آن بود. او میخواست مهربان باشد. در حالیکه کاپیتن باید نشانه ای از اثرات خویش روی همبازیان جوان برجای بماند. بازیکنان جوانی که نمیدانند چه رفتاری باید در جریان اردو های تیم ملی داشته باشند و چگونه با جریان عمومی زندگی در تیم ملی عادت کنند.

در حقیقت کاپیتان باید دست راست مربی باشد.

اردوی تیم ملی

چگونه باید یک اردوی تیم ملی را برپا داشت و به نیازها پاسخ گفت؟
هنگامیکه بازیکنان فرامرسند نخست باید آزمایشی روی سلامت آنان بعمل آورد.
گفتگوی تلفنی با مربیان بازیکنان و آگاهی از نظرات آنان در باره بازیکنان شان که تیم ملی دعوت شده اند ضرورت

فوتبال کامل

نوشته: استفان کواکس





قل از سابقه با تیم دمکراتیک آلمان کوواکس نحوه بازی حرفه را برای بازیکنان تیم ملی فرانسه حلاجی میکند (عکس بالا)
کوواکس همراه با چند بازیکن تیم ملی فرانسه در یک جلسه تمرین (عکس پایین)

زیبا فراهم کرد. اما مهم این است که چیزی گفته شود که به محض ورود بازیکن عیناً جریان باید تا اعتماد بازیکن جلب شود. بازیکنان براساس بطور عمیق نیازمند نصیحت اند. آنان میخواهند بدانند که به استقبال چه چیز میروند. بازیکن آدمک مقوائی نیست و هرگز نباید سابقه خود را از حفظ چون شعر خواندن انجام دهد بلکه باید با آگاهی از یک سلسله اصول دقیقاً بتواند شخصیت خود را بروز دهد. او باید در بخشی از بازی چون یک ویولونیست یا کمدین سهیم باشد چه در این شرایط است که امکان پیش رفت یافته و به این کار سخت و تاب نیاوردنی — که لازمه انجام وظیفه اش می باشد — قدرت خلاقه و کلاس شخصی خویش را می افزاید. در فرانسه بنام آزادی اغلب اجازه میدهند تا بازیکن خود را آزمایش کند و دفعه کار منطقی خلاص کند.

یک حرفه ای بزرگ
 بمناسبت دیدار گیلزن کرخن بازیکنی بزرگ بنام هانری میشل را که پیش از ورود من بازیکن ثابت ملی بود ولی برای دیدار با یونان انتخاب نشده بود، فراخواندم او شاید بهترین دیدار با یونان نیز مستحق بازی بود و بهمین دلیل چون برای دیدار آلمان دعوت شد مورد پرسش خبرنگاری قرار گرفت که از او پرسیده بود: — چرا برای دیدار با یونان انتخاب نشده ای؟ هانری میشل بازیکن بزرگ و حرفه ای کامل بهترین بلخی را که از یک ورزشکار واقعی می توان انتظار داشت به خبرنگار داد. او گفت: این مربوط به انتخاب کننده است و بسایند از او این پرسش شود اوست که دلیلش را می داند. هرگاه او را برای بازی خوب تشخیص دهد فرا میخواند تنها چیزی که سر به خود مشغول می کند این است که چون انتخاب شوم بگویم تا شایستگی خود را برای تیم ملی نشان دهم و بهر تأییدی بر نظر مربی خود بزنم. و این بهترین کلامی است که می توان از زبان یک حرفه ای شنید. من او را انتخاب کردم و نه تنها هرگز از کرده خود پشیمان نشدم بلکه راضی بوم.

بقیه در صفحه ۲۸

دلگرم کننده و بند کارند و برخی آزاد دهند. بهرحال بهتر است سعی شود که این جماعت کمترین آسودگی تیم باشند. این چیده که اعضاء می خواهند در همسایه زیادند. و در فرانسه پیش از همه جا.

اتفاقاً بازیکنان فرانسوی برعکس بازیکنان آژاکس در دادن اعضاء سابقه دارند. این کار اگر چه بخاطر هیجان زبان بار است ولی موجب تقویت روحیه بازیکنان می شود و اگر بندرت صورت گردید عیب است.

نصیحت به روزی که میدان می رود
 در جریان دیدار با یونان که نخستین مسابقه من در فرانسه بود یکی از بهترین بازیکنانم بنام لا کوبت تحمل فشار و شدت عمل یونانی ها را نیاورد و ناچار شد بجای او برود. بازیکن جوان را روانه میدان کنم. برود ولی که خود را گرم می کرد تا عازم میدان شود، رویم کرد و گفت:

— من باید چکار کنم؟
 و من خوب می دانستم که در این زمان تنگ و حساس نمی توان نصیحتی جدی و ثمر بخش بازیکن کرد. بنابراین با او گفتم:

— تو بروی تا خطرناک ترین بازیکن یونان را غیبی کنی و آنگاه یک با دوکل هم بزنی او با حالتی که نشان می داد نمی تواند حرف مرا باور کند به چشمانم خیره شد و گفت:

— این واقعاً حقیقت دارد؟
 لجنخندی زدم و او را بطرف زمین بازی هل دادم. او وارد بازی شد و درست چند لحظه بعد پاس زیبایی از سولی توود دریافت کرد و زمین کل فرانسه را زد.

تشریح بازی حرفه

بعد از پیروزی ۳ بر یک روی تیم ملی یونان خبرنگاران فرانسوی به این نکته ایوا گرفتند که دو یونان بازی، تیم ملی فرانسه آهنگ خود را از دست داده بود. من نیز این را دیده بودم و از آنها سؤال کردم کدام تیم فرانسه را می شناسید که در تمام مدت بازی بتواند با همان آهنگ اولیه بازی کند؟ و آنها نیز مانند من باسخی نداشتند.

دوین دیدار تیم ملی در زمان من با تیم ملی آلمان غربی بود. آلمانی که در نهایت آدامگی بود و از پیروزی، ۳ بر صفر روی تیم ملی اطریش آمده بود و به استقبال جام جهانی مونیخ میرفت و این بازی در ورزشگاه نونید گیلزن کرخن بود که در آن بخاطر محدودیت زمین و نزدیکی تماشاگر فشار آلمانها می توانست طاقت فرسا باشد.

عادت دارم که هر بار پیش از مسابقه در زمانی مناسب قبل از مسابقه تصویر درست از بازی حرفه و بازیکنانش برای بازیکنان خود ترسیم نمایم. من آلمانها را تا بن ناخن میشناختم و می توانستم هر چه هستند درست مانند واقعیت بازگو کنم. با این وجود در این گونه موارد همیشه بنیاد گفته روزه بیاتونی چپ پای اعجاب انگیز تیم روس و تیم ملی فرانسه می افتم.

روزی روزه بیاتونی ستاره سالهای ۶۰ تا ۶۰ به آقای ژاکی ژورژیس فدراسیون فوتبال فرانسه چنین گفته بود:

— من مربیان و رهبرانی را شناختم که قبل از هر بازی شرح کاملی از ویژگیهای حرفه میدهند و تمام دقیق بازی و آنچه را که روی خواهد داد کلمه یکلمه بازگو کرده و نقاشی میکنند ولی محض آنکه ما وارد میدان میشویم هیچ نشانی از حکایت ایشان نمی بینیم و با چیزی ویر می شویم که هیچ شباهتی با موجود خلق شده توسط مربی ندارد. این آسان است که تدارک یک سابقه را با حملات بسیار

ولی با این وجود من مطمئنم که خواب در قسمت اول شب بهترین آرامش را به انسان میدهد. ورزشکاران معمولاً از نتایجی که علم پزشکی بدست داده بی خبرند و این تنها مربوط به فرانسه نیست.

سرانجام در این نخستین اردو آزمایش بدنی از تمام بازیکنان انتخاب شده بعمل آوردم و آن عبارت از این بود که: توپ روی خط میانی زمین قرار دادم.

هر بازیکن باید یک توپ را گرفته با خود تا روی خط ۱۸ قدم برده بزویی که مایل است درون دروازه خالی شوت کند و بعد بلافاصله بازگشته، توپ دیگری را برداشته و همین کار را انجام دهد تا با هر توپ چنین کرده باشد. مدت مصرف شده و حاصل شوتها همراهی به بازیکن میدهد که روشنگر قدرت بدنی اوست. این آزمایش را پیش از آن با جوانان برگزیده رومانی و سپس با تیم آژاکس انجام داده بودم و با کمال تعجب دریافتم که معدل کار فرانسویان

نزدیک به معدل کار آن دو گروه است یعنی اندکی بهتر از جوانان برگزیده رومانی و اندکی پایین تر از تیم آژاکس و این چیبستی واقعاً رضایت بار بود. ولی چیزی که باز جانب توجه بود، این بود که سرعت فرانسویان با توپ برابر یا خیلی نزدیک به سرعت با توپ بازیکنان آژاکس بود در حالیکه سرعت بدون توپ فرانسویان بسیار کمتر از بازیکنان آژاکس می بود. از این تفاوت دریافتم که میل فرانسویان به بازی با توپ به مراتب بیش از میل آنان در بازی بدون توپ است، و از سوی دیگر این یک نوبخ است که آنها با توپ سریع تر از بدون توپ میدوند و چون این را در جریان بازی نیز مطالعه کردم دانستم که این یک پدیده است.

اردو باغ وحش نیست

باز این در اردوی سنت سالو بود که همکاری خود را با خبرنگاران با این تفاهم آغاز کردم که اردوی تیم ملی یک باغ وحش نیست که هر لحظه بتوان از آن بازدید کرد. از خبرنگاران خواهش کردم که تنها ساعتی از روز را من و بازیکنان کاملاً آسوده و آماده باشیم معنی کنیم تا من و بازیکنان جوانیم کاملاً در اختیار آنان قرار بگیریم و من ساعت یک توپ بعد از دو توپ بعد از ظهر را تعیین کردم و سپس در همین ساعت بود که خبرنگاران را بدون تفاوت پذیرفتم و در نخستین ملاقات از کثرت و عشق آگاهی آنان و اهمیت روابط عمومی ورزشی در فرانسه شگفت زده شدم.

با آنان به این نقطه نظر مشترک رسیدم که نمیخواهم در پایان مسابقات بلافاصله خبرنگاران به لباس کن وارد شوند. زیرا در این لحظه بازیکن ناچار است خود را پیدا کند و برحمت می تواند سرعت اثرات مسابقه را از وجود خود و فکسر خود بیرون کرده و با حالت آرامش یافته بر روحیات و گفتار خود مسلط باشد. و اگر در این حال از او دوباره خودش و همبازیانش سؤال شود ممکن است چیزی بگوید که عقل او نگفته باشد و این یک عمل غیر انسانی است. خوشبختانه خبرنگاران فرانسوی این هر دو نقطه نظر را دقیقاً پذیرفته و همکاری نموده و هر بار با کمال حوصله بیش از ۳ دقیقه صبر می کردند تا آنکه اشاهای خود و وارد لباس کن شوند.

فاصله اردو تا محل مسابقه

باید سعی شود که فاصله اردو تا محل مسابقه هر قدر ممکن است کوتاه تر باشد. ما در شب مسابقه با یونان از سنت سالر تا پاریس ۳ ساعت در راه بودیم و دانستیم که این سفر چهار ساعته بحث عظیمی از نیروهای گرد آمده در طول هفته اردو را ازین می برد. و این موضوعی بود که بعدها رعایت شد. طرفداران نیز در اردو ها شش های متفاوتی دارند. برخی

حسین توکلی کاپیتن و سرپرست تیم ملی واترپولو ایران :

هم بازیکنم & هم کاپیتن & هم مربی

هم سرپرست

نیز با تیمهای خارجی در کشور خود برگزار می کردیم. این تماسها از هر لحاظ میتوانند در بالا بردن سطح کیفیت تیم ما مؤثر باشد و تمرینات ما را از حالت بکنواخت بودن خارج سازد.

قوزبالای قوز

توکلی آنگاه موضوع سفر تیم ملی واترپولو ایران به مونترال را پیش کشید و گفت: «همانطوریکه اطلاع دارید تمام تیمهایی که به مونترال میروند دارای سرپرست هستند بجز تیم ما که گویا موافقت نشده است سرپرست همراه داشته باشد. بهمین جهت سمت سرپرستی تیم را به من محول کرده اند که این خود بر مشکلات ما می افزاید و برایمان قوز بالا قوز شده است.»

وی اضافه کرد: «مشکلات ما یکی دوتا نیست، ولی چه میتوان کرد؟ ما با تمام این گرفتاریها و زخم زبانهایی بسیاری از کسانی که خارج از کورد نشسته و دائماً دستور می دهند مجبوریم تیمی آماده به المپیک روانه کنیم یعنی کاری را که تا کنون انجام داده ایم دنبال کنیم.»

تیم ما اینک هفته بی شش روز صبح و بعد از ظهر تمرین می کند. تمرینات صبح ما اختصاص به تاکتیک و تکنیک دارد و تمرینات بعد از ظهر شامل انواع و اقسام شناها و حرکات بدنی است. ما از روز ۱ اردیبهشت به انظار صبحی کرده ایم از شناهای استقامت بازیکنان کم کرده و در مقابل به شناهای سرعت آنان اضافه کنیم.

هدف کلی ما در حال حاضر روی قدرت بدنی و سرعت بازیکنان دور میزند و بهمین دلیل به این دوساله توجه دقیق داریم.»

توکلی در پایان صحبت های خود اظهار داشت: «از یازده بازیکن تیم ملی واترپولو ایران سن ۷ تن زیر ۲۰ سال است. ۲ نفر ۲۰ ساله، ۲ نفر ۲۱ ساله و ۱ نفر ۲۲ ساله هستند، با این حال مطمئن باشید تیم ایران جوان ترین تیمی است که در بازیهای المپیک مونترال شرکت دارد.»



در جلسه بی که هفته گذشته در حضور والا حضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ریاست کمیته ملی المپیک ایران تشکیل شد، اسامی یازده بازیکن اعزامی تیم ملی واترپولو ایران به بازیهای المپیک مونترال بشرح زیر اعلام شد.

حسین توکلی، (کاپیتن) حسین نسیم، حیدر شجنانی، بهرام توکلی، رضا کامرانی، داریوش موحدی، احمد یاقوتی، عبدالرضا مجدپور، فیروز محمدی، احمد پیدایش و منوچهر ابرچمی

این تیم به مربیگری منصور گروسی به مونترال می رود تا بعنوان تیم قاره آسیا با یازده نماینده دیگر قاره های جهان پیکار کند. در آستانه این بازیها، بمنظور اطلاع از نحوه تمرینات تیم ملی واترپولو ایران و میزان آمادگی بازیکنان، با حسین توکلی کاپیتن تیم - که بر کار تمرینات بازیکنان نیز نظارت مستقیم دارد - به گفت و گو نشستیم.

مطالب زیر چکیده صحبت های ما با این بازیکن سرشناس میباشد.

توکلی در آغاز سخن به مشکلات تیم اشاره کرد و گفت: «در حالیکه تا شروع بازیهای المپیک چند روزی بیشتر باقی نیست معدنک هنوز مشکلات فراوانی در کارها وجود دارد.

ما برای ورود به استخر آریامهر هنوز هم باید از هفت خوان رستم عبور کنیم تا بتوانیم خود را به کنار استخر برسانیم. برای حل این مشکل تا امروز دهها بار از مقامات مسئول تقاضا کرده ایم برایمان کارت ویژه صادر کنند تا مسؤران مجموعه ورزشی آریامهر سامانع ورودمان به داخل مجموعه نشوند. اما متأسفانه تا کنون گوش شنوایی پیدا نشده است که تقاضای ما را بشنود و به آن عمل کند.»

توکلی افزود: «بازیکنان تیم ما بخصوص این روزها که تمرینات سخت و فشرده بی را دنبال می کنند، لافلا در هفته سه جلسه احتیاج به سونا دارند. ما در این مورد با آنها ارتباطات سهول تقاضای کمک کرده و نیاز بازیکنان تیم واترپولو ایران را در این باره به آنان گوشزد نموده ایم ولی بازی نوعی بی تفاوتی و عدم توجه روبرو گشته ایم که بعداً حتی از عنوان کردن این پیشنهاد نیز پشیمان شده ایم. در

شمارا بخدا

بمن رحم کنید!

حالیکه این روزها با چشمان خود می بینیم که دیگر تنها هر وقت که اراده می کنند میتوانند از حمام سونا برای رفع خستگی استفاده نمایند. این مسائل واقعاً روحیه بچه ها را خرد کرده و در وجود فرد فرد آنان نوعی بدبینی بوجود آورده است.»

آنگاه کاپیتن تیم ملی واترپولو ایران به سفر اخیر تیم ملی ایران به آلمان غربی اشاره کرد و گفت: «این سفر برای بازیکنان تیم ما بسیار مفید و با ارزش بود و تیم ما تجربیات فراوانی بدست آورد. اما چه خوب بود از فاصله نسبتاً کوتاهی که به آغاز بازیها باقی ما نماند چند مسابقه دوستانه دیگر

کارگران دوندۀ انتخاب شدند

ازارج - ناصر احمدی از ایرانا - فرخ فرجاد از ایرانا.
پرش طول: ۱ - اکبر دارستانی از پروفیل نیمه سبک - دود پیردانی از ارج - اکبر گل محمدی از اریازر
پرش سه گام: ۱ - محمود نیرومند از ایرانا - محمدعلی عبداللهی از ارج - مهدی حیدری از ایرانا.
پرش ارتفاع: ۱ - سید محسن حسینی شکرایی از ایرانا - رضائانی از ناست - رضا رادمیش از پروفیل نیمه سبک.
تیم ایرانا با ۷ امتیاز اول، تیم پروفیل نیمه سبک با ۱۵ امتیاز دوم و تیم ارج با ۳ امتیاز سوم شد. تیمهای فیلیبس، زاگرس و شرکت نفت به ترتیب مقامهای چهارم تا ششم را بدست آوردند.

محسن حسینی شکرایی از ایرانا.
۴۰۰ متر: اکبر دارستانی از پروفیل نیمه سبک - ناصر قنبری از فیلیبس - اکبر مصطفی پور از ایرانا.
۱۵۰۰ متر: ۱ - اکبر دارستانی از پروفیل نیمه سبک - علی بیگتن از پروفیل نیمه سبک - مهدی حیدری از ایرانا.
۵۰۰۰ متر: ۱ - اسلام عباسی از ایرانا - حق کیا از شرکت نفت - علی بیگتن از پروفیل نیمه سبک.
پرتاب نیزه: ۱ - فرخ فرجاد از ایرانا - صادق حدادی از ارج - منصور احمدی از ایرانا.
پرتاب دیسک: ۱ - محمدعلی عبداللهی از ارج - داود بدایی از ارج - ناصر احمدی از ایرانا.
پرتاب وزنه: ۱ - محمدعلی عبداللهی از ایرانا.



بمنظور انتخاب تیم دوویدانی کارگران تهران جهت شرکت در مسابقه قهرمانی دوویدانی نارگران ایران، یکدوره مسابقه انتخابی در ورزشگاه امجدیه برگزار شد و نتایج زیر بدست آمد:
۱۰۰ متر: ۱ - جواد عسگری از پروفیل نیمه سبک - ناصر قنبری از فیلیبس - سید

ورزشکاران کارگر شرکت کنند در مسابقات انتخابی قهرمانی دوویدانی کارگران ایران در ورزشگاه امجدیه، به همراه محمود بیاتی مدیر کل تربیت بدنی و تفریحات سازمان وزارت کار (رف بلا نفروسط) دیده میشوند.

درخشش شهر ستانیهما

نخستین مسابقه قهرمانی جودو ایران با ظهور چهره‌های مستعد درخشانی از شهرستانها همراه بود بطوریکه حتی چند شهرستانی در مراحل و وزن‌های مختلف جودو کاهای با سابقه‌ای را که به کمر بند سیاه هم دست پیدا کرده بودند شکست دادند و به مقام قهرمانی دست یافتند.

و این هم صحنه‌ای زیبا از جدال دو شهرستانی است. هراند - خدا بخشیان جودو کای وزن ۷۰ تا ۷۰ کیلوگرم تیم اصفهان (سمت راست پاها به هوا) نتوانسته است حمید (از خوزستان) را در خاک نگهدارد و می‌رود تا خود در خاک حریف بماند.

این دیدار که در دور اول روز نخست انجام شد به سود هراند - خدا بخشیان پایان یافت و با فن اوسا یکوی (کنترل حریف به مدت ۳ ثانیه در خاک) به دور بعدی راه یافت.



مجید بشکار



نصرت‌الله عبداللهی

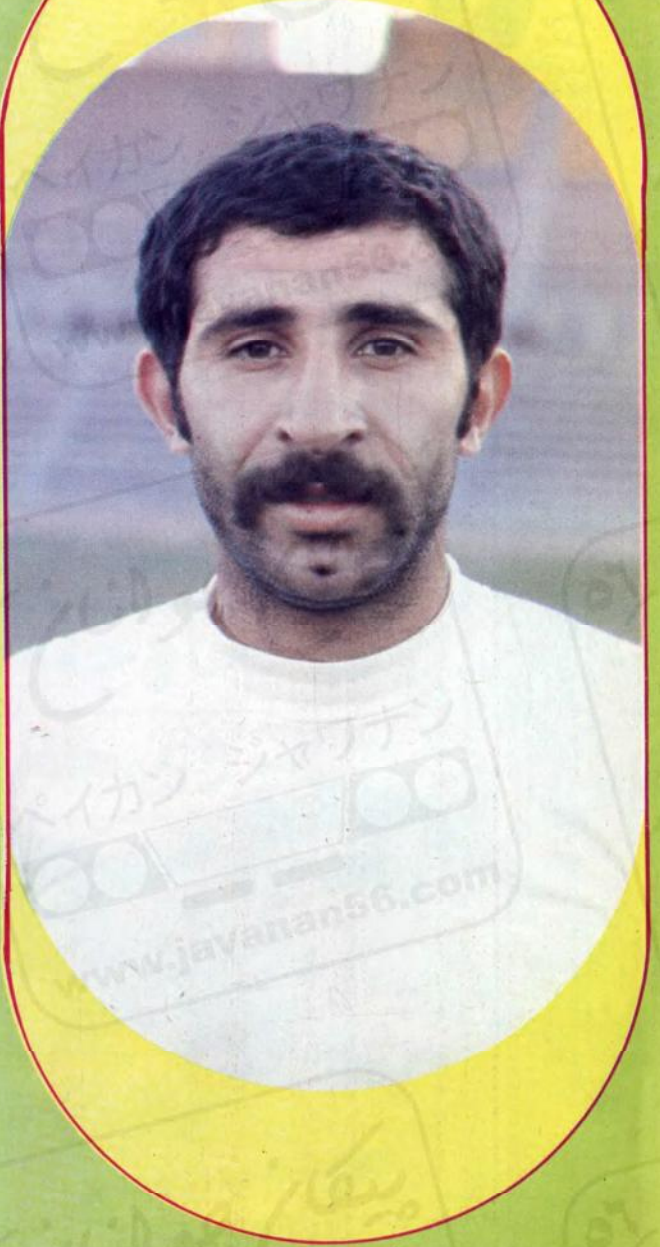


از راه‌رسیده‌های پرامید

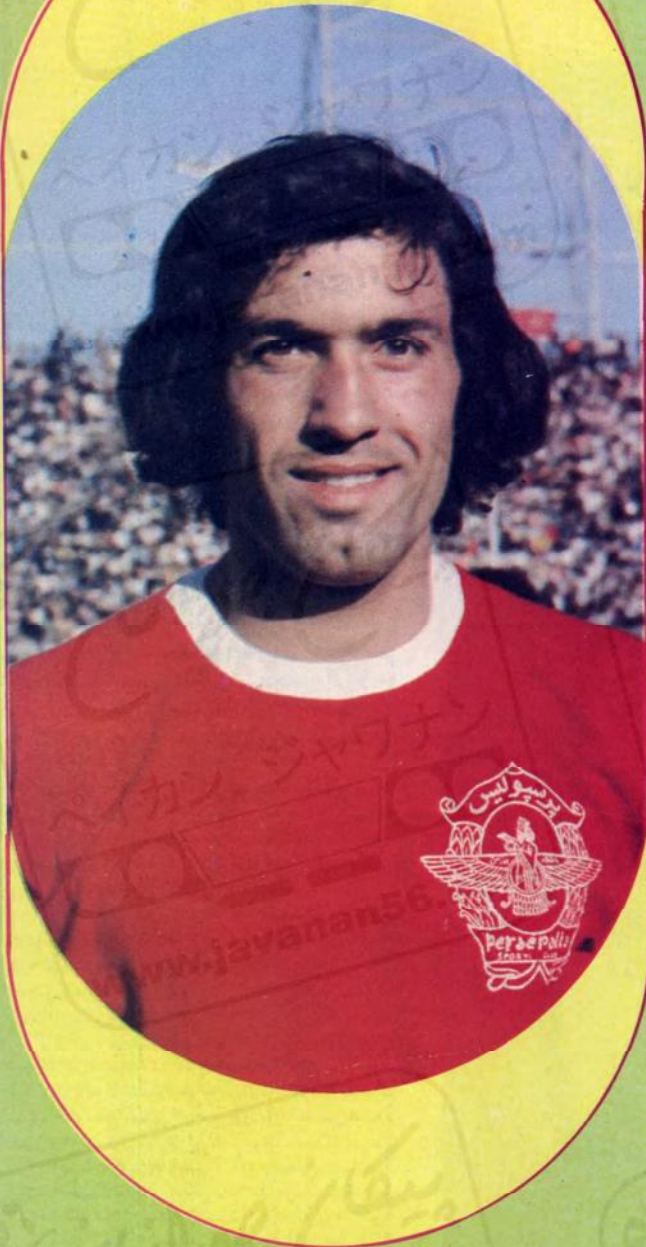
از یک سال پیش دگرگونی در فوتبال ایران آغاز شد و حالا تیم ملی در آستانه یک آزمایش بزرگ، یعنی المپیک قرار گرفته است. از یک سولهستان قهرمان را پیش رو داریم و از سوی دیگر تیم کلمبیا، ی‌قابل عبور و نیچریه سخت کوش.

در کنار بزرگان به جا مانده چند از گرد راه رسیده درخشش خوبی از خود نشان داده و امید به آینده تیم ملی فوتبال ایران را

علیرضا خورشیدی



بیژن ذوالفقارنسب



با رور کرده‌اند از علیرضا خورشیدی آغاز می‌کنیم که چهره‌ی کمی نظیر است. صفات عالی اخلاقی را با قدرت بدنی و مهارت فردی یکجا به همراه دارد و گوش چپ بی‌چون و چرای تیم شده است. او از سال پیش عضو ثابت تیم شد. بعد به سه بازیکن خوش اخلاق دیگر میرسیم که در جام اخیر ملت های آسیا به کسوت تیم ملی دست یافتند و اکنون اعتباری برای خود دارند.

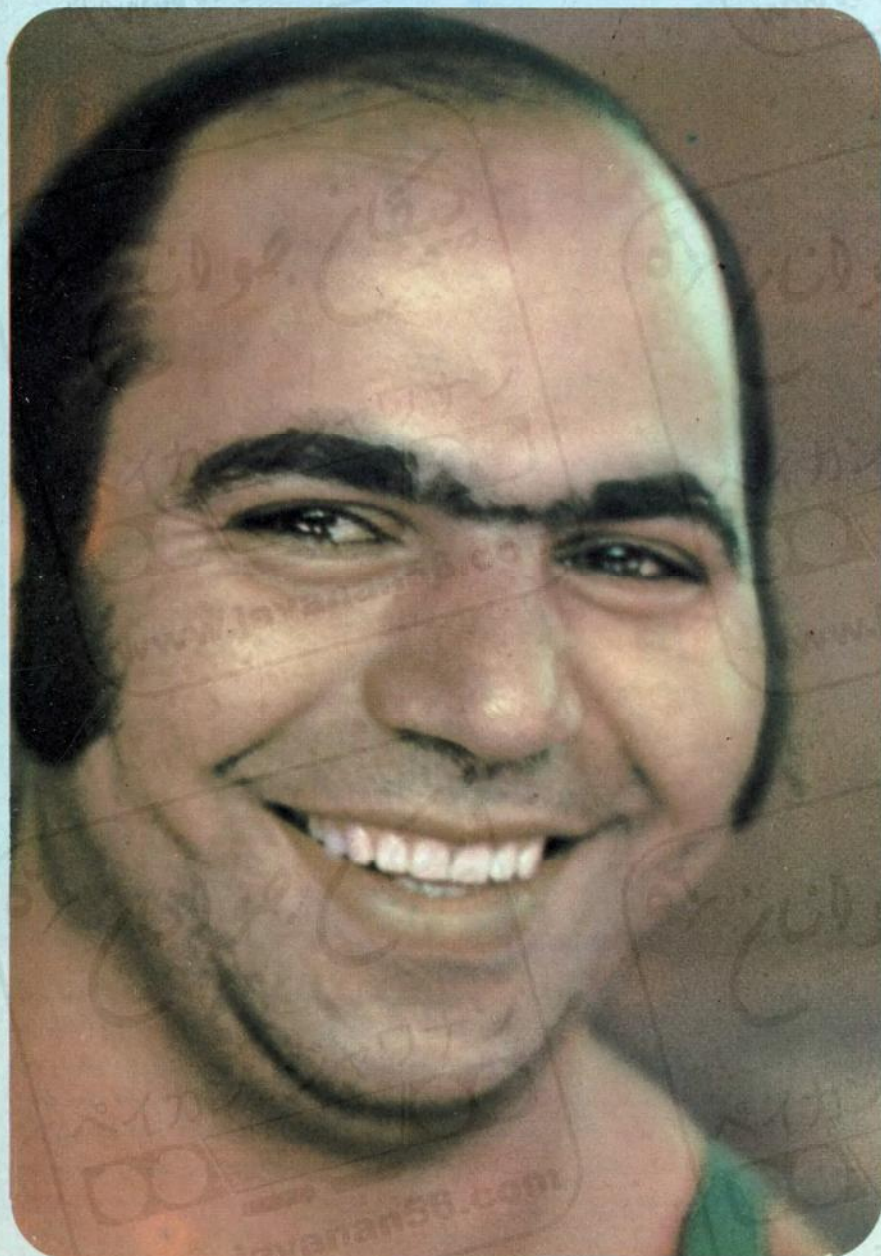
نصرالله عبداللهی در نقش دفاع میانی، فقط شناخت کامل

به یاران کنارش را کم دارد. در کنار او بیژن ذوالفقارنسب، از سرعتی کم نظیر در نزد مدافعان ایران برخوردار است. این دومی روند که زوج مناسبی برای هم شوند و سرانجام بازیکنی از خطه خوزستان را می‌یابیم که همه به قدرت ذاتی او ایمان دارند. مجید بشکار بعد از دو سال بازی در تیم ملی، لیاقت خود را برای رفتن به مونترآل نشان داده است. تردید نیست که تیم ملی فوتبال ایران سال‌ها می‌تواند به چنین عناصری تکیه کند.



چرا

هوشنگ کارگر نژاد مرد تمام طلای بازیهای آسیایی
تهران را به مونترال نمیبرند؟!



ارزش کارگر نژاد در آسیا ۹۰ درصد بیشتر از ورزشکاران اعزامی به مونترال است. فاصله عمیق میان هفت رشته انتخابی برای اعزام ورزشکاران ایران به المپیک مونترال با ارزش های جهانی موجب شد که در این رشته ها مانند دو و میدانی، تیراندازی، مشت زنی، دوچرخه سواری و بوهه موقعیت آنها در آسیا توجه گردد تا در صورت مقبولیت، مقام و منزلت آنها در آسیا، راهی المپیک شوند. در رشته کشتی آزاد و تا حدودی فرنگی و وزنه برداری اینگونه نیست و بعضی از افراد این تیمها مقام جهانی دارند و اگر در آمادگی مطلوب روی صحنه بازیهای المپیک ظاهر شوند، امید موفقیت آنها زیاد است. اما افراد این سه تیم نیز بیشترشان در سطح آسیا ارزش دارند و آنهایی که در المپیک امید موفقیت دارند از انگلستان یک دست کمتر هستند! هر روز می شنویم و میخوانیم که فلان ورزشکار چون نتیجه نبرد آسیا را که دو سال قبل بدست آمده شکسته، راهی المپیک مونترال خواهد شد. اما کسی نیست سؤال بکند چرا؟

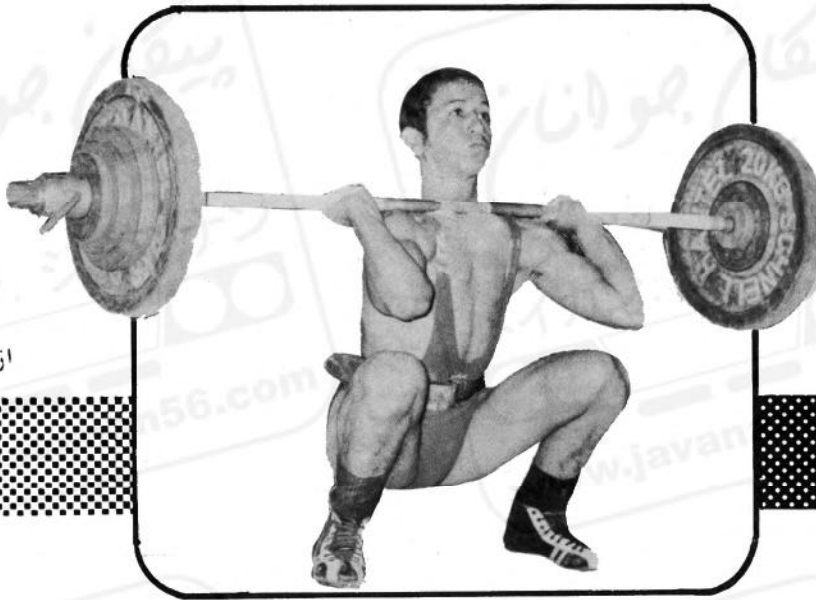
هوشنگ کارگر نژاد مرد تمام طلای بازیهای آسیایی تهران در میان افراد اعزامی جایی ندارد.

هوشنگ در بازیهای آسیایی تهران با مجموع ۲۲۵ کیلو (یکضرب ۱۰۴ و دو ضرب ۱۸۵ کیلو) سه مدال طلا برای ایران بدست آورد. رکورد او در دسته سنگین وزن بیشتر از قهرمان مافوق سنگین آسیا بود چون قهرمان این دسته با ۳۱۷/۵ برنده مدال طلای آسیایی شد!

هوشنگ بعد از این بازیها پسته مافوق سنگین رفت و طی دو سال گذشته بارها شاهد ترقی او و رکورد شکنی های او بوده ایم و در حال حاضر او قویترین وزنه بردار آسیا بشمار میآید و در هر مسابقه بین المللی در آسیا شرکت میکند مدال طلای او تضمین شده است. فدراسیون وزنه برداری میگوید: «اگر کارگر نژاد ۳۴ کیلو در دسته سنگین وزن و زنه برنده سه المپیک اعزام خواهد شد. ما میگوییم اولاً آمدن کارگر نژاد بیک وزن پائین تر لنتباه است چون تیم ما را در آسیا تضعیف میکند و در سطح جهانی نیز هیچ دردی را شفا نمی بخشد و ظهور او در این وزن در برابر تیم مصر موجب شد که تیم ملی ایران از قهرمان کشورهای عربی — که وجهه بی دردنیا ندارد شکست بخورد. ثانیاً بار کورد ۳۷ کیلو در دسته سنگین هم نمیتوان یک امتیازی مقدار کسب کرد تا چه برسد رکورد ۳۴۵ کیلو. اما با توجه باینکه قهرمان های غول پیکر و نیرومند ما که در آسیا رویشان حساب میشود، مانند بادیا در مشت زنی و حسام در پرتاب ها و دو کشتی گیر غول پیکر در آزاد و فرنگی، جای مرد تمام طلای بازیهای آسیایی تهران با ۲۰ بار رکورد شکنی در طول چهار سال واقعاً خالی بود. چطور ممکن است بهترین وزنه بردار آسیا را خانه نشین کرد و ورزشکاری را که معلوم نیست با چه شرایطی بار کورد نبرد آسیا که دو سال پیش بدست آمده — مساوی میکند، راهی المپیک نشود؟

ما نمیخواهیم در انتخاب نقرات دخالت کنیم اما بسا سداى بند میگوئیم ارزش کارگر نژاد در آسیا بیشتر از ۹۰ درصد ورزشکاران اعزامی به المپیک مونترال است یعنی اگر هم اکنون بازیهای آسیایی در قطعه ای از کشورهای آسیایی برگزار بشود، بخت قهرمانی هوشنگ کارگر نژاد بیشتر از محمد نصیری و چند کشتی گیر آزاد ما است که در المپیک مونترال برای مدال خواهند جنگید!

با کیزه حیم امید شماره یک ما بود زیرا در تمرینات ۱۱۵ کیلو یکضرب را برلحتی میزد ولی در مسابقات لهستان وزنه ۱۱۰ کیلویی راه بار - انداخت! چه کسی برای این علم موفقیت جواب قاغ کننده ای دارد؟



از: هنریک تمرز

وزنه برداران ما کجا و چه وقت نیروی حقیقی خود را نشان خواهند داد؟

نتیجه وزنه برداران در مسابقه های بین المللی برنگر آنها افزود!

روش کار من در آوردی رهبران تیم ملی جوانان را در گدانسک لهستان محکوم میکند. فرستاده رستاخیز می نویسد: «حسن عمیدی وزنه بردار مگس وزن تبریز دوبار در بلند کردن وزنه ۸۷/۵ کیلو توفیقی نمی آورد. بعد سری تیم تقاضای ۹۲/۵ کیلو را میکند و عمیدی با هر جان کشدن و با بدت و اقبال بلند این وزنه را بالای سر مهار میکند و از خارج شدن از مسابقه نجات پیدا میکند.

این کار از نظر یک مربی مبتدی نیز محکوم شده است و به خصوص اگر به نتیجه کار او توجه نکنیم می بینیم که وزنه بردار ما با یکضرب ۸۷/۵ کیلو نیز همین مقابلی را که اکنون صاحب شده بدست می آورد و پرشهای عجیب و غریب او و بعد تقاضای ۱۰۱ کیلو یکضرب برای اوقف یک «ژست» و برای همراه کردن دیگران بود. اصولاً وقتی سوت دادن وزنه بردار جوان — که هنوز هیچ تجربه ای ندارد — به سوتی خطر صد درصد تشبیه است. مربی چگونه از وزنه برداری که دو بار نتوانسته وزنه ۸۷/۵ کیلو را بلند کند می خواهد که وزنه ۱۰۱ کیلو را آزمایش کند؟ البته اگر یک وزنه بردار با تجربه و غیرتی مثل نصیری بود ما میتوانستیم چشم روی هم بگذاریم. اما با جان یک وزنه بردار مبتدی بازی کردن به نظر ما صحیح نیست

«همین گزارشگر می گوید: «عمیدی یک روز قبل از مسابقه وزنه ۹۷/۵ کیلو را یکضرب زد و این اشتباه بزرگ یک مربی است که وزنه بردار خود را وادار کند که یک روز قبل از مسابقه با بلند کردن وزنه های سنگین نیروی خود را از دست بدهد و اعصاب خود را بیازارد. روز بعد همه سه کیلو از وزن بدنش را با هزار زحمت کم کند و همان نتیجه روز گذشته را در صحنه مسابقه ها نشان بدهد و این نشان میدهد که وزنه برداران جوان ما برای تمرین بیشتر از مسابقه اهمیت قائل بوده اند! چرا؟ برای ما روشن نیست. در اینجا سؤالی مطرح میشود که آیا زمانی که برویز جلابر مربی تیم جوانان ما در مکزیکو مدال نقره را گردن آویخت با او چنین رفتار شده بود که حالا با شاگردانش این گونه عمل کرده است؟! گزارشگر ورزشی رستاخیز با قلم خود اعلامی را که منجر به شکست تیم جوانان ایران در لهستان منتهی شد، بسیار خوب ترسیم کرده و سندی بدست داده در محکومیت و سهل انگاری

سوار هوا ایما شدن صغری و کبری می بینند! فرستاده آیدگان، گوشمان پر شده بود از سرود ملی کشورهای دیگر! مگر! مگر! مگر!

فرستاده روزنامه آیدگان در گزارش خود مینویسد: «ما یعنی ۱۱ ایرانی حاضر در نالز مسابقه های جهانی ۱۹۷۶ گدانسک (لهستان) تماشاگر بالا رفتن پرجم دیگر کشورها بودیم و گوشمان پر شده بود از سرود ملی کشورهای دیگر و هر بار با ترم این صداها اشک در چشمانمان جمع می شد که چگونه از وزنه برداری اینهمه عقب رفته ایم و نزول کرده ایم و کشورهای تازه با گمنام نیز حالا برای خود در وزنه برداری جهانی جای یافته اند اما ما فقط باید به خاطره های خوب خود در این ورزش دلخوش باشیم.

فرستاده ارگان حزب رستاخیز نیز در مورد نیرو و قدرت وزنه برداران جوان روی صحنه و پشت صحنه سخن بسیار رانده و روش آمادگی وزنه برداران ما را بر ایرای حضور در مسابقه هاشرح داده که بسیار جانب است و طرز عمل کرد و

خیال در پشت صحنه مسابقه های وزنه برداری مونترال برای آنها وزنه انتخاب نماید؟ والله من که شک دارم تا خود سریبان و مسوولان چگونه فکر میکنند.

فرستاده رستاخیز طرز عمل رهبران تیم ملی جوانان را محکوم میکند

در مورد نتیجه کار ملی پوشهای جوان در گدانسک — لهستان خیلی حرفها داریم اما فرصت بسیار کم است و تأسف ما از آنجا اوج می گیرد که همزمان با تعریف و تمجید فراسیون وزنه برداری از نیروی نهفته وزنه برداران جوان و وعده خلق صحنه های باشکوه توسط آنها روی صحنه دومین دوره مسابقه های وزنه برداری جوانان جهان، یکی بعد از دیگری با بدترین شکل از صحنه مسابقه ها دور میشوند و میدان را به رقبای خیلی جوان تر از خود میسپارند! و این می خبری فراسیون را از قدرت واقعی افراد تیم ملی جوانان میسراند. بهتر است بگوییم که خلاف بعضی مقامات مسؤول فدراسیون وزنه برداری و ورزش میسراند و در واقع برای

سفر اخیر تیمهای وزنه برداری جوانان ما به گدانسک (لهستان) محل برگذاری دومین دوره مسابقه های قهرمانان جوانان جهان و تیم راه آهن به برست (شوروی) برگزار کننده مسابقه های بین المللی راه آهنهای جهان و نتیجه نمایش نیروی آنها در این جدالهای بین المللی آنهم در فاصله کمتر از نگاه به شانزدهمین دوره مسابقه های وزنه برداری در بازیهای المپیک مونترال، بیش از پیش برنگر آنها افزود!

تیم وزنه برداری باشگاه راه آهن که اسما برای اولین بار بطور جدی در بارش انباشته بودند و تقریباً شکل دلپذیری داشت، از مسابقه های بین المللی همقطارانش با دستهای پر باز — گشت و در میان ۲ تیم شرکت کننده از جمله شوروی، لهستان، مجارستان و بلغارستان بمقام سوم رسید و چند مدال طلا، نقره و برنز را آورد این تیم نوا بود. ما این پیروزی را به گردانندگان و بیانگاران این تیم تبریک میگوییم بامید اینکه برای قدرتمندی این تیم بی گیری شود تا در مسابقات آینده با شکل دلپذیرتری در این نوع از مسابقه ها شرکت کنند و بارگوردهای بهتری به وطن برگردند. ناگفته نماند که

مدالهای زرین، نقره و برنز افراد این تیم تا حدودی جانب و یک پیروزی خوب برای بنیانگاران این تیم جوان با افراد بسیار با تجربه خود بود. اما وقتی به نتیجه زور آزمایی محمد نصیری و فضل الله دهخدا دو تن از ملی پوشها که چند روز دیگر سیاهیستی در المپیک مونترال شرکت نمایند، نگاه میکنیم، این شک و تردید بوجود میآید که این سفر برای نمایش نیروهای آنها نتیجه بی نیکو در سطح جهانی نداشت و وزنه برداران ما با خدمت های بسیار ضعیف بمدال طلا و نقره دست یافته اند و حرفی قدرتمند در برابر خود نداشتند و حتی دور از آسازگی یک ماگ بیش خود بودند که در برابر تیم مصر ظاهر شدند! نصیری میگوید: «من بخودم فشار نیاوردم» این تا حدودی قابل قبول است اما دهخدا چرا؟ آیا او هم در سطح نصیریست و ماگگشته درخشان خود زندگی میکند و بختی بلند در مونترال دارد اما مثال دهخدا ها کی و کجا با بد خود را نشان بدهند؟ در مسابقه های داخلی که نمیدرخواستند. در خارج از مرزهای ایران که بخود فشار نمی آورند، پس نیروی آنها در کجا باید ستجیه شود؟ آیا یک مربی با فکر می تواند بدون دغدغه و آسوده

ویرین تبلیغاتی

هیتلر و نازیسم

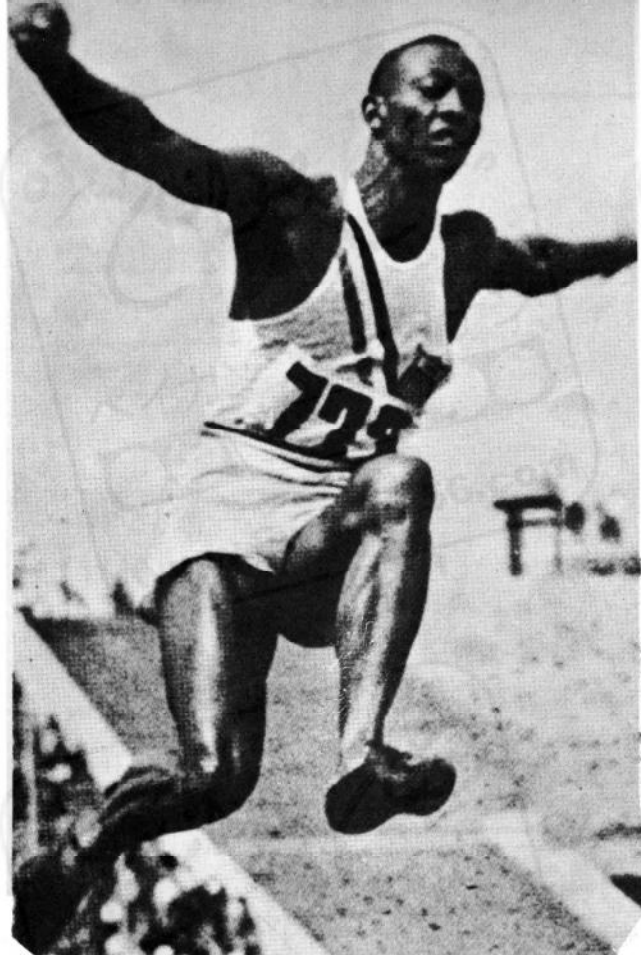
المپیک یازدهم را باید با دو نام مشخص کرد: «هیتلر» مدعی برتریهای نژادی و «جس آونس» اثباتگر بومی این ادعا. آدولف هیتلر رفته رفته به اوج قدرت خود در آلمان نزدیک می‌شد. چرخهای دولت نازی و نظامی آلمان بخوبی می‌چرخید و در فاصله سه سال پس از آنکه هیتلر در ۱۹۳۳، پیشوای آلمان شد، به لطف سخنرانیهای آتشینش و برنامه‌های ضربتی دولت.

اتحاد و یکپارچگی ملی به آلمان بازگشته بود. کمر خم شده ملت در زیر بار جنگ رفته رفته و بسرعت راست می‌شد، تأثیرات معنوی و مادی شکست رو به فراموشی بود، خرابیهای همه جانبه بسرعت ترمیم میشد و آلمان به موقعیتی رسیده بود که در اغلب جهات و بخصوص از نظر اقتصادی و نظامی، نه تنها از کشورهای درگیر جنگ اول فاصله داشت، بلکه بسیاری از کشورهای آسیب ندیده از جنگ و قدرتمند آنروز را نیز پشت سر خود می‌دید. بدین دلایل آلمان و بخصوص «پیشوا» و دولتش احساس غرور می‌کردند و زمینه‌های

قدرتمندی دوباره بچشم می‌خورد. هیتلر به عنوان سرآغاز قدرتمندی، المپیک را برگزید. او می‌خواست بوسیله المپیک و بچشم کشیدن قدرت خلافت آلمانی، تیوغ و برتری نژاد آریا را به اثبات برساند و پیش از آنکه جنگ بزرگ را آغاز کند، نمایشی بزرگ به صحنه آورد.

این خواسته‌های او آغاز نقوذ سیاست در عالم ورزش بود که البته با آرمانهای المپیک مغایرت داشت و گرچه تمام کشورها، جهان ورزش و رهبران المپیک، خیلی زود از هدفهای هیتلر آگاه شدند، اما هیچ راهی برای بازداری او از تعقیب هدفهایش وجود نداشت: برلین به عنوان برگزار کننده یازدهمین دوره بازیها

جس آونس، قهرمان ساهوست امریکائی، با کسب ۴ مدال طلای المپیک ۱۹۳۶ ششم هیتلر را برانگیخت تا جایی که «پیشوا» حاضر نشد او را چون ورزشکاران دیگر بحضور پذیرد و مدالیهایش را بدهد!



قدرتمند ما چون محمود نامجو، صفا سنبلی، علی میرزائی و اسماعیل علم خواه صاحب سه مدال طلای جهانی چهارمدال تفره و ۷ مدال برنز بودند و مدال طلای المپیک محمد نصیری تکمیل کننده این مجموعه زینتا و افتخار آمیز بود.

خروس وزن ۵۵ کیلوگرم

- ۱- محمد نصیری ایران ۳۶۷/۵ (۱۵۰+۱۰۵+۱۱۲/۵)
- ۲- امیره فولدی مجارستان ۳۶۷/۵ (۱۵۰+۱۰۵+۱۲۲/۵)
- ۳- هنریک تره بیشکی لهستان ۳۵۷/۵ (۱۳۵+۱۰۷/۵+۱۱۵)

پرواز ۶۰ کیلوگرم

- ۱- یوشی نوبو میاکی ژاپن ۳۹۲/۵ (۱۵۲/۵+۱۱۷/۵+۱۲۲/۵)
- ۲- دیتو شاننده شوروی ۳۸۷/۵ (۱۵۰+۱۱۷/۵+۱۲۰)
- ۳- یوشی یوکی میاکی ژاپن ۳۸۵ (۱۳۷/۵+۱۱۵+۱۲۲/۵)
- ۴- نصرالله دهنوی ایران ۳۶۵ (۱۴۰+۱۱۷/۵+۱۰۷/۵)

سیک وزن ۶۷ کیلوگرم

- ۱- والدسار باژانفسکی لهستان ۴۳۷/۵ (۱۶۷/۵+۱۳۵+۱۳۵)
- ۲- پرویز جلایر ایران ۴۲۲/۵ (۱۶۵+۱۳۲/۵+۱۲۵)
- ۳- ماریان زلینسکی لهستان ۴۲۰ (۱۶۰+۱۲۵+۱۳۵)



هنریک تمرز

سال

از آن تا... مونترال

پیروزی بزرگ

در المپیک ۱۹۶۸ مکزیکو سرانجام خروس ایران سرود پیروزی خواند

مدال نقره دست یافتند!

المپیک ۱۹۶۸ (مکزیکو)

مسابقه‌های وزنه برداری در دسته خروس وزن، ششمین دوره ایندسته را در مکزیکو با موفقیت بسیار پشت سر نهاد و سرانجام خروس طلایی ایران سرود پیروزی خواند و این واقعا حق هر کوه‌های ۵۵ کیلویی ایران بود که پس از سالها نا کاسی و سرگردانی روی سکوهایی دو و سوم المپیک و زیر دست این آن قرار گرفتن، خود پتتهایی در راس خروس‌های جهان قرار بگیرند و برای اولین بار توسط محمد نصیری صاحب مدال طلای المپیک شویم. در صورتیکه میدانیم پیش از آن خروس‌های

خفه کردند! در نتیجه تنها چهارتن جواز ورودی به بازیهای مکزیکو را دریافت کردند در حالی که مسابقه‌های وزنه برداری در هفت وزن برگزار میشد. در صورتیکه ۲۰ سال قبل از آن در المپیک ۱۹۴۸ لندن میدانیم تیم ایران رانچ تن تشکیل میدادند و مسابقه‌ها در شش وزن بود.

مهمترین موضوعی که در این المپیک مورد بحث و گفت و شنود قرار گرفت، نلهور کشورهای نظیر سوئد، فنلاند و بلژیک بصورت یک نیروی جدید و تهدید کننده بود که رده بندی کشورهای صاحب مقام را بهم میزد و مقام قهرمانی تیمی را سهم می‌نمود و سرانجام این مدعیان تازه برخاسته به یک مدال طلا و یک

چهاردهمین دوره از مسابقه‌های وزنه داری در نوزدهمین بازیهای المپیک ۱۹۶۸، مکزیکو با رویدادهای شگفت انگیز همراه بود. کشور مکزیک هم مانند ربا زنها با اینکه از امرکز نشو و نما و وزنه برداری یعنی کشورهای اروپائی و آسیا بسیار دور بود، لیکن از لحاظ کثرت شرکت کننده به یک حد تصاب خوب دست یافت و آن حضور نمایندگان ۵۲ کشور در مسابقه‌های وزنه برداری بود.

مسؤلان وزنه برداری ما نیز بجهت «اجتکارسایقه!» یکی از جوانترین و قویترین تیم‌های تاریخ وزنه برداری خود را خانه نشین کردند و در حقیقت جهش بزرگ نیروی جوانان را چه از نظر روحی و چه از نظر جسمانی در نقطه

کار پیچیده المپیک را

هچنین برای اولین بار، ابتکار برافروختن مشعل المپیک بوسیله نور خورشید در یونان و حمل آن توسط دونندگان کشورهای مختلف مطرح شد و به اجرا درآمد. با این ابتکارات و تبلیغات گسترده، هیتلر توانست حساسیتی فوق العاده به بازیها بیخشد و نظر تمام مردم جهان را به آلمان و بازیهای برلین معطوف دارد. این توجه عمومی به گونه‌یی بود که سیل مشتاقان از گوشه و کنار اروپا و جهان بسوی برلین سرازیر شد. رقم خارجی‌هایی که برای تماشای رویدادهای المپیک به برلین رفتند، بیشتر از ۱۵۰ هزار تن ذکر شده است که برای المپیکهای آن زمان، چیزی بیسابقه بود. بدین ترتیب همه چیز بر وفق مراد هیتلر پیش می‌رفت: توجه بیسابقه جهانی به آلمان و المپیک معطوف شده بود. نمایندگان ورزشی، ۵ ملت در برلین اجتماع کرده بودند. نمایندگان تقریباً تمام وسایل ارتباط جمعی دنیا در برلین حاضر بودند. گروه کثیرخا جهان به برلین جذب شده بودند. انظار تلسیسات و تجهیزات ورزشی همه چیز در اوج بود و حالا بر عهده قهرمانان آریانی نژاد بود تا افتخارات المپیک را برابیند، هیتلر را از غرور سرشار کنند و او نظریه برتری

نژاد آریا را اثبات شده اعلام کنند. در اینجا بود که «جس اونس» ظهور کرد و خوابهای طلایی هیتلر را نقش بر آب نمود. «جیمز کلونل اونس» معروف به جس اونس، یک سپاه‌پوست آمریکائی بود. یعنی از نژادی که هیتلر آنها را خوار می‌شمرد، چون یهودیان سزاور نابودی و پاک‌کننده شدن بکارهای بست می‌انگاشت و حتی تلاشهایی هم کرد تا از حضورشان در المپیک و رقابت با نژاد آریا برتر جلوتری کند اما موفق نشد. جس اونس سپاه‌پوست در برابر چشمان خیره‌شده هیتلر و صدهزار تن تماشاگر که هر روز به ورزشگاه می‌آمدند، براحتی درسایقات مقدماتی صدمترو. ۲۰ متر، آلمانی‌ها را شکست داد و رکوردهای المپیک و جهان را نیز بهبود بخشید. او آنگاه در روز فینال صدمترو، باردیگر پیش از همه خط پایان را با نتیجه ۱۰/۳

انتخاب شده بود و آلمان سرعت مقدمات کار را آماده کرده و با رسیدن به هدف فاصله‌یی چندانی نداشت.

تقریباً در سال ۱۹۱۳ برای برگزاری بازیهای ۱۹۱۶ در برلین، ورزشگاهی بسا گنجایش ۶ هزار تن ساخته بود که مورد استفاده قرار نگرفت. به دستور هیتلر گنجایش این ورزشگاه تا صدهزار تن افزایش یافت و در اطراف آن تلسیسات ورزشی مورد لزوم دیگر با معماری خیره کننده و تجهیزات کامل بنا شد. علاوه بر اینها دهکده مسکونی المپیک برای سکنی دادن حدود ۵ هزار تن شرکت کننده برپاگشت و آن بگونه‌یی بود که پس از بازیها برای مقاصد نظامی نیز قابل استفاده باشد.

از سوی دیگر در جوار این فماینتهای ساختمانی، تلاش برای آماده سازی تیمها و پرورش شرکت کنندگان آلمانی در معنی بی‌سابقه آغاز شد تا آلمانی‌های آریانی بتوانند مدالهای فراوان به‌دست آورند و نظریه پیشوا به اثبات برسد.

در برابر این فماینتهای آلمان و بخصوص تبعیضات نژادی استقرار شده و مطالبی که نسبت به یهودیان اعمال می‌شد، کمیته بین‌المللی المپیک و بسیاری از کشورهای دیگر، اعتراض کردند و حتی سخن از تغییر مکان المپیک و سپس تحریم بازیها به عمل آمد. اما هیچ‌کدام عملی نشد، چه هیتلر به اندازه کافی زیرک بود و می‌دانست چه می‌خواهد و چگونه به آن دست یابد. او هنگامی که سر و صدای اعتراض گران به‌شدت اوج گرفت و مسأله

پس از آنکه محمد نصیری در المپیک مکزیکو (۱۹۶۸) با مبارزه میلی‌ستری و رویارویی خود با حرفیان روس، بلغاری، مجاری و لهستانی، آنها را وادار به قبول شکست در برابر قدرت خود نمود. در پایان کارزار سخن ازستجش نیرو و توان قدرت او بهمان آمد و کار را به ترازوی حاضر روی صحنه سابقه‌های وزنه‌برداری کشاند. چون کارشناسان عقیده داشتند که بلند کردن ۱۵۰ کیلو در دوزخ دور از توان وزنه‌برداران اینستده در طول تاریخ وزنه‌برداری بوده است. معهذاً برای ثبت این رکورد و سپردن آن در دل تاریخ فوراً او را روی صحنه مسابقه‌ها توزین کردند و نصیری آخرین مبارز خود را که ترازوی مسابقه‌ها بود پیروزندانه جواب داد. در عکس این لحظه حساس، پیروزی بزرگ و استثنای محمد نصیری را پس از پایان کار— که برای همه ما ایرانیها که در المپیک مکزیکو حضور داشتیم و او را می‌پاییدیم— بسیار شادی بخش بود.



رده‌بندی ملتها طلا نقره برنز مجموع

۱- شوروی	۳	۳	۶
۲- ژاپن	۱	۱	۲
۳- ایران	۱	۱	۲
۴- لهستان	۱	۴	۵
۵- فنلاند	۱	۱	۲
۶- مجارستان	۱	۱	۲
۷- بلژیک	۱	۱	۲
۸- آمریکا	۱	۱	۲

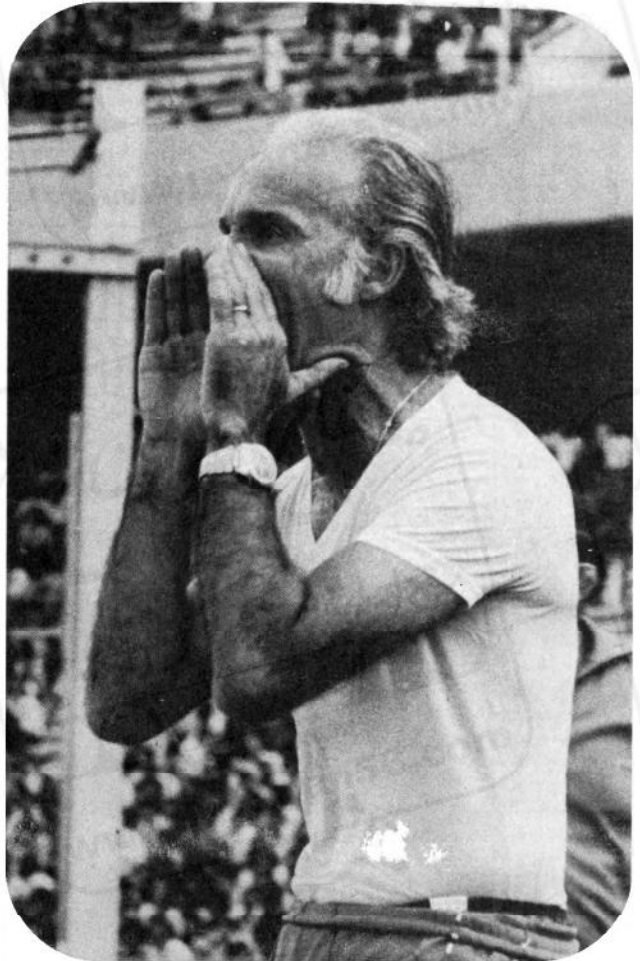
بقیه در صفحه ۲۸

- ۱- ماره‌ک گولاب لهستان ۴۹۵ (۱۸۵+۱۴۵+۱۶۵)
- ۲- سنگین وزن ۹۰ کیلو
- ۱- لئونید ژابوتینسکی شوروی ۵۷۲/۵ (۲۰۲+۱۷۰+۲۰۰)
- ۲- سرژ درینگ بلژیک ۵۵۵ (۲۱۲+۱۴۷/۵)
- ۳- جودوی آمریکا ۵۵۵ (۲۱۰+۱۴۵)

- ۱- میان‌وزن ۷۵ کیلوگرم
- ۱- ویکتور بلایف شوروی ۳۸۵ (۱۸۵+۱۴۷/۵+۱۵۲/۵)
- ۲- نوربرت اوزمیک لهستان ۴۷۲/۵ (۱۸۲/۵+۱۴۰+۱۵۰)
- ۳- میان‌سنگین ۹۰ کیلوگرم
- ۱- کارلو کاتکاس نیمی فنلاند ۵۱۷/۵ (۱۸۷/۵+۱۵۷/۵+۱۷۲/۵)
- ۲- یان تالنتس شوروی ۵۰۷/۵ (۱۹۷/۵+۱۵۰+۱۶۰)

- ۱- ویکتور کوروتسوف شوروی ۴۷۵ (۱۸۷/۵+۱۳۵+۱۵۲/۵)
- ۲- ماساشی اووهوشی ژاپن ۴۵۵ (۱۷۵+۱۴۰+۱۴۰)
- ۳- کارولی باگوس مجارستان ۴۴۰ (۱۷۰+۱۳۳/۵+۱۳۷/۵)
- ۴- نیمی سنگین ۸۲ کیلوگرم
- ۱- بوریس سلیتسکی شوروی ۴۸۵

آقای زاگالو



زاگالو:

ایران با امکاناتی که دارد
میتواند بهتر از آنچه
هست بشود

اگر تیم شما گل میزد وقت کشی نمیکرد؟

زاگالو قندی متوسط دارد. موهای سرش سفید و چهره اش پرا زچین و چروک است. باورم نمیشود که مردی که روی می نشسته ملی پوش برزیل در سال های ۸۵ تا ۹۴ بوده و در ۷ و ۴ عنوان مربی برای تیم ملی برزیل را داشته است.

از «کارلوس» که دستیار زاگالوست خواهش میکنیم بیوگرافی زاگالو را در اختیار ما بگذارد. کارلوس بشغول نوشتن بیوگرافی زاگالو است و مرتب توضیح میدهد ولی حواس من جای دیگر است. به چهره این مرد که در مقابل من نشسته دقیقاً خیره شده ام انگار میخواهم از خطوط چهره اش بخوانم که علت شکست برزیل در مونچخ چه بوده؟ چرا به کویت آمدند؟ با دلش به حال نویسی ها میسوزد یا برای بونهایشان نقشه کشیده...؟

زاگالو چشمش به من میافتد. هردو همدیگر را نگاه میکنیم و میخندیم. اولین سؤال در باره بازی یکشنبه طرح میکنم:

— از بازی تیم کویت در مقابل ایران راضی بودید؟

— تقریباً راضی بودم. ناسمنم در اینست که در مقابل ایران، چهار بازیکن اصلی ما حضور نداشتند و غیبت چهار بازیکن در یک تیم مسلماً لطمه ای بزرگ از هر نظر به یک تیم میزند (جاسم یعقوب، محمد حسین، عنبري، و معارفی) نتوانستند در مقابل ایران بازی کنند.

— بنظر شما کدامیک از بازیکنان ایران در مقابل کویت خوب بازی کردند؟

— همه بازیکنان ایرانی تقریباً خوب بودند. ضمناً شما ذخیره های خوبی دارید ولی رویهمرفته قلیچ خانی، پروین و روشن بهتر از دیگران بازی کردند.

— قبل از مسابقه با ایران نتیجه را چگونه پیش بینی کردید؟

— هر مربی آرزو دارد که تیمش برد و در مقابل ایران تا امید نبود ولی برای من مشکل بود که نتیجه را پیش بینی کنم و انگاش آن چهار بازیکن در اختیار من نبودند...

— یعنی می خواهید بگویند اگر آن چهار بازیکن را داشتید برنده از زمین خارج میشدید؟

(زاگالو در اینجا از سؤال من یک می خورد، خوب درجه نام خیره میشود... از فرصت استفاده میکنیم و به کارلوس می گویم که ما ایرانی ها فوتبال برزیل را خوب می شناسیم و مسابقات آنها را بدقت دنبال می کنیم. پس

یک روز بعد از باخت تیم ملی کویت در مقابل ایران فرصتی دست داد که با ما روبرو آگالو مربی نامدار این تیم صحبت کنیم. وقتی وارد هتل محل اقامت کویتی ها شدم و خود را به زاگالو معرفی کرده، او با خوشرویی تمام مرا پذیرفت. بدعوت زاگالو به رستوران هتل رفتم.

زاگالو کیست؟

زاگالو فوتبال را از کوچه های خاکی شهر ریودوژانیو شروع کرد و روز بروز در فوتبال پیشرفت کرد تا جایی که در تیم ملی برزیل پیراهن شماره ۱۱ را صاحب شد و در جای گوش چپ بازبهای درخشانی کرد.

در جام جهانی ۱۹۵۸، سوئد و ۱۹۶۲، شیلی بلطف او و پله برزیل صاحب جام جهانی فوتبال شد. در سال ۱۹۶۴، کفش ها بش را از پاریس آورد و دیگر فوتبال بازی نکرد. او اکنون ۵۰ سال دارد. در جام جهانی مکزیک و جام جهانی مونچخ مربی تیم ملی برزیل بود.

در سالهای ۵۰-۶۴ جزو بازیکنان جوانان آماتور برزیل بود. نظیر همان تیم المپیک برزیل که چندین پیش به ایران آمد. از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۵۸ جزو بازیکنان حرفه ای بود که در باشگاه فلامینگو بازی کرد. سال ۵۸ به باشگاه بوتافوگو رفت. از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۴ در باشگاه بوتافوگو به حیات فوتبال خود ادامه داد. در سال ۱۹۶۴ مربی جوانان بوتافوگو شد و سپس رهبری تیم حرفه ای بوتافوگو را بدست گرفت. در سال ۱۹۶۶ جوانان بوتافوگو بر رهبری زاگالو قهرمان جوانان برزیل شدند. در سالهای ۷۰ و ۶۹ تیم بوتافوگو با مربیگری زاگالو قهرمان باشگاه های برزیل شد. در سال ۶۹ و باشگاه بوتافوگو برنده جام برزیل شد.

زاگالو در سال ۷۱ مربی باشگاه فلامیناس شد و با این تیم در همین سال (۷۱) قهرمان جام باشگاه های برزیل شد. در سالهای ۷۲ و ۷۳ مربی باشگاه فلامینگو بود.

در سالهای ۷۴ و ۷۵ بوتافوگو با مربی خودش (زاگالو) نایب قهرمان باشگاه های برزیل شد. و سرانجام در سال ۷۶ و ۷۷ زاگالو سر از کویت در آورد و با این تیم فاتح جام خلیج فارس و نایب قهرمان ششمین دوره جام ملت های آسیا در تهران شد.

تاریخچه المپیک‌ها

بقیه از صفحه ۲۳

وژش با در کورودی رسمی اعلام نشد. همچنین نتیجه خارق‌العاده دیگری که او به‌جا گذاشت، برش تحسین‌انگیز ۸/۳ متر در سال ۱۹۳۱ بود که در کورودی جهانی محسوب شد و ۴۰ سال پارچا ماند تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۶۰، رالف بوستون توانست ۸ سانتیمتر بر آن بیفزاید.

در المپیک برلین جمعاً ۹ رشته ورزشی برای مردان و ۴ رشته برای زنان به مسابقه گذاشته شد. بسکتبال مهمترین رشته تازه‌ایی بود که از این المپیک به بازی راه یافت. همچنین هندبال و کانون‌رانی (نوعی قایق‌های یکفهره پارک با پاروی دوسره)، دو رشته تازه دیگر بودند.

بطور کلی در دو میدانی مردان و زنان آمریکا بیشترین مدال‌ها را بدست آورد. اما در مجموع کسب مدال طلا، آمریکا برای اولین بار از آلمان شکست خورد: آلمان موفق شد جمعاً ۲۳ مدال طلا به‌دست آورد و آمریکا تنها ۵ طلا تصاحب کرد و این پیروزی بزرگی برای آلمان و شکستی پیش‌بینی نشده برای آمریکا محسوب می‌شد.

مجارستان با ۷ طلا، ایتالیا با ۸، فنلاند و فرانسه با ۷ و ژاپن و هلند با ۶ طلا، سلت‌های برمدال دیگر در المپیک برلین بودند. در مجموع رشته‌های رکوردی، پنج نتیجه تازه جهانی به دست آمد، با یک رکورد جهان مسابو شد و ۱۷ مدالتصاحب تازه برای المپیک به‌ثت رسید.

بدین ترتیب المپیک بازم به‌گرچه المپیک سیسی بود و در زیر شعار دلمی آلمان برترین مدالها ترتیب یافت اما عنوان با شکوهرترین المپیکها تا آن دوره، دارای بهترین تأسیسات، تشکیلات و کمیته برگزارکننده و جهانی‌ترین و برتک‌آگرتین آنها را به‌دست آورد و هنگامی که به پایان رسید به دلیل منحل‌شدن بازیهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴، جهان ۲ سال اندر رشدید تا با دیگر پرچم صلح المپیک و ادر اهتزاز ببیند و رقابت دوسنه نوجوانان را نشاناکند.

ثانیه درنوردید و در برابر دیدگان خشمگین هیتر، مدال طلا بگردن، بالاتر از آریانی‌های سولایی ایستاد.

اونس در مسابقه نهانی ۲۰۰ متر نیز این پیروزی را تکرار کرد، آنگاه در مسابقه نهانی ۴۰۰ متر همراه با تیم آمریکا، با رادیکر آلمانها را شکست داده و سومیین مدال طلا را تصاحب کرده و درحالی که خشم هیتر چند برابر شده بود، آماده رقابت در مسابقه پرش طول شد تا چهارمین مدال طلا را به دست آورد و تئوری هیتر را کاسلا پوج سازد. آلمان در پرش طول قهرمانی داشت که بسیاری روی او حساب می‌کرد و حساسیت رقابت او با اونس بعدی بود که هیتر با تمام نفرتش نسبت به اونس یادگیر به ورزشگاه آمد تا رقابت آنها وشکست سیاه‌پوست‌خوارا ببیند.

رقابت داغ آغاز شد و هر دو قهرمان تا پیش از آخرین پرش، بهترین نتیجه‌شان ۸/۷ متر بود. اما سرانجام این اونس سیاه‌پوست بود که برتری خود را ثابت کرد و در پرش نهایی ۸/۶ متر پرید، نه آن بلونده آریانی که پیروزی‌اش انظر هیتر می‌توانست دلیل برتری هم‌زادانش باشد.

پیروزیهای خیره‌کننده اونس و دریافت چهار مدال طلا، حقیقتاً از تمام وقایع دیگر المپیک برلین پررژشتر بود و تمام رویدادهای دیگر را تحت الشعاع قرار داد. بخصوص که هیتر نتوانست خشم خود را از پیروزی‌های او پنهان کند و او را چون دیگر ورزشکاران به حضور نپذیرفت تا دستش را بفشارد و به او تبریک گوید!

ازجس اونس به عنوان یکی از استثنائاتی‌ترین دوندگان سرعت در تاریخ دو میدانی یاد می‌شود. نتایجی که او در سالهای پیش از المپیک برلین و در ضمن این المپیک به‌جا گذاشت در زمان خود اعجاب‌انگیز بود. او در یکی از مسابقات مقدماتی دو صد متر المپیک برلین نتیجه ۱/۲ ثانیه را بدست آورد که به دلیل می‌پرسم:

بازیکان در کنار یکدیگر درست کنید مثل غنبری در کنار فتحی کبیل وغیره.

نمن سمی نکر دم که ختن شیوه برزلی را در فوتبال کویت پیاده‌کنم. اینها نه برزلی هستند و نه می‌من اینست که فوتبال کویت شبیه به فوتبال برزلی بازی کند. با توجه به خصوصیات بدنی و احوال همان اندوخته از اینها در مدت ۵ ماه توانستم تیمی هماهنگ و خوب درست کنم. البته با توجه به زیادو سلیبت من که یک برزلی هستم مسلماً اندوخته‌های من از فوتبال همان اندوخته از فوتبال برزلی است. پس تا حدودی تاکتیکو تکبیک من روی بازیکنان کویت، از فوتبال برزلی سرچشمه میگیرد.

کارلوس در آلمان غنری دوره دیده و سوزول تدارکات بدنی است و می‌بینید که بازیکنان کویتی از اعطاف بدنی خوبی برخوردار هستند درحالی که در گذشته این چنین نبود.

بنظر شما تا تکبیک در فوتبال کویت در درجه اول اهمیت قرار اید یا قدرت بدنی؟

کویتی‌ها آسیانی هستند و یازده کار آنها از نظر فکایت روی قدرت بدنی نمیتواند مسان یک تیم اروپائی یا آمریکائی باشونی تا آنجا که توانستم تیمی کرده‌ایم تیم کویت واجد شرایطی بشود که برای ۹۰ دقیقه بخوبی در میدان مقاومت کند. بیشتر بازیکنان کویتی آماتور هستند و بعلت گرفتاری شغلی ایجا در کویت نتوانستم بانتم امکانات به ایران بیایم. عده زیادی از بازیکنان کویتی همان‌هایی هستند که شما بانتم اینها آشنا هستید و در کویت من برای انتخاب تیم ملی از کمدون بازیکن رنج میبرم.

بازهم زاکالو به‌ساعتش نگامی کند و پیداست که سیخوهاد باعجه بدنبال کاری برود و لوسمی من خواهش میکنم که به آخرین سؤال من نیز جواب بدهد:

بنظر شما در المپیک موتروال سرنوشت ایران در گروه خودش چه میشود و آیا فوتبال ایران بهتر از این که هست خواهد شد؟

زاکالو فکر نکنند که ما نسبت به فوتبال برزلی غریبه‌ایم... و...

در همین هنگام زاکالو جواب میدهد: البته این مسابقه‌ای بود که تمام شد و ایران بزرگه شد ولی بهر حال هدف ما این بود که بازی خوبی از کویت نشان دهیم و البته به نتیجه هم فکر می‌کردیم. بعد از اینکه ایران به گل دست یافت سعی کرد وقت را تلف کند و توپ را در عقب زمین ردو بدل کند و دیدید که تماشاگران شما از این کار خوششان نیامد و تیم ایران راهو کردند.

این ایران بود که سابقه را از رونق انداخت و نتوانست چهره کوبنده خودش را نشان دهد... در جواب این گفته زاکالو بلافاصله این سؤال را مطرح میکنم که: اگر کویت به جای ایران در نیمه دوم به گل دست یافته بود همان کساری را که ایران کرد، انجام نمی‌داد؟ آیا شما فراموش کرده‌اید که تیمهای حرفه‌ای خودتان هر گاه صاحب گل شوند با وقت کشی شما را روزگار حریف درمی‌آورند؟ زاکالو او اخطاهاش را در دم می‌کند و سکوت می‌کند و این کارلوس است که بجای او جواب میدهد:

البته هر تیمی به پیروزی فکر میکند و شاید اگر ما به گل دست پیدا کرده بودیم باز هم حمله میکردیم که گلهای بیشتری بزیم! زاکالو با ساعتش نگاه میکند و با کارلوس بزبان برزلی صحت میکند. کارلوس با دلخوری به ما میگوید که فقط پنج دقیقه دیگر فرصت داریم ولی من دست بردار نیستم و سؤالهای زیادی مانده که باید مطرح کنم: بحث را به جام جهانی مونیخ می‌کشانم: آیا این شما نبودید که باعث شکست تیم برزلی در مونیخ شدید. و از قهرمان جهان یک تیم دفاعی ساختید؟ یا اینکه برزلی بدون پله، توستانو و کارلوس آیرتو و دیگران، دیگر آن برزلی ۷ نبود و تقریباً چیزی برای گفتن نداشت؟

محکم وقاطع جواب میدهد:

هر تیمی با توجه به عناصر خود تاکتیک و هدف شخصی را دنبال می‌کند. در غیاب پله و توستانو و بقیه، برزلی، دیگر آن برزلی ۷ نبود و تقریباً تیم ساعت دفاعی خود گرفته بود. علاوه بر این فوتبال اروپا و بخصوص هلند خیلی پیشرفت کرده بود و از تیم برزلی در جام جهانی مونیخ نمی‌شد نظاری بیشتر از آن داشت.

با توجه به اینکه ما به تک (برسی) معلم احتیاج داریم، اگر فدراسیون فوتبال ایران از شما دعوت کند که مربیان ما را تعلیم بدهید، آیا این دعوت را خواهید پذیرفت؟

بله ممکن است که این دعوت را قبول کنم ولی چون قرارداد من با فدراسیون فوتبال کویت یک قرارداد چهار ساله است باید این مدت سیری شود و بعد لازم شد به ایران بیایم. البته تا آنجا که من میدانم مربیان خارجی زیادی به کشور شما آمدو رفته‌اند. (زاکالو از اوفارل و راجر اسم برد) و آمدن من به ایران شاید چندان واقعه مهمی نباشد. بهرحال از زندگی در کویت رضی هستم و بازیکنان کویت نیز همگی بازیکنان با هموش و شاکردان خوبی هستند. و می‌بینید که نسبت به چند سال اخیر فوتبال کویت بخود کثانی داده‌است. شما سعی کردید شیوه برزلی را در فوتبال کویت پیاده کنید و زوج‌های مناسب برای

جناب آقای مرضی عزیزی

با کمال تأسف و تالم مصیبت وارده را به جنابعالی و خانوادۀ محترم تسلیت عرض می‌نماید
اگر قنار زاده کیلانی

تیمسار سپهبد علی حجت کلشانی معاونت محترم نخست‌وزیر و پرپرست سازمان تربیت بدنی ایران

با کمال تأسف فوت فرزند گرامیبتان را سماعانه بان جناب تسلیت عرض نموده بقاء عمر شما و خاندان محترمتان را از خداوند استعانت دارم.

باشگاه ورزشی پیسی کولانو شهر حنیفه اکبرزاده

عروسی

تشریفات بی نظیر استقبال
فلبمرداری رنگی
سالن‌های مجلل

۱۴۹۹ ریال

دیسکوتک استروفونوت
مجلسی مجالی

تلفن ۶۶۲۶۲۵

آموزش اسب سواری

در باشگاه سواری کلاک

آدرس: جاده تهران کرج کیلومتر ۲

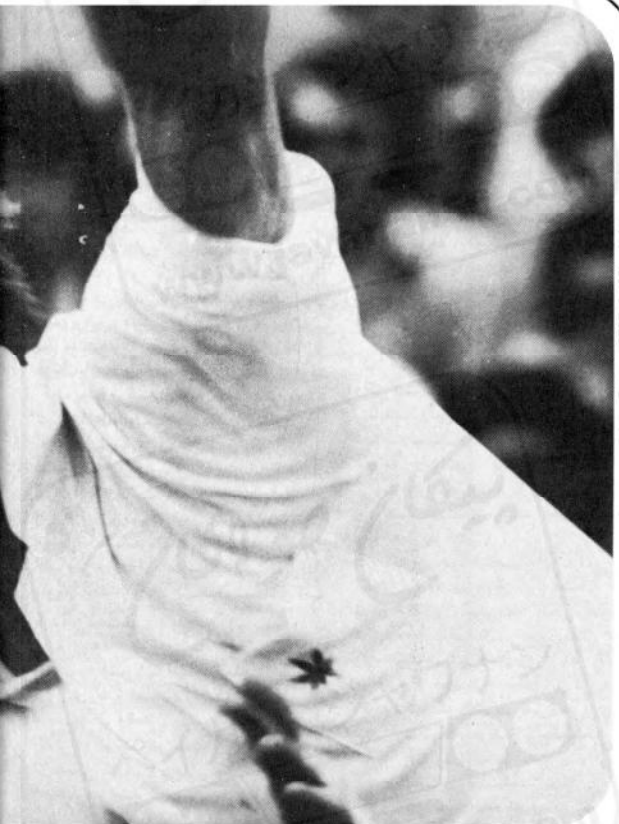
تلفن های ۰۷۱-۸۲-۸۲۴۵۴۸

کیهان ورزشی (سال بیست و یکم) ۲۵

بازتاب رویدادها



دوشیزه « اولگاسوروزووا » از شوروی را با یک حرکت زیبا برای زدن ضربیه « رداکت » می بینید . او « ماریس کروگر » از آفریقای جنوبی را در مسابقه نهایی بانوان جام را برتسون ۷ برن ۲۰ بره و بر شکست داد .



« روسکو تانر » تنیس باز آمریکایی با همه توانش توپ را به زمین جیبی کانوز (هموطنش) سرویس کرده است . در میان شگفتی همگان تانر توانست در دو دورم بر ۳ و



ترساند رسون از وولورهمپتون انگلستان به سوی پیروزی و برپاسختن رکورد جدیدی برای بریتانیا می رود . ساند رسون نیزه را ۵۶/۱۴ متر پرتاب کرد و قهرمان بازیهای فراغت بریتانیا شد .



جیمی کانورز حالتی دارد که انگار نه انگار از یک حریف جوان چون تار شکست خورده است. این تصویر بعد از شکست، او را نشان میدهد که همراه دوست دخترش «مارجونی والاس» ملکه سابق ربیانی جهان با لیچند معنی داری دیده میشود. با وجود چنین سلکته بی ریزار و آسایستوان به پیروزی ادامه داد.

دوشیزه «سویا کر» از بریتانیا جام قهرمانی را روی دست گرفته است. او بعد از پیروزی بر «رنه تاتومانووا» از چکسلواکی در دوره نهایی جام تنیس قهرمانی بانوان در فرانسه، به این جام دست یافت.



«رنه تاتومانووا» کانورز را شکست دهد و قهرمان جام رابرتسون شود.

۸ سال از آن

بقیه از صفحه ۲۳

از تیم بزرگ آمریکا تنها سایه آن در مکزیکو دیده شد و نتیجه سهل انگاری مسؤولان آن سقوط بهرده هشتم با یک مدال برنز بود!

وزنه برداران ایران بزرگترین پیروزی تاریخ وزنه برداری را با کسب یک مدال طلا و یک مدال نقره و مقام سوم تیمی در میان ۵ ملت جشن گرفتند.

تیم ایران در المپیک مکزیکو تشکیل شده بود از: محمد نصیری (خرس وزن) نصرالله دهنوی (پروژن) پرویز جلاپر (سبک وزن) و وانیل گورگیز (میان وزن). سرب و سرپرست تیم هنریک تمرز (نویسنده مقاله) بود.

جناب آقای احمد تقوی

انتخاب شما در تیم ملی تبریک میگوئیم.
فوسن - فریروز فرخنده بخت - سامان شفیع پور - کاظم نبوتی - کاظم سیکرو

آخرین خبرهای کوتاه فوتبال

* **استکهلم، سوئد** - در مسابقه های گروه ششم جام جهانی در اروپا، تیم ملی سوئد دو بر صفر تیم ملی نروژ را شکست داد. بیورن آندرسون و توماس سیوریک گل های تیم سوئد را در نیمه اول زدند.

* **سنتا تی، فرانسه** - تیم فوتبال سنتا تی - بین بر تیم اوپن یون فورتشین چهار بر صفر پیروز شد و برای سوسین سال بی دربی به مقام قهرمانی فوتبال فرانسه رسید. سنتا تی در مسابقات اخیر قهرمانی باشگاه های اروپا به دورۀ نهائی راه یافت و صفر بر یک از با یرونیخ آلمان غربی شکست خورد. تیم نیس، که یک بر صفر از لستر لیسبورگ برد، دوم شد.

* **بوداپست، مجارستان** - فرانس واروش در آخرین مسابقه فوتبال این فصل مجارستان بر تیم زلاگرزک سه بر یک پیروز شد و به مقام قهرمانی رسید. فرانس واروش دو امتیاز بیش از ویدیوتون تعقیب کننده بدست آورد. واروش ۳، و ویدیوتون ۲ و اوژیشت ۲ امتیاز دارند و بر تریب اول تا سوم شدند.

دینامو کیف پنج گل به رد استار زد

ژنو - دینامو کیف، تیم آهین فوتبال شوروی طی یک مسابقه دوستانه تیم رد استار ژنو (سوسین) را پنج بر صفر شکست داد. دینامو چهار گل را در نیمه دوم زد. این مسابقه در زمین تیم سوسین انجام شد.

دیدار با آلمان بدلیل وجود گرد و غبار در استاک ۴ بر یک بسود آلمان شد ولی بازی فرانسه چیزی بود که هموطنشون دینامو را شگفت کرد: این ۴ بر یک بسیار عظیم بود. پیروزی در برابر یک تیم خوب فرانسه آنها هم با حضور کوا کس بسیار ارزنده و افتخار آمیز است.

انضباط بعد از بازی

در جشن بعد از بازی همگان حاضر بودند. این گونه جشنها معمولاً تا دیرهنگام ادامه می یابد ولی برای بازیکنان من نه. سه روز بعد آنان در مسابقات قهرمانی باشگاه های فرانسه بازی می کردند بنابراین دستور دادم که عادت اردو را ترک نکنند و در هر ساعت ۱۰۰ بعد از ظهر بخوابند.

بقیه از صفحه ۲۳

ایستاده اند. علت از مسؤول برنامه سوال کردم. او گفت: این دو می خواهند فقط بزرگ گوش دهند. رقص و توشه الکلی در کار نیست.
- گفتم حتی همین همه نه!
- گفتم: شما خیلی جدی هستید.
رو به بازیکنان کرده و گفتم: بلی خیلی جدی! شما می توانید بزرگ گوش دهید یا اینکه عضو تیم ملی فرانسه باشید از این دو یکی را انتخاب کنید! ... و اکتد صبر کردم تا آنها به اتاق خواب خود رفتند...

متوجه شدم که بازیکنان با اکراه بسوی اتاق ها می روند پس همه را فراخوانده و گفتم: روزی که باشگاهها شما را به من سپردند همه سرحال بودید پس چگونه می خواهید شما را خسته و وامانده باز پس دهم. یک بازی ملی یک عید نیست. حتی اگر پیروز می شدید فراموش نکنید که شما ورزشکارانی هستید که مجبور به رعایت انضباط در زندگی می باشید.
ساعت ۱۰ به بازدید پرداختم. دو بازیکن خود «ادامز» و «ترزو» را دیدم که در راهرو نزدیک سالن رقص

بقیه از صفحه ۲۱

و بی خبری مسؤولان از روش های جدید آمادگی قبل از مسابقه را می رساند.

نمانده رستخیز از بزرگترین امید با کیزه جم یاد میکند و مینویسد: «او کم کارترین وزنه بردار روی صحنه مسابقه ها بود» و اضافه میکند: «با کیزه قبل از مسابقه در تمرینات ۱۱۵ کیلو راحت یکضرب بزد و دوبار هم ۱۲۰ کیلو را یکضرب زد. اما در لهستان سه بار ۱۱۰ کیلو را انداخت! این راجه کسی باور میکند؟ او از مسابقه اخراج شد و بعد می افزاید: با ۱۳۲/۵ کیلو در یکضرب ۱۵۵ کیلو در دوضرب که با کیزه هم در تهران و در تمرینات قبل از مسابقه در لهستان زده بود، مینوانست مدال نقره مجموع را بگیرد اما کیج و کم بود». البته نویسنده در اینجا کمی اغراق کرده چون وزنه بردار لهستان «آنروز کلوزک» با مجموع ۲۸۲/۵ کیلو (یکضرب ۱۲۷/۵ کیلو و دوضرب ۱۵۵ کیلو) چهارم شده است.

وزنه برداران ما کجاو...

زهبران هم در هدایت وزنه برداران جوان او می افزاید: «شهرام یوسفی نیز به جایی نرسید. او در تمرین ۱۰۵ کیلو دوضرب زد. اما در مسابقه نتیجه کارش ۹۷/۵ کیلو بود با توجه به اینکه وزنه برداران ما یکی دو روز قبل از مسابقه به محل مسابقه ها رسیدند و فرصتی برای استراحت و بلند کردن وزنه های سنگین نداشتند - فشاری که بر آنها وارد شد، یک ضایعه محسوب میشود

تیمسار و معلم سبید علی حجت کاشانی معاونت محترم نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی ایران
با صمیمانه ترین احساس در سوگ جناب عالی شریکم

رئیس اداره تربیت بدنی فوسن - علی نیا

جناب آقای مرتضی عزیزی

با کمال تألم و تألم مصیبت وارده را به جناب عالی و خانواده محترم تسلیت عرض مینماید.
اکیرفقادی زاده و کیکلانی

کادر آموزشی کلاسهای تابستانی ششم طبیعی - ریاضی - ادبی دبیرستانهای خرداد - نیاکان - ورجاوند

- چهر - گلشن - هندی نژاد - قمری
- مثلاث - فیروزگان - مهندس آریین فر - قمری
- حساب - رنگچی - فیروزگان
- ترسیمی - احتیاجو - فرهمندپور - حقیقی
- فیزیک و مکانیک - مهندس پر فرورغ - صلواتی - مهندس شیرواندهی - میر حسینی - حاج رسولی
- شیمی - گل بابور - ناصری - هیری - راستی - دکتر حق شناس - عامری
- چهر و مثلاث ششم طبیعی - نظری - قمری - گلشن
- عربی - دکتر محمد فاضل نیا

داوطلبین میتوانند با در دست داشتن ۲ قطعه عکس همه روزه صبح و عصر به یکی از نشانیهای زیر مراجعه نمایند.

- ۱- میدان شهناز اول خیابان مهران - دبیرستان خرداد تلفن ۷۵۴۹۱۱
- ۲- بالاتر از ۳ راهی قلهک اول خیابان تورج - دبیرستان نیاکان تلفن ۳۶۶۲۴۸
- ۳- میدان کندی - اول خیابان تاج - دبیرستان ورجاوند تلفن ۹۳۰۱۷۰

نوجه فرمائید دبیرستان ورجاوند فقط برای دختران ثبت نام می نماید



سپیدرود

بالاترین تیم

شهرستانی

این جام

تیم سپیدرود رشت در دسته دوم جام فوتبال تخت جمشید تا کنون بالاترین شهرستانی بوده است. این تیم با هفت امتیاز، در صدرشانه به شانه راه آهن میساید. هفته پیش سپیدرودی ها ۸۴ دقیقه مسابقه را از تراکتورسازان یک بر صفر برده بودند و اگر ۷ دقیقه دیگر موفق به حفظ پیروزی میشدند، به تنهایی در صدر قرار میگرفتند. این حمله بی از یاران تراکتورسازی به دروازه سپیدرود است. هوشنگ امجدی دروازه بان سپیدرود قبل از آنکه توپ به مهاجم حریف برسد، به قصد مهار توپ میرود.



شمع و گل و پروانه و بلبل همه جمعند!

اردوی داودیه این روزها کاملاً شکل یک اردوی درست و حسابی پیدا کرده است. در اردوها اصولاً ضمن اینکه ورزشکاران از نظر جسمی و روحی آماده پیکار میشوند این حسن را هم دارد که در زندگی گروهی بیشتر با هم نزدیک میشوند. در اینجا فرصت است تا ورزشکاران رشته های مختلف با یکدیگر پیوند های جدیدی را بوجود آورند.

دور این میز چهارتن از برگزیدگان ورزش سرزمین ما جمع هستند که به ترتیب از راست عبارتند از: سلمان حسام (قهرمان پرتاب دیسک) تیمور غیاثی (قهرمان پرش ارتفاع)، پرویز بادبا (قهرمان دسته سنگین وزن مشت زنی) و بهرام مشتاقی (قهرمان ۱۰۰ کیلوگرم کشتی فرنگی). یعنی درحقیقت شمع و گل و پروانه و بلبل همه جمعند. شما بتوانید به میل خود صفات شمع و گل و پروانه را بین حسام، تیمور و بهرام تقسیم کنید اما ما مطمئن هستیم که پرویز بادبا بلبل اردوست! او هماغدر که خوب مشت میزند همان اندازه هم خوب حرف میزند!



آخرین ناهار در داودیه

افراد گروه سنگین وزن های تیم ملی کشتی آزاد ایران ظهر دوشنبه گذشته توانستند برای آخرین بار ناهار را دسته جمعی صرف کنند. دور این میز در کمال دوستی همه برای هم کرکری خواندند! میگویند کرکری خواندن را سیدعباسی مد کرده بهر حال این مد رایج اردوی داودیه است. روی همین میز خلج (در حال نوشیدن آب) خیلسی سعی کرد یک پارچ دوغ برای از پای در آوردن فیلابی بخوردشس دهد که موفق نشد. سرانجام پس از صرف ناهار و استراحتی کوتاه خنده ها پایان گرفت و مبارزه آغاز شد و دست آخر فیلابی بعنوان فرد برتر در میان حاضران انتخاب شد. افراد دور میز از راست عبارتند از: توپچی، بختیاری (در سابقه انتخابی نبود)، خلج، فیلابی و ایوب



عبدالباقر آسیب دیده بزرگ اردوی المپیک

جهاندار عبدالباقر کسی گیر جوان وزن ۷۰ کیلو که اسبال با چهره بی آماده و دلپذیر نای به میدان حرفان گذاشتند در مسابقات انتخابی برای مونترآل به مقام اول رسید، در مسابقات مجددی که برای انتخاب فرد برتر این وزن با شرکت محسن فرح و نسی برگزار شد شرکت نکرد و به این امید که در اردو برای او فرح و نسی یک مسابقه ترتیب داده خواهند شد به تمرینات خود ادامه داد. اما در فاصله سه روز به تصمیم صنعتکاران (سرپرستی تیم ملی) مانده، عبدالباقر در جریان تمرین دچار آسیب دیدگی شدید شد و یکی از مبره های گردنش شکست. این حادثه امیدهای عبدالباقر را بر باد داد و فرح و نسی را خود به خود به سانسور مونترآل کرد. عبدالباقر از کشتی گیران با استعدادی است که اگر در مبارزه با حرفان از فکر خود برای اجرای فنون کمک بگیرد، مطمئناً به توفیق های درخشان تری دست پیدا خواهد کرد. او با وجودی که نمیتواند به المپیک برود، هنوز در اردو بسر می برد و به تماشای تمرینات حرفان خود می نشیند. او می تواند روزهای خوبی را ببیند به شرط آنکه از تمرینات غافل نشود و با جنگندگی بیشتر در برابر حرفان قرار گیرد.



گفتن زنتها

بدون تهران فوتبال شهرستانها

از این یکی هم خیری ندیدیم

رئیس سابق تربیت بدنی برد در مقابل تقاضای مکرر ما برای تهیه تخته و وسایل وزنه برداری، خود را به خواب زده بود و حالا که رئیس جدید آمده است، باز هم میبینیم که تقاضای ما به پایگانی سپرده میشود و هیچ نشانه‌ای از توجه بورژوازی و زنه برداری و پرورش اندام نیست.

سال قبل که تعداد کمی دمبل و هالتر برای تربیت بدنی رسید، آنها را در یک باشگاه اختصاصی گذاشتند که علاوه بر اختصاصی بودن از شهر هم بسیار دور بود و کمتر ورزشکاری توانست به این باشگاه برود و تمرین وزنه برداری و پرورش اندام کند. نتیجه این وضع آن شد که این ورزش در نزد ما تعداد اندک که با هر سختی در رشته وزنه برداری و پرورش اندام قهرمان شده بود نذر سرد و نومید گردیدند و بدنبال ورزش‌های دیگر رفتند.

یزد - غلامرضا صابری

برهنگی مردان به نازگی مورد توجه کارگردانهای سینمای فارسی قرار گرفته است



دستار کارگردان: هرچی گشتم از این لختی تر برای فیلم جدیدمون پیدا نکردم!!

ما را قابل نمیدانند

ورزش بخش‌ها گاهی بدرجه‌ای از اعتبار میرسد که نیازمند تجربه بیشتر و مسابقات فراوانتر است اما شهرهای بزرگ همیشه در این راه بخش‌ها را باری نمی‌کنند. مثلا لیبالی بخش گیلانغرب کرمانشاه تاکنون بارها ورزشکاران ایلام، استان همسایه خود را برای دیدارهای ورزشی دعوت کرده اما هر بار به بهانه‌ای پاسخ منفی دادند. نه تنها در لیبالی بلکه در بیشتر رشته‌های ورزشی هیچکدام از تیمهای شهرستانی حاضر به عزیمت به گیلانغرب نیستند و بعقیده من دلیل اصلی این امتناع آنست که این گونه تیمها فکر میکنند اگر از تیم یک بخش شکست بخورند خیلی بد است و اگر هم ببرند دیگران خواهند گفت شکست یک تیم بخش شق القمر نیست. این دو نوع اندیشه ایما درست نمیباشد زیرا مسابقات ورزشی نخست بخاطر آشنائی و دوستی است و پیروزی و باخت در مکان دوم اهمیت قرار دارد.

گیلانغرب - مهدی نوری شاهک

ایلام در غرب است یا در شمال؟!

ز یاد حلثیه نیروم، از دوسال پیش به ایسوی فوتبال ایلام را در جام غرب شرکت نمیدهند و تاکنون هر چه اعتراض کرده‌ام نتیجه‌ای در بر نداشته است. هر وقت یک جواب قطع خواستیم بما گفتند شما جزو غرب نیستید. این پاسخ بسیار عجیب است چرا که شهر ما در مرکز غرب قرار گرفته و استحقاق بیشتری نسبت به تیمهای دیگر برای ورود بجام تشویقی غرب دارد. منتها ما را ب حساب نمی‌آورند تا بتوانند از کرمانشاه و همدان دو تیم در جام داشته باشند و تازه خرم‌آباد نیز قاعدتاً میبایست در جام آبادانای خوزستان شرکت کند. بهرحال اسال سال تیم فوتبال ما را خط زنده و بهمن دلیل پیشنهاد میکنیم که تیم ما را بجام خزر دعوت کنید تا شاید در شمال مکانی برای خود پیدا کنیم!

ایلام - عبدالمهدی پیرحاجتی

عزیزی وقتی به پرسپولیس رفت عزیز شد!

بجایه تیم هما فضولی کرد و چند هفته‌ای در صدر تیمهای جام تخت جمشید نشست و از همانوق مطالب عجب و غریبی بود که نثارها شد مثلا یکی گفت: این تیم در صدر دوام نیاورد یا چند روزنامه و مجله ورزشی نوشتند: هما روی نواز شانس پیش بیرو و بیروزی از صدر بزیر خواهد آمد.

در همین اوضاع و احوال شلکتهای تیم پرسپولیس همگی اتفاقی قلمداد شد و هر کس قلم بست گرفت با آب و تاب نوشت که عزیزی میچهد، دستجردی میگرد و پروین رهبر بزرگ میدان است و از این قبیل. در حالیکه بموازات این تعاریف زیادی نیشی هم حواله هم امیشد. هیچکس هم نمی‌سید: پدر آرمزیده ما مگر همین عزیزی سال قبل در هما نبود. پس چرا بارسال اینهمه عزیز نبود؟ و یا فقط پروین رهبر است و خوشبیدی و غزال پرگ چغندر هستند؟ چقدر خوب شد که ما از صدر سقوط کرد والا معلوم نبود چه نهمت های نازهای به این تیم میزدند.

کرمانشاه - مصطفی - ک

چرا بهبهان غایب بود؟

بهبهان بک نفر هم در پیکار آموزشگاههای خوزستان شرکت نداشت و تنها دلیلی که میتوانم بیاورم این است که بودجه ورزش بهبهان صرف کارهای دیگر میشود که اگر بخواهم نام ببرم بدرازا میکند. السوس و تاسف برای ورزش بهبهان که روزگاری ورزشکاران بزرگی داشت، و یکی از زمینهای جدی مسابقات ورزشی خوزستان بود. عبدالرحمن برکت رضائی

در شماره ۱۱۴۵ کیهان ورزشی خواندم که تعداد ۲۷۶ دانش آموز ورزشکار خوزستانی در آبادان با هم پیکار کردند اما متاسفانه هر چه نگاه کردم اسمی از شهرستان بهبهان و دانش آموزان آن ندیدم در صورتی که تمام شهرستانهای کوچک خوزستان مانند دشت میشان و ایند شرکت کرده بودند. من تعجب میکنم که چرا از شهر چهارصد هزار نفری

مضرات فوتبال

فوتبال ما روز بروز بیشتر خشن میشود و متاسفانه کمبود داوران قاطع و عدم اجرای صحیح مقررات و همچنین طرح‌های غلط مربیان کم اطلاع باعث بوجود آمدن این موج خشنوت شده است. بطوریکه مسیح‌نیا، روشن، خردین، ایرناپاک و سلیمانی و غیره همیشه یاسی لنگند و یا با پای گچ گرفته در بیمارستان می‌باشند. این یک خشنوت بی‌رویه است که بیشتر به تیم ملی ما و بهره‌های حساس آن لطمه میزند و از جهت دیگر رقابت تیمها و رونق مسابقات مهم را بعداقل می‌رساند.

برای از بین بردن این موج خشنوت و ارائه بک فوتبال زیبا و فاقد جنجال و درگیری بزرگ ضروری آنست که فدراسیون فوتبال به داوران آموزش بیشتری دهد و ضمناً اختیارات زیادتری به داوران معتبر خود تفویض کند تا بازیکنان و مربیان خاطی از شدت تصمیمات انضباطی بخود آنبود و فکر گرفتن امتیاز از راه آسیب رساندن به بازیکنان حریف و دفاع توأم با خشنوت نیفتند.

ساری - حسین معترم

زوروش بمانرسید

کمک‌دو اوراسیلی زد

حوادث خنده‌دار و درعین حال دردناک فوتبال شهرستانها یکی دو تانست در دیدار دو تیم پرسپولیس و تاج بندرکنگان نیز اتفاقی افتاد که خنده و گریه در آن قاطی شده بود.

ماجرا از آنجا آغاز شد که تیم پرسپولیس با هشت بازیکن به دیدار تیم تاج رفت و در وقت قانونی با وجود کمبود نفرات پرسپولیس، تیم تاج موفق به زدن گل نشد اما داور مسابقه برای خوش خلمتی به مربی تاج، ۱ دقیقه بیش از زمان مقرر مسابقه را ادامه داد و در همین ملت برخلاف انتظار تماشاگران و داورو تیم پرسپولیس یک گل وارد دروازه تاج کرد. چشمان روز بد نبیند بعضی اعلام گل مربی تیم تاج بسوی خط نگهدار رفت و بسوی محکمگی بگوش او زد. چون گویا کمک داور مورد بحث از دور به داور علامت داده بود که ده دقیقه اضافی هم تمام شده است اگر شما بودید و این صحنه را می-دیدید، خنده‌گر به راقاطی نمی‌کردید؟

بندرکنگان - یعقوب علی زاده

ملالی نیست جز دوری شما

هدان - داود جلانی

برای آینه شدن کیهان ورزشی به آدرس تهران، خیابان فردوسی - مؤسسه کیهان سازمان آهوانان - مکاتبه کنید.

اصفهان - بهمن شهیدی

در آن باره چند بار تذکره کرد ام.

رامین - عباسعلی یار زلو

برای محمد نصیری با درس فدراسیون وزنه برداری (دفتر مشترک فدراسیونها) و برای علی بروین به آدرس تهران - قلک بلشکاه پرسپولیس نامه بنویسید.

کازرون - عباس کشتکار

پرسپولیس از جوانگرانی خود دارد نتیجه میگیرد آنهمه که نام برودید بانوشتن ما هم بر سر غیرت نمی آید اما ممکنست چویش بیاید. ایندو با هم فرق دارد.

کلیبر - عبدالله رضا زاده

مشکل شما را با سرپرستی کیهان در تبریز در میان خواهیم گذاشت. در حال حاضر همان راه را دنبال کنید.

تهران - عبدالله اکبری

چند بار توضیح دادیم که برای ما تبر بابل نشده نفرستید زیرا اسکان اسال یک شماره کیهان ورزشی در عوض آن مقدور نیست. در مورد سوال بعدی - همان یکسال را حساب کنید. خود باغوردانی حتی روز وساعت پایان محرومیتش را میداند!

مسمن - ابراهیم شفعی

اگر سوال خود را از سازمان تربیت بدنی ایران کنید حتماً جواب بهتری دریافت میدارید.

محمود آباد - ارسلان یوسفی

طوری سؤال کردید که انگار تیم محبوب شما را حذف کردیم؟ شما باید نفوذ کلام وحد اندازه ما را بشناسید. اینطور بهتر با هم کنار می آیم.

تبریز - جعفر غفاری

با نظر شما موافقم اما آیا رهبران دو تیم تبریزی با هم موافقت؟

خرمشهر - محمد طاهریان

دیدید که در بازی نهایی نظر شما تأمین شد.

کرج - نک للاح و رفیقه

تماشاگر آزاد است که تیم مورد علاقه خود را تشویق کند. بوق و سیور هم مانهی ندارد بشرطی که حد و محدود آن رعایت شود و باعث تشنج اعصاب دیگران نشود.

پانه - حبیب الله ماسمی

کتاب فن ویند کشتی هنوز در اختیار مانیست که برایتان فرستیم. نه عزیزجان اینکار هیچ فوت و فنی ندارد. با وجهی که میدهید از کتابفروشی ها تهیه کنید.

تبریز - ایرج هوریچی

در مسابقات رسمی نمیتوان از یک کشوریتر از یک تیم شرکت داد. ایران یک نماینده داشت که آنهم در گروه تهران بود.

دلخوشی فوتبال کهگیلویه فقط یک خاطره است؟

بیش از ده هزار نفر از مردم بدروازه شهر سیر شدند تا از جوانان برومند خود استقبال کنند اما حالا آن مردم از ورزش دور هستند و این دوری نشانه بی اعتباری در زمینه های ورزش کهگیلویه و بویر احمد است که هیچ ورق تازه ای در آستین ندارد. در حالیکه با کمی توجه و دادن امکانات حداقل میتوان جوانان کهگیلویه را تجهیز و نیرومند ساخت تا در تجدید خاطره سال ۹۵ شرکت کنند. این تنها احساس من، که یک ورزشکار قدیمی کهگیلویه و یکی از یاران بازمانده فوتبال گذشته هستم نیست، بلکه آنچه گفته ام حسرت و دردی است که همه قدیمی های ورزش کهگیلویه احساس میکنند.

اهواز - فرخ زمانی

زحمت میکشیم، میسازیم بعد خراب می کنیم

بعد از سالها ورزش شست زنی ما صاحب یک شست زن و وزنه سنگین وزن بنام پرویز بادا شد که توانست دوبدل طلا برای ما بارمان بیاورد اما اخیراً این شست زن را از اردوی تیم ملی برای شرکت در مسابقه های رومانی خط زنده و اعلام داشتند که بادا بی انضباط است و بدرد شست زنی نمیخورد.

من نمیدانم که این تصمیم را چه کسی گرفت و اصلاً موارد بی انضباطی بادا چیست و آیا واقعاً او بدرد شست زنی نمیخورد؟ اما این را باید گفت که در حال و تحت هر شرایطی بادا بهترین شست زن چند سال اخیر ماست و بخصوص در دسته سنگین وزن نشان داد که پرمایه و نیرومند است و حذف او بهر دلیل و بهانه ای منطقی نبود و اگر قصد تنبیه و مجازات او بود راههای معتدل تری وجود داشت که بادا را بخود می آورد ولی وارد دردن ضربه باو ندادیمه گرفتن ارزش این شست زن بدرد بخوره، بدون شک یک تصمیم شط و اشتباه بوده است.

تهران - عزت اله خسروی



جر اینجا و اسادی؟! - داور - منتظر کارت زرده هستیم!!

نه تذکره اخطار فقط اخراج

حقتاً داوران ایرانی را باید روی چشم گذاشت و قدر و قیمت آنها را فهمید زیرا بعضی از داوران خارجی واقعاً دسته گل باب میدهند.

یکی از آنها جناب ادوارد اسمیت است که آبروی همه داوران خارجی را در اصفهان برد. ما بدیده ایم که داوران ایرانی در خلال بازی اگر بازیکنی خطا کرده، نخس باو تذکر میدهند، در مرحله بعد باو اخطار میدهند و برای بار سوم او را از زمین اخراج میکنند اما آقای اسمیت در جریان یک دیدار فوتبال در اصفهان بدون مقدمه دادن تذکر و اخطار به ناگهان دستور اخراج علیرضا رحیمی مهاجم موفق سپاهان را داد و با این عمل خشم تماشاگران و بازیکنان اصفهانی را برانگیخت و در پایان مسابقه هم گفت که رحیمی بطرف من آمد و چون فکر کردم سوءنیتی دارد او را از زمین اخراج کردم!. یکی نیست باین بابا بگوید از کجا فهمیده ای او سوءنیتی دارد؟ آیا این یک انگیزه کافی برای اخراج بازیکن از زمین است؟

اصفهان - محسن وکیلی

برتری ما ثابت شد

فوتبال آسیا چیزی ما نمی آموزد

منهم مانند رفیق. هموطن خود با علامتدی پای تلویزیون نشستم تا دیدار با پانی جام جوانان آسیا را بین دو تیم ایران و کره ببینم.

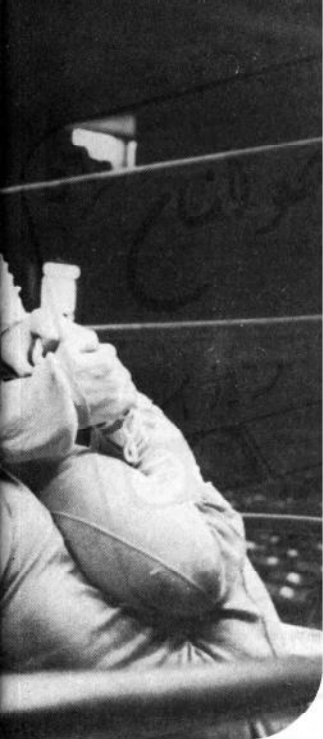
متأسفانه آنچه بر صفحه تلویزیون بود فوتبال نمیتوانست باشد و ورزشگاه بانکوک بیک محیط ضد ایرانی و پر خاشاکر که آنرا «جهنم بانکوک» لقب داده اند بیشتر شبیه بود و در چنین شرایطی تیم جوانان ما برای چهارمین سال متوالی قهرمان آسیا شد.

اما در اینجا سوالانی پیش می آید که ما چه اجبازی برای شرکت در این قبیل مسابقات داریم؟ آیا فقط موقعیت جغرافیایی مملکت ماست که ما را مجبور به شرکت میکند؟ آیا این جوانان کم سن و سال در اولین گامهای ورزشی خود برای اندوختن چه تجربه ای به میدان بانکوک میروند؟ و آیا این قبیل داوران و حریفان ضربه های جبران ناپذیری بر رویه و جسم جوانان ما وارد نمی کنند؟

تصاحب جام برای چهار سال دیگر یک تصادف نیست بلکه برتری ما به آسیا تنها ثابت شده است و حالا تنها بسا نیاز دارند نه ما بانها. اگر هدف شرکت جوانان و کسب تجربه فوتبال مدرن است که جام بین المللی والا حضرت ولایتعهد خود بزرگترین میدان و تجربه است.

دکتر مصطفی انوری

رویدادها با زتاب



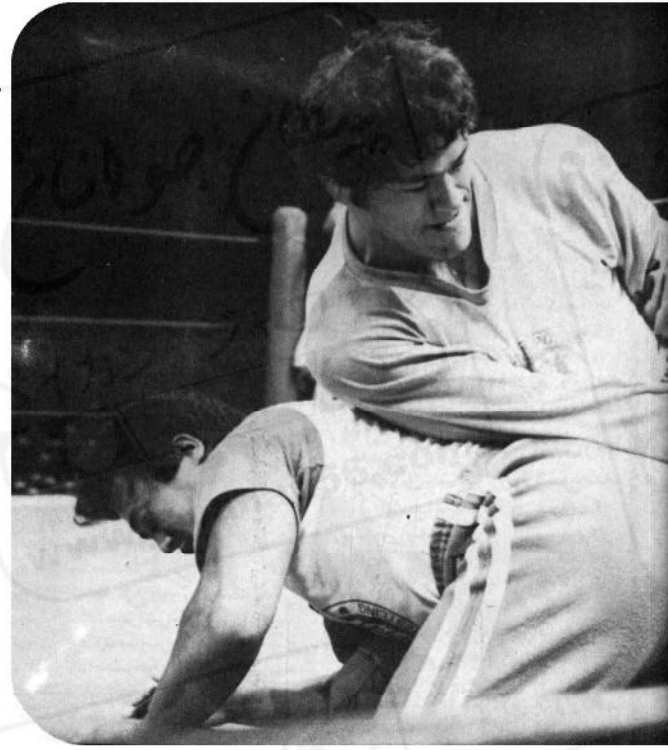
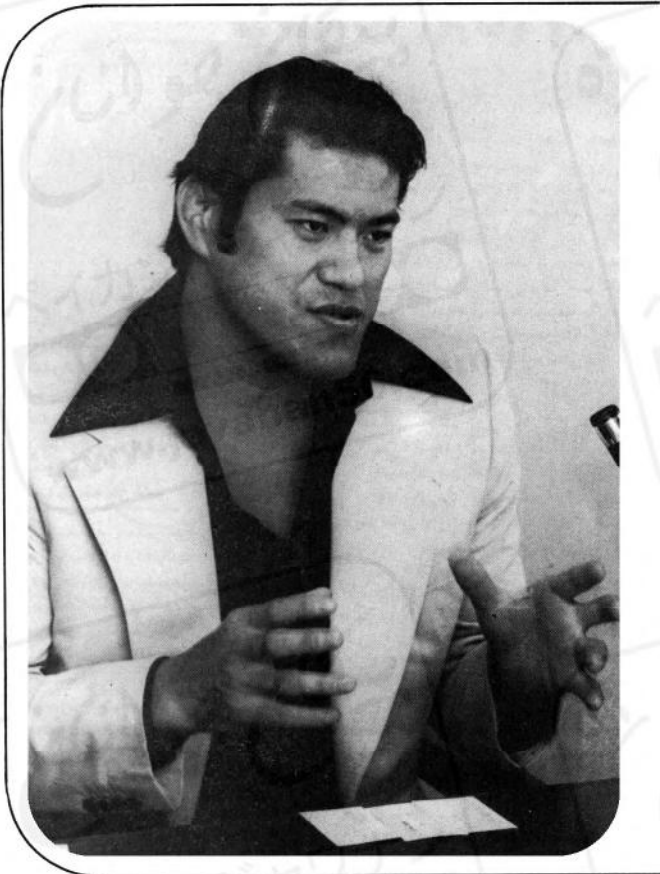
این آقا که کشته حریف را کشیده «آنتونیو اینوکی» کشتی گیر حرفه‌ی ژاپن است که قرار است با محمد علی قهرمان سنگین وزن مشت زنی جهان مسابقه دهد. اینوکی اخیراً اظهار کرده است که به پهنش را قدرت بیشتری داده تا در برابر ضربه‌های مشت محمد علی مقاومت داشته باشد.



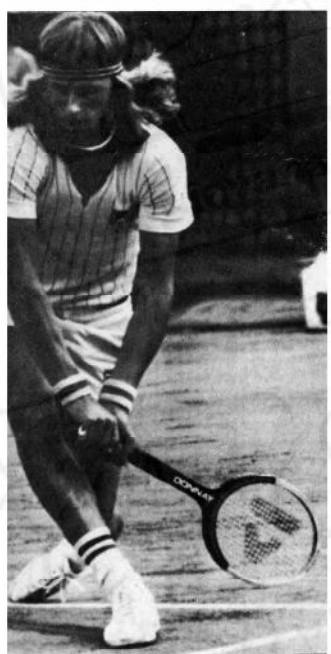
جیمی کانرز از بلویل ایل آمریکا در باشگاه تنیس بکن هام دیده میشود، جاییکه او در مسابقات «بکن هام گراند کورتنس» به همراه آخرین همبازی‌اش خانم «مارجری والاس» (چپ) به مبارزه پرداخت. مارجری اخیراً ازدواج کرد.

در این صحنه جیمی کانرز با کشیدن کامل بدن تویی را به زمین حریف هموطن آمریکائی‌اش برمیگرداند. در این مسابقه کانرز در ۶ و ۶ بر ۳ پیروز شد.





اینوکی در مصاحبه‌ی افزود که پیشنهاد چند ترتیب دهندهٔ مشت زنی آمریکا را در مورد فرستادن حریفای سنگین وزن تمرینی برای آمادگی بیشتر در مشت زنی رد کرده است. او علت این کار را سرعت و قدرت محمد علی ذکر کرد و گفت چنین تمرینی جز بوجود آمدن مانع، کمکی به او نخواهد کرد.
 درآند محمد علی ۷ میلیون دلار (در حدود ۳۲ میلیون تومان) تخمین شده و سهم اینوکی چهار میلیون دلار خواهد بود که از فروش حق پخش تلویزیونی این مسابقه در سراسر دنیا نصیب آنسان میشود.



بیورن بورگ از سوئد بعد از پیروزی بر ژوزف فرانسوی در مسابقه با آدریانو پاناتا از ایتالیا شکست خورد و از مسابقات حذف شد. پاناتا ۶ بر ۳، ۶ بر ۳، ۶ بر ۰ و ۶ بر ۰ به پیروزی رسید. در این تصویر بورگ را در حال مبارزه با پاناتا در مسابقات بین المللی پاریس می بینید.



خوزه هیکوراس تنیس باز اسپانیایی در مسابقه با فرانسوا ژوزف از فرانسه به زمین خورد و آرنجش شکست. این مسابقه در پاریس انجام شد و ژوزف به دور چهارم راه یافت و با بیورن بورگ سوئدی روبرو شد.

نوجوانان ۸ تا ۱۶ ساله مردانه کشتی گرفتند

استعدادهای بی نظیر از این نوجوانان کشف کنید و پرورش دهید

آخرین مرحله کشتی آزاد نوجوانان ۸ تا ۱۶ ساله انتخابی تهران که با شرکت ۱۷۰ تن از ۲۰ خرداد در تالار شماره دو محمدنصیری آغاز شده بود دو شنبه شب و یکم خرداد پایان رسید.

نوجوانانیکه شور و هیجان زاید الوصفی به تالار ورزشی محمد نصیری بخشیدند سبب شدند تا دوستان و پیچه های محلی وقتی تعدادی از پدران و مادران آنها در این مسابقات حضور یافته و از نزدیک با محیط ورزش آشنا شوند همچنین دیدیم که نوجوان غالب و مغلوب مانند پهلوانان دایر، مردانه هدیکر راد راغوش می فشردند و صورت یکدیگر را غرق در بوسه میکردند.

قلب را ریشه کن کنیم

شیدید و پاچشم خود دیدیم که حسن تهرانی، محمود پرده باقوت، محمود ملسوران، پرویز بختیاری و محمد فرهنگي، قیافه شان بیشتر از ۱۸ سال نشان میدهند و متأسفانه با همه کنترل و سخت گیری که روی سن افراد شده اینها در این مسابقات نام نوجوان شرکت کردند و چند تن نیز مقامهایی بدست آوردند که بهتر است فدراسیون جلوی این قلب ها را بگیرد و روشی ها

را ریشه کن کند و نگذارد حریم باصفای نوجوانان جوانانگه متقلبان شود.

اگر در کشور پهناور ما که منبع و مرکز استعداد های پاکو دست نخورده است توجه بیشتری به نوجوانان و آینده آنها بشود میتوان حاصلی نیکو و پرازش برداشت کرد. و در کشتی این وظیفه فدراسیون کشتی ایران است که در کنار سایر برنامه های خود مسئله سازندگی و بنیادی جوانان توجه بیشتری نموده از گزارش نوجوانان با این رشته ورزش ملی و سنتی حداکثر استفاده را بنماید.

زده بندی مسابقات

پس از انجام ۱۶۱ کشتی در ۷ دوره نتراف اول تا ششم بشرح زیر اعلام گردیدند:
 ۲۳ کیلو: ۱- اسماعیل آقاها دی - ۲- فرهاد فتاحی - ۳- حمیدرضا منشا - ۴- حسین تهرانی - ۵- علیرضا کریمیه - ۶- داود کرمانی
 ۲۶ کیلو: ۱- نجات علیزاده - ۲- محمد جواد خدادادی - ۳- حسین ایمان پوری - ۴- عباس بازی - ۵- اکبر فلاح - ۶- فریبرز بهرام پور
 ۲۹ کیلو: ۱- چنگیز پاک پور - ۲- قاسم آقاها دی - ۳- کمال بونیس پور - ۴- محسن قدسی - ۵- اسماعیل زمانی - ۶- غلامحسین حسنونوی.

۳۲ کیلو: ۱- رضا ادب زاده - ۲- بیژن مقربی - ۳- حسین میرکلو - ۴- عجلال رضا پور - ۵- یوسف اسماعیل زاده - ۶- محمد رحیم بیکدل.

۳۵ کیلو: ۱- عباس اعتصامی - ۲- نصرالله حسینی - ۳- نادر زینکونی - ۴- علی اصغر با پاژنسی - ۵- مسعود عبادی - ۶- مرتضی بیک - ۷- محمد نژاد.

۳۸ کیلو: ۱- محسن کاوه - ۲- امیر تهرانی - ۳- عزیز صفوی - ۴- مجید فریبرزیان - ۵- اصغر کره ای - ۶- سعید محسن مؤمنی.

۴۲ کیلو: ۱- محمد دیناروند - ۲- اکبر روح بخش - ۳- علی اکبر کردی - ۴- رسول زارع - ۵- محمود فرهنگ دوست - ۶- اردشیر قاری.

۴۶ کیلو: ۱- جمشید شکرانی - ۲- اکبر شکاری - ۳- کوروی - ۴- حمید یعقوبی - ۵- اکبر افشاری - ۶- فرورز وحدت - ۷- اصغر تهرانی.

۵۰ کیلو: ۱- اصغر فرخ زاده - ۲- هوشنگ شعبانی - ۳- جواد دادگان - ۴- مرتضی رزین قلعی - ۵- محمد باقر کرگی - ۶- سعید منصور میرفیصل.

۵۵ کیلو: ۱- محمد سرهنگی - ۲- علی اکبر جباروند - ۳- مرتضی اسدالله زاده - ۴- پرویز بختیاری - ۵- محمد رضا محترم - ۶- کیان آقایی.

۶۰ کیلو: ۱- شاپور دادجو - ۲- بونیس سلیمی - ۳- علیرضا توافعی - ۴- رجبعلی عبادی - ۵- حسین حاج بابائی - ۶- محسن تهرانی.

۶۵ کیلو: ۱- محمود پرده باقوت - ۲- اکبر مجیدیری - ۳- علی رحیمی - ۴- بهزاد ذوالفقاری - ۵- علی نگه داری - ۶- سعید قاسم قاسمی.

۷۵ کیلو: ۱- محمود ملسوران - ۲- بهرام زاده - ۳- بهرام عباس زاده - ۴- محمد تریابان - ۵- علیرضا خورشید - ۶- علی نوروزی.

از ۷۵ کیلو بالا آنها دو نفر بودند؟! که علی عظیم زاده اول و جبرائیل پور صادق دوم شدند.

مهدی رابط

معمای سنگین وزن حل شد

در طول مسابقات نوجوانان مدعیان سنگین وزن تیم ملی که چهار تن بودند (اسکندر فیلابی، داود ایوب، علی توپچی و غلامرضا خلیج) طی سه دوره باهم دیدار کردند که دوره اول خلیج و توپچی در مقابل ایوب و فیلابی باختند خلیج سه خطاره شد در حالیکه فیلابی در وقت دوم ۶ بر هیچ از توپچی جلو بود با فن سکک او راه بل برد و ضربه اش کرد.

دوره دوم خلیج و فیلابی مقابل هم قرار گرفتند که خلیج در مقابل فیلابی در وقت دوم سه خطاره شد و از جدول خارج گردید توپچی نیز بملت کم

لطفاً ورق بزنید

کشتی گیران برتر نواحی چهارگانه تهران برگزیده شدند

مرحله اول مسابقه های انتخابی کشتی آزاد نواحی چهارگانه تهران - که با شرکت ۱۱۳ کشتی گیر آغاز شده بود - پایان یافت.

در ناحیه یک، ۷۵ کشتی گیر شرکت کرده بودند که این بیشترین تعداد در میان نواحی چهارگانه بود. این عده دریا زده دور جمعاً ۷۰ کشتی گرفتند. دیدارهای این ناحیه که در تالار کارگران برگزار شد - بر هیجان بود و حتی تا نفر دهم هر روز نیز کشتی گیرانی با قدرت جنگندگی جالب دیده شدند. مدعنه از آن کشتی گیرانی که عنوانی بعد از ششم را بدست آورده اند، معتقدند که فدراسیون کشتی باید به آنها نیز کارت ذخیره بدهد. کارت ذخیره قانوناً به افرادی تعلق می گیرد که اول تا ششم شده باشند.

زده بندی این ناحیه از این قرار است:
 ۴۸ کیلو: ۱- رضا محمدی - ۲- مجتبی فارسی - ۳- افلاطون عباس پور.

۵۲ کیلو: ۱- حسین نوروزی - ۲- حسن ترضی میزبانی - ۳- مرتضی علی اسماعیل زاده

۵۷ کیلو: ۱- علیرضا حسینی - ۲- شاپور بدر کوهی - ۳- محمود مبتدی.

۶۲ کیلو: ۱- محمد رضا منصور - ۲- محمد انصاری - ۳- جعفر صمیمی.

۶۸ کیلو: ۱- عظیم خسروی - ۲- رشید تاقه - ۳- حسین فولادی.

۷۴ کیلو: ۱- مسعود مقربی - ۲- محسن قنبری - ۳- داود عرب

۸۲ کیلو: ۱- خسرو کارآمد - ۲- اردشیر خزاعی - ۳- ناصر انصاری

۹۰ کیلو: ۱- قربان توان - ۲- منوچهر شایسته - ۳- مهدی مولائی

۱۰۰ کیلو: ۱- مصطفی فرهنگ نیا - ۲- اصغر هبیت زاده - ۳- علیرضا رهبرنیا

که نتراف اول تا سوم به شرح زیر برگزیده شدند:
 ۴۸ کیلو: ۱- علی اسماعیلی - ۲- یوسف کاویانی - ۳- محمد علی لوسانی.

۵۲ کیلو: ۱- محمد بزم آور - ۲- فرهاد عینی - ۳- خلیل شیخ سفلی.

۵۷ کیلو: ۱- رضا گزانی - ۲- اکبر گرجی - ۳- هاشم حبیبی

۶۲ کیلو: ۱- جلال روشن بین - ۲- علی کشانی - ۳- جعفر یزدی.

۶۸ کیلو: ۱- غلامعلی مرادی - ۲- محمد ذوالفقاری - ۳- محمد پاشانی.

۷۴ کیلو: ۱- ابوالقاسم کاوندی - ۲- علی اکبر عرب - ۳- غلامرضا عطری.

۸۲ کیلو: ۱- محمد حسینی - ۲- احمد فرکریمیان - ۳- علی نریمان.

۹۰ کیلو: ۱- جعفر تیریزی - ۲- ابراهیم دوست علی - ۳- صدراله حسینی.

۱۰۰ کیلو: ۱- علی قلی پور - ۲- حسین حاج حسینی - ۳- حسن بصیری.

۱۰۰+ کیلو: ۱- حسن فلاحتی - ۲- ناصر صفائی راد.

ناحیه سه

مسابقه های ناحیه سه با شرکت ۲۱۲ کشتی گیر طی ده دوره با انجام ۳۳۷ کشتی برگزار شد و این نتایج بدست آمد:

۴۸ کیلو: ۱- یوسف سازنده - ۲- کاظم خورشیدی - ۳- مرتضی عالی قلی.

بعقوب بشیری، ۷۴ کیلو: ۱- ناصر اسحاقی - ۲- احمد حبیبی اسفانی - ۳- داود قربانلی.

۸۲ کیلو: ۱- محمود بالائی - ۲- عشقعلی لامعی - ۳- عبدالله علی زاده.

۹۰ کیلو: ۱- علی زینعلی - ۲- مرتضی تیمی - ۳- امیراله نعمتی.

۱۰۰ کیلو: ۱- اکبر سیهزی - ۲- محمد رضا محتنی - ۳- علی مسکوکر.

۱۰۰+ کیلو: ۱- فرامرز شه آور بدون حریف قهرمان شد.

ناحیه چهار

مسابقه های ناحیه ۴ با شرکت ۲۰۹ کشتی گیر در تالار غدایت طی ده روز انجام شد و این نتایج بدست آمد:

۴۸ کیلو: ۱- هاشم بیاتی - ۲- رسول علی پور - ۳- عباس خان محمدی.

۵۲ کیلو: ۱- محمد کرمانی - ۲- عباس عربی - ۳- حسین میرزائی.

۵۷ کیلو: ۱- احمد بابائی - ۲- حمداله فتاحی - ۳- رضا کاوه.

۶۲ کیلو: ۱- احمد رضائی - ۲- علیرضا محمدی رفیع - ۳- رضاشانعلی تهرانی.

۶۸ کیلو: ۱- حسن کریمی - ۲- کریم پور طبرستانی - ۳- محمود ماسوران.

منجیبیای کفنه

از عبدالمنان



ما هم بلدیم سدر و بسازیم!



دو خروس جنگی، آ کیلونی



حشمت خان در بزرگترین آزمایش



سندبوقی خم و خم حرفتار و بلده!!



ابترالبائی به ایرانی:
— ایستجا چه جوری مسافه شتر سواری میدان?
— به جوری میدان که کسی نبینسه.
بهش میگن دولادولا!



— نوت به این دورو درازی?
— نوت نیست قربون، تومار کله از سؤولان ورزشه!

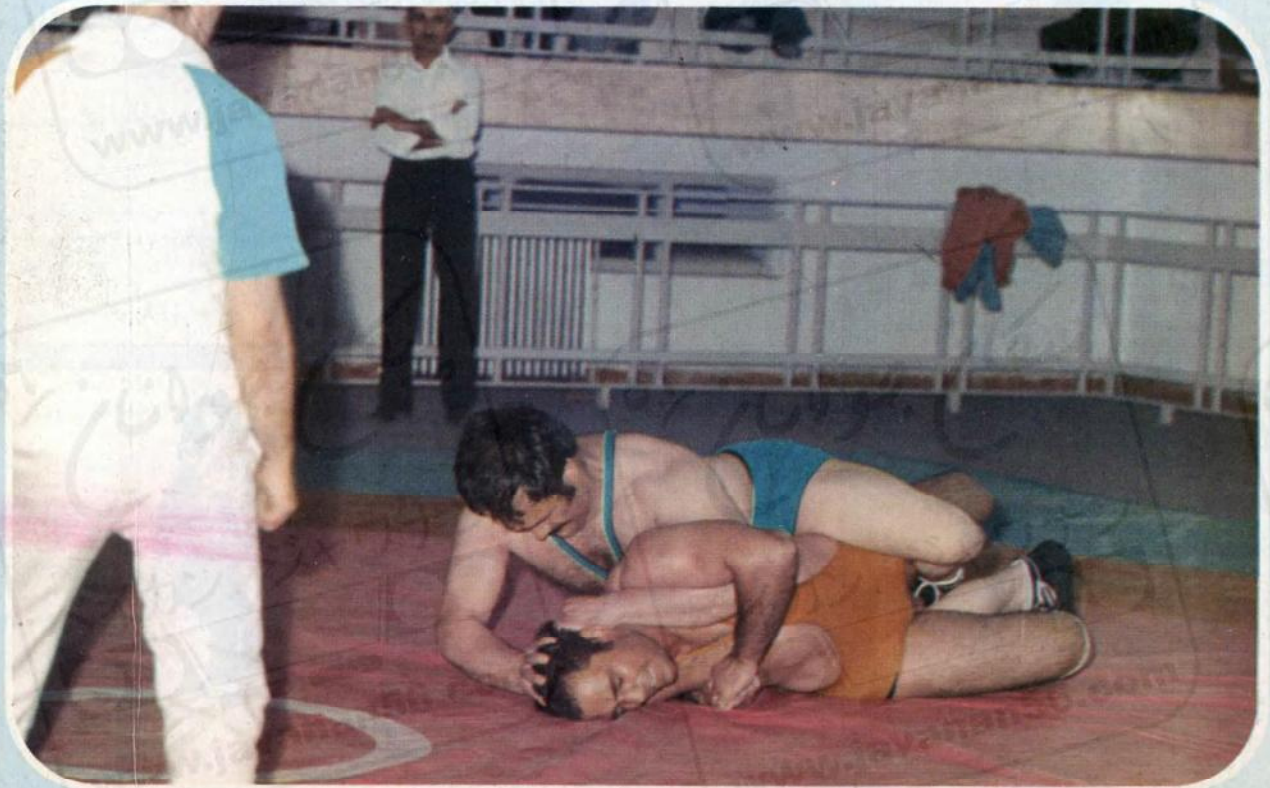


فیلابی هم چمدان را بست

علی توپچی روپوش و در حالیکه وقت اول را تنها با یک خاگ به سود خود تمام کرد، در وقت دوم توپچی را با فن سکک ضربه فنی کرد و آنگاه با خلع روپوش و او راه اظهار کرد. در این صحنه توپچی، با فن سکک فیلابی به خطر افتاده و تا چند لحظه دیگر ضربه فنی می‌شود.

مسلم اسکندر فیلابی قهرمان سابق تیم ملی دشتی در فوق سنگین، هفته گذشته نشان داد که هنوز برترین کشتی‌گیر سنگین وزن ایران است. فیلابی که در یک دوره مسابقه انتخابی برای عضویت در تیم اعزازی به المپیک مونترآل شرکت کرده بود، ابتدا با

↑ قبل از آنکه سنگین وزنها مبارزات خود را آغاز کنند، محمدعلی صنعتکاران (سرسری تیم ملی کشتی آزاد ایران) چند دقیقه با آنها صحبت کرد. اینجا داود ایوب و توپچی به سخنان صنعتکاران گوش میدهند و فیلابی منتظر است تا توپچی روی صحنه بیاید و با او مقابله کند.



انگلستان چهار گل

به فنلاند زد

هلنیکی - در مسابقه رفت مقدماتی جام جهانی فوتبال، نیم ملی فوتبال انگلستان چهاربریک تیم ملی فنلاند را در خاکش مغلوب کرد. دو گل انگلستان توسط کوین کیگان یار نیورپول بصر رسید.

لستوارت بیسون از مستترینونایتد در دقیقه ۱۰ گل زنی را برای انگلستان آغاز کرد. ماتی باتلینان مهاجم فنلاندی ۳ دقیقه بعد نتیجه را مساوی کرد. در دقیقه ۳۰ کیگان گل زد و در نیمه اول به انگلستان برتری داد.

۱۱ دقیقه بعد از نیمه دوم، مایک-چانون از سوانتیون با زدن یک گل دیگر فاصله را زیادتر کرد و در دقیقه ۵۰ کیگان پیروزی را به نتیجه چهار بریک رساند.

رکورد جهانی ۴۰۰ متر آزاد شنا هم فرو ریخت

«برایان گودل» شناگر هفده ساله کالیفرنیا آمریکا در مسابقات انتخابی شنای المپیک آمریکا در ۴۰۰ متر آزاد بر دانیل رکورد جهانی ۵:۳۰/۸ دقیقه را چابا گذاشت، نیم ثانیه رکورد دار سابق جهان در شرایط دور از آمادگی دوم شد. او از بیستر بیماری برخاسته بود و شرایط نوحه را بدست. رکورد سابق جهانی نیمه ثانیه و ۳/۵۲ دقیقه بود.

نوجوانان ۸ تا ۱۰ ساله مردانه کشتی گرفتند

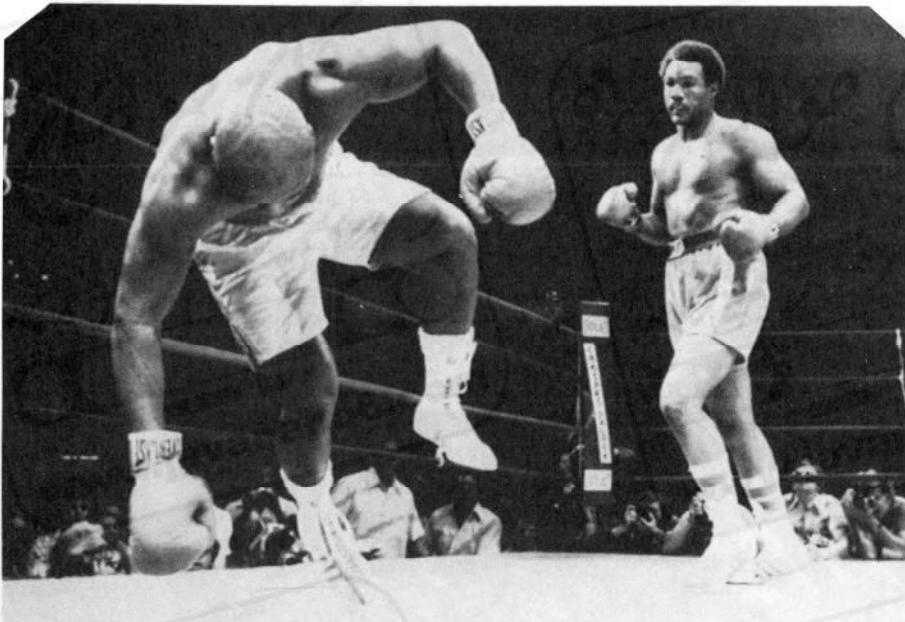
در برابر ایوب سه اخطار گرفت و بسرنوست خلع گرفتار شد. در دوره سوم قرار بود که فیلابی با ایوب کشتی بگیرد ولی ایوب گفت همانطوریکه برای آماده نمودن فیلابی مدت ۲۰ روز با او مهارت دادند یک شب هم بین فرصت و استراحت بدهند تا فردا کشتی بگیریم ولی این پیشنهاد ایوب مورد قبول مسؤلین و سر مربی قرار نگرفت و در نتیجه فیلابی بدون گرفتن کشتی در مقابل ایوب برنده شناخته شد و فیلابی بعنوان کشتی گیر دسته فوق سنگین اعزام می شود.

دوشیزه سیمین انفراد

پیروزی درخشان و چشم کورتان را در مسابقات بینک بینگ قهرمانی ایران مسلمانه تبریک میگویم.
مهندس علیرضا شکوه

فخ آبادال متعال بیکه افزون آرایش جلیبا

مردانه
با جدیدترین مدل و با ورزشی و ترین آرایشگران به زیبایی مری شم می افزاید
فرشته...
شعبه ۳۳۱۲۳۱



جوفریز را زهم مغلوب شست های فورمن شد

مشت زنان سیاه پوست و قهرمانان سابق مشت زنی سنگین وزن جهان در برابرهم قرار گرفتند تا در دروازه دوره با یکدیگر نبرد کنند اما مسابقه بیش از پنج دوره به طول کشید و فریزر در برابر ضربه های مرگبار فورمن از پای درآمد.

فورمن غول پیکر و خوش اندام در آغاز دور پنجم ضربه «آپر کات» محکمی به فریزر زد و او را کج کرد. متعاقب آن با زدن ضربه های بی دردی فریزر را با یک ضربه راست کوتاه به کف سینه سرتگون کرد. فریزر به سرعت از جای برخاست اما کج و میبهوت بود و با یک ضربه دیگر فورمن از پای درآمد. فریزر با شماره هشتم داور از جای بلند شد اما فورمن از ادامه نبرد او با فورس جلوگیری کرد.
این دومین پیروزی فورمن بر فریزر بود.

برای دعوت از هنرمندان به جشن و عروسی

فقط با دفتر مشترک خوانندگان تماس بگیرید

تلفن : ۸۳۸۲۳۴

بنام خدا و در پرتو توجهات ولی عصر (ع)
و به میمنت برگزاری جشنهای پنجاهمین سال شاهنشاهی

نمایشگاه اتومبیل اتو تاپ

از این تاریخ افتتاح و آماده امور خرید و فروش اتومبیل میباشد

خیابان کورش کبیر پل رومی جنب بورسالیانو

تلفن ۲۶۶۴۰۱ - ۲۶۶۲۱۷۰ - ۲۶۴۳۷۰

غلامحسین شهاب - کریم حمیدی

بدون آنکه اشاره‌ی بکند، ابقاء کننده این نکته به‌ر تمامات‌گریست که هدف اساسی او و گروهش، آموزش‌های اجتماعی از طریق ورزش است. خداوند که یک بازیکن - اگر هم محبوب‌ترین باشد - یا یک تیم - اگر هم قهرمان باشد - یا یک گروه تماشاگر و یا یک داور در زمین ورزش و فوتبال به‌عملی ناشایست دست بزند. آنگاه است که جیمی هیل حتی از اختصاص دادن تمام مدت برنامه و بحث و گفتگو پیرامون آن صحنه صرف‌نظر کردن از بخش بقیه سابقه‌ی ابا ندارد. حقیقتاً در نتیجه این

دقت نظر و سخت‌گیری، اوست که در فوتبال انگلستان به‌قدرت بازیکنی به‌رای داور اعتراض می‌کند و یاد در برابر بازیکن دیگری به عمد دست به خشونت می‌زند و یادآوری مرتکب لغزش می‌شود. از طرف دیگر توجه به‌تکات قفسی مسابقات، نشان دادن و بحث کردن پیرامون مسائل تکنیکی و تاکتیکی را به بهترین صورت ممکن انجام می‌داد و از این نظر نیز انگشت‌نما بود و عقاید و نظریاتش پیرامون هر مسابقه با تحسین و تصدیق سبزه‌ترین کارشناسان و سرشناسترین مربیان انگلستان روبرو می‌شد. باین تفصیل من فکر می‌کنم عربستان سعودی برای رسیدن به هدفهایش بهترین فرد ممکن را برزیده‌است.

کار جیمی هیل در عربستان چیست؟

جیمی هیل با عنوان مشاور فوتبال عربستان سعودی، قرارداد امضا کرده است. این بدین معنی است که او مربی تیم ملی فوتبال عربستان نخواهد بود، بلکه او رهبر این فوتبال است و بودجه‌ی عظیم در اختیار دارد و یک فرصت پنج‌ساله در پیش. او در مصاحبه‌ی پس از امضای قرارداد، پیرامون کارش در عربستان چنین گفت: «هدف اساسی من، گسترش عمومی فوتبال در عربستان، خلق مسابقات باشگاهی، ساختن ورزشگاهها، در اختیار گذاشتن امکانات و بهترین آموزشهای فوتبال به هر جوان مستعد رساندن تیم ملی فوتبال این کشور به یک سطح عالی حساب ابتدا در منطقه خود و سپس

در جهان است.

نشر از این هیچ نوجوان عربستان سعودی اگر هم استعداد و نبوغ کافی داشت، نمی‌توانست به سطح یک فوتبالیست بین‌المللی برسد. اما بعد از پنج‌سال من به‌نسل نوجوان عربستان سعودی این امکانات را خواهم داد که چنانچه استعداد داشته باشند، به سطحی بین‌المللی برسند. فوتبال عربستان سعودی بعد از پنج‌سال از نظر آمار، امکانات، نتایج و یازده‌های آموزشی، فوتبالی برتر از فوتبال کشورهای منطقه و در یک حد خوب جهانی قرار خواهد گرفت.» جیمی هیل با این امیدها راهی عربستان سعودی است. شک نیست که او با نفوذ و آشنائی‌هایی که در فوتبال بین‌المللی دارد و به لطف بودجه‌ی نه در اختیارش هست، بزودی گروهی از بهترین مربیان بین‌المللی را به عربستان جذب خواهد کرد تا رهبری تیمهای ملی، جوانان، باشگاهها و نوجوانان را به آنها بسپارد و زیر نظر آنها دیگر را نیز آغاز خواهد کرد. آنچه مسلم است در فوتبال این کشور دگرگونیهای اساسی آغاز خواهد شد و به لطف جیمی هیل، عربستان سعودی یک منطقه خرساز در فوتبال خواهد بود.

اما این موفقیت‌ها تا چه حد خواهد بود و جوابهای عربستان سعودی که ابتدا کسب پیروزی در میان کشورهای عرب همجوار و آنگاه اوج آن، پیروزی برفوتبال ایران است، چگونه تعبیر خواهد شد، چیزیست که آینده به آن پاسخ خواهد داد و خلاصه آنکه باید در آنجا که مربوط به ایران و فوتبال‌ماست هوشیار باشیم.

زاکرس و دبیرستانهای پیروز

با جدیت و توفیق در روش

صبح : تدریس عصر : تمرین

کلاسهای تجدیدی و تقویتی مخصوص

دوره راهنمایی و نظری دانش آموزان

برای آخرین سری کلاسهای پیام، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم

قابل توجه

- ۱- صبحها دبیر مربوطه، درس را تدریس میکند.
- ۲- عصرها تمرینهای مخصوصی را که بوسه‌ی پی‌کی داده میشود، خود دانش‌آموز تحت نظر دبیر مربوطه در کلاس حل و شرح اشکال خواهد نمود.
- ۳- دانش‌آموزان میتوانند از کلاس مکالمه انگلیسی بطور رایگان استفاده نمایند.
- ۴- نتیجه کار هر هفته به نشانی داوطلب ارسال خواهد شد.

نشانی :

واحد شماره ۱ : سیمتوی بین محمد شاه دبیرستان زاکرس تلفن ۹۲۰۰۸۲
واحد شماره ۲ : آینه‌هاور بین نواب و بسمل شمالی دبیرستان فیروز تلفن ۹۲۸۹۲۱

سمینار داوران بسکتبال

خاتمه یافت

سمینار داوران بسکتبال - که از روز ۳ خرداد ماه جاری به منظور هماهنگ کردن سطح قضاوت داوران ایران و آشنائی آن با آخرین قوانین بسکتبال تشکیل شده بود - روز چهارشنبه ۶ خرداد به پایان رسید. این سمینار زیر نظر فدراسیون بسکتبال تشکیل شد و در آن ۴ داور از شهرستانها و ۱ داور از تهران شرکت داشتند. داوران شرکت کننده در این سمینار صبح‌ها بصورت تئوری و بعد از ظهرها به گونه عملی با شیوه‌های نوین قضاوت بسکتبال آشنا شدند. حسین جبارزادگان، عباس مقدس زاده، فخرالدین حمزه‌معلی پور و مهدی مگری کسانی بودند که در این سمینار برای داوران صحبت کردند. داوران شرکت کننده در سمینار از افرادی تشکیل شده بودند که عنوان داوران ملی یا بین‌المللی داشتند.

انگلیسی

مقدماتی عالی

در منزل یا محل کار تلفن

۶۵۵۷۰۵

سر هنگ بوده، شمشیرش بر ابوده، ۱۳ نفر به المپیک میفرسته!



سر هنگ الماسی به هم دختران تیم ملی خود را از دیدن کادربندی آبی در بازیهای آسیایی ۱۹۷۴ در یک از راهی بدنبال تحصیل و زندگی رسید. حالا این چهارتن دوباره جمع شده‌اند سنا یادآور آن شادبهای هیجان‌انگیز بازیهای آسیایی هستند. از چپ: بهوش سفلی، رولا الماسی، گیتی مجبان و مریم تهاک.

می‌توان گفت که این تیم آماده است و امیدوارم همه چیز طوری پیش برود که به این توفیق بزرگ نائل گردیم. در تیم مردان هم اصغر پشاپور بهترین فرد تیم ایران است.

در اینجا الماسی روی سخن را متوجه نمی‌شود. اجرای بازیهای المپیک میکند و میگوید: «از این کمیسیون خیلی متشکرم. حقیقتاً با بی نظری و سرعت مسائل را حل کرد. شاید این نخستین بار بود که برای مسئله مهمی مثل شرکت در بازیهای المپیک با با اعلامی و ویرو شدیم که در مقابل ما گارد نگرفته بودند. این عده با کمال بیطرفی عمل کردند و باید به آنها تبریک گفت.»

«درباره آینده چه فکری کنید؟»

«من تا حال از «اتفاق» بهره برده‌ام نه از «خواست». و این اتفاق همیشه روی نمیدهد. دست نه همیشه موافق من روی نمیدهد.

لطفاً ورق بزنید

ایقدر در این رشته پیش رفته‌اند باین سبب است که در فاصله سه چهار ساعت میتوانند با اتوسپیل و با ترن و حتی با اتوسپو خود را به محل مسابقات برسانند و چندان خرجی برای آنها ندارد.

«مخوب چرا شما چنین سرزشتی برای تهران ایجاد نمیکنید که لاقابل کشورهای نزدیکمان را مرتباً دیدار کنیم و هر بار چند قهرمان معروف اروپایی هم به جمع آنها بیفزائیم.»

«اتفاقاً برنامه من همین است و «جام پهلوی» و «جام شهبانو» که اسسال نخستین دوره‌هایشان را برگزار می‌کنیم، به همین نیت ترتیب داده شده‌اند. من می‌خواستم شمشیر بازانمان را برای آمادگی به اردوی تیم آلمان غربی بفرستم و قرارداد هم تنظیم کرده بودیم اما باین طرح من موافقت نکردند.»

«فکری کنید در سوئترال چه کاری کنید؟»

«اگر دختران ما از دور اول بالا بیایند میتوانند جزو هشت تیم اول المپیک شوند»

منظورم اینست که از نظر معیارهای بین المللی ما در حد متوسط هستیم. اما دو میدانی و بعضی رشته‌های دیگر در این حد نیستند. از مسابقات بین المللی اخیر شاید ورزشکاران ما با مدال بازگشتند اما مهوش شغائی و ژیل الماسی سه رده در جدول‌ها بالا رفتند و پشاپور نیز همینطور.

سر هنگ الماسی سری تکان میدهد و آهی میکشد و میگوید: «افسوس که بعد از بازیهای آسیایی برنامه ما قطع شد و امکان نگهداشتن قهرمانان و ادامه راه پر فروزی که پیش گرفته بودند دیگر میسر نشد و گر نه ما میتوانستیم در طبقه بی خیلی بالاتر از امروز در بازیهای سوئترال شرکت کنیم.»

متأسفانه موقع جغرافیائی مملکت ما طوریست که نمیتوانیم در همه مسابقات بزرگ شرکت کنیم یعنی پول زیادی میخواهد. چون همه مسابقات در اروپاست و اگر اروپایی‌ها

بی مقدمه به سر هنگ هوشمند الماسی می‌گویم: «به شما خیلی حسادت می‌کنند و خیلی‌ها حتی اعتراض دارند. می‌گویند ما سنا، اله سرهنگی، رئیس سازمان ورزشی ارتشی و شمشیرت خیلی «پرا» است زده‌یی، بریده‌یی و رفته‌یی جلوه درحالی که فدراسیون دو و میدانی برای اضافه کردن یکی دو نفر به تیم یکتفردی دو و میدانی ایران ساعتها با کمیسیون اجراییه چانه زد و نتیجه‌یی نگرفت، شما دارید راحت سیزده شمشیر زن مادینه و نرینه با سرمربی و سداور بین المللی راه سوئترال می‌برید.»

سر هنگ که اصلاً منتظر طرح چنین سؤالی نبود، نتوانست فوراً جواب بدهد. کمی خود را جمع و جور کرد و گفت: «راستش نمیدانم چه بگویم. این شمشیری که می‌گویند تا چندی پیش برا نبود، زنگ زده و نه شاری افتاده بود.» آنگاه به دختران و پسرانی که صدای چکاچاک شمشیرشان بلند است اشاره میکند و ادامه میدهد «اینها این شمشیر را صیقل دادند و برا نردند. اینها زدند و بریدند و پیش رفتند، نه از سوغی که کمیسیون اجراییه انتخاب و تشکیل شد بلکه از چهار سال پیش از دو سال پیش از بازیهای آسیایی ما هیچ بودیم و اینها ما را چیزی کردند هیچ نداشتیم و اینها در چهار سال ما را صاحب ۲۶ مدال و امتیازات زیاد در زمینه بین المللی کردند ما حتی در آسیا هم به حساب نمی‌آمدیم اینها باعث شدند که در بازیهای آسیایی تهران با ۱۵ مدال طلا، چهار مدال نقره و هفت مدال برنز از شمشیر بازان معروف آسیا حتی از ژاپنی‌ها پیش بیفتیم.»

«من به ورزشکاران دو میدانی حق میدهم که ناراحت باشند. باید به آنها هم توجه بیشتر کرد. اما چه میشود کرد که دارای ورزش صاحب رکورد و قابل ستایش هستند و این بار معیار ستایش کشورهای همسایه دور و نزدیک نیستند بلکه بهترین قهرمانان جهان هستند که در بسنه غلبه می‌کنند مثل بازیهای المپیک مسازره می‌کنند.»

می‌گویند چون رشته ورزشی من رکورد ندارد نتوانستم سیزده نفر راهی سوئترال کنم اما این اشتباهست. ورزش من رکورد ندارد اما طبقه بندی بین المللی دارد و افتخار بزرگ فدراسیون شمشیر بازی اینست که نتوانسته قهرمانان وابسته بخود را از قهرکناسی و زیر جدول بیرون بیاورد و آنها راه جدول‌های آسیایی برساند و در هر مسابقه بی که یک نیمه گام جلوتر نهند ما در حقیقت از رزق بین المللی تازه‌یی بپست آورده‌ایم و از اینجا مسئله مداومت پیش می‌آید یعنی اگر ما در مسابقه‌های بین المللی حضور نداشته باشیم هرگز نمیتوانیم به آینده امیدنی داشته باشیم زیرا همان تیم گام‌هایی را که گفتم بر نبرداریم و در نتیجه همیشه آن باین میمانیم.

دانش آموزان ورزشکار ایرانی در مسابقات جهانی

جهانی دانش آموزان

اساسی نوزده ورزشکاری که به فرانسه اعزام شده‌اند قرار زیر است:

*** ژیمناستیک:** نازنین عظیم‌زاده (گرگان) معصومه زارع خلیلی (شیراز) گیلدا استی و کتایون سخنگو (تهران) حسین علی‌زاده (رشت) رضا تاجی‌پور (تهران)

*** دوومیدانی:** نادر هردانی (اهواز) عبدالغنی مردعاسی (اهواز) کاظم قربانی (همدان) سیترا دانایی فرد، نانوینا سلیمانی زاده و ریما عشق (تهران)

*** شنای:** نسترن حسینی زاده و حبیب ناصری (خرستان) مجید خلیلیان و محمد رضا صفوی پور (اصفهان) هاله وفایی، فریبرز کشور دوست و توتوانی اوغلی (تهران)

نوزده جوان دانش آموز ورزشکار ایرانی به منظور شرکت در مسابقات جهانی دانش-آموزان رهسپار اورشان فرانسه شدند تا برای اولین بار در رشته‌های ژیمناستیک، شنا و دوومیدانی با سایر دانش آموزان ورزشکار جهان مبارزه کنند.

این بازیها - نه از روز سه‌شنبه گذشته در فرانسه آغاز شده - امروز پایان می‌یابد و نقرات برتر هر رشته تعیین می‌شوند.

در میان ۹ دانش آموزی که به فرانسه اعزام شده‌اند شش چهره ملی نوجوان دیده می‌شوند که پنج تن از آنان شناگر و یک نفر عضو تیم ژیمناستیک می‌باشند.

سرهنگ بوده، شمشیرش برآوده

چند بار هم در جلسات تربیت بدنی آموزشگاهها شرکت کردیم و قرار شد نتیجه تصمیم خود را با اطلاع دهند و ما هنوز منتظر این «اطلاع» هستیم. این بزرگترین اشکالی است که مانع شروع یک کار اساسی و ریختن یک زیربنای محکم میشود و حال آنکه تصمیم گرفته‌ام بعد از رهایی از گرفتاری المپیک، به پنجاهای خیره و پرورشگاهها برویم و این رشته را در آنجا رواج دهم.

بعد هم نظر خود را متوجه کار در شهرستانها خواهم کرد و یقین دارم که نتایج خوبی خواهم گرفت.

خواست من اینست که نو جوانان قد بلند پیدا کنم و آنها را بجای در اختیار مربیان بگذارم. رفتم با فرهنگیه‌ها صحبت کردم، حتی التماس کردم که از هر ناحیه تهران عمده‌ی را در اختیار من بگذارند که آنها را در یک دوره کارآموزی بصورت سری در آوریم بی‌آنکه دنیاری بخواهیم. حتی حاضر شدم به آنها یک فوق‌العاده و حق ایاب و ذهاب هم بدهیم تا آنها بروند و شاگردان مدارس را تعلیم بدهند. تعداد خیلی زیادی ماسک و شمشیر پلاستیک هم وارد کردیم که میان دانش‌آموزان به رایگان بخش کنیم.

شهری قهرمان والیبال جوانان شد

۳ جوان برای تشکیل تیم ملی انتخاب شدند

دیدار نخست چهارشنبه را رستخیز و فردوسی برای تعیین مکان های سوم و چهارم برگزار کردند که در پایان رستخیز با پیروزی در دوست پیاپی (۱۵ بر ۸ و ۱۵ بر ۱۰) در مکان سوم ایستاد.

فدراسیون، هدف از برگزاری این مسابقات را شناختن چهره های جوان عنوان کرد که طی انجام مسابقه ها ۳ بازیکن برای تشکیل تیم جوانان ایران شناخته شده‌اند و زیر نظر مسعود صالحیه و فروزنده آماده شرکت در مسابقات جهانی جهان (در استرالیا) میشوند.

برای گزینش نهایی این تیم، فدراسیون والیبال علاوه بر افرادی که تا کنون انتخاب کرده تا پنجم تیر ماه در دفتر تالار والیبال ورزشگاه نصیری جوانان متولد ۳۳ به بالا با ابعاد حداقل ۱/۷۵ متر ثبت نام می‌کند.

با قهرمانی تیم والیبال جوانان شهر ری، مسابقه های والیبال قهرمانی جوانان تهران که از ۱ اردیبهشت ماه گذشته آغاز شده بود پایان یافت.

جوانان شهر ری برای کسب عنوان قهرمانی دیدار نهایی را برابر جوانان تهران جوان برگزار کردند. در این دیدار که تالار والیبال ورزشگاه محمد نصیری ترتیب یافت، ست نخست دیدار ۱۵ بر ۸ به سود تهران جوان بود، اما پیروزی های ۱۵ بر ۶ و ۱۵ بر ۷ شهر ری در ست های دوم و سوم، این تیم را به مقام قهرمانی رساند. در این تیم علی کازرونی، محمود براتی‌نژاد، بهمن سلطانی، صابر علی اکبر نژاد، احمد کرشایی، محمد قوائی، رضا امامی، نادر حضاری، حبیب جهان‌شاه، حجت نیکنام مرتضی اسلامی و حسین نقر عضویت داشتند.

دفتر هنر مندان

رابط کلیه هنر مندان جهت جشنها - عروسیها و ضیافتها خیابان شاه مقابل نیاگارا

تلفن های ۱۳۲۲ ۶۴۴۶۳۳-۶۴۴۶۳۳

وام

روی سند اتومبیل . تلفن

ملک

۲۵۷۵۳۵

۲۵۷۲۹۴

گروه فرهنگی دکتر هشترودی

برای کلاسهای تقویتی و تجدیدی بشرح زیر:

- ۱- کلاس های تقویتی ویژه ششم ریاضی و طبیعی (دروس سال ششم ۳ روز در هفته و دروس آزمون همگانی یک روز در هفته)
 - ۲- کلاسهای تقویتی ششم ریاضی و طبیعی (دروس سال ششم ۳ روز در هفته).
 - ۳- کلاسهای تقویتی دوره نظری و دوره راهنمایی.
 - ۴- کلاس های تجدیدی تکدرس ششم ریاضی و طبیعی و پنجم ریاضی و طبیعی و دوره نظری و راهنمایی هر روز صبح و عصر ثبت نام مینماید.
- کلاسهای تقویتی از پنجم تیر ماه و کلاس های تجدیدی از نهم تیر ماه تشکیل

می گردد.

محل ثبت نام

میدان کاخ دبیرستان دکتر هشترودی

تلفن ۸۹۳۵۹۵ - ۶۴۸۲۱۸

دوست عزیز جناب آقای سید مرتضی عزیزی

مصیبت وارده را تسلیت عرض نمودم بقای عمر جنابعالی و خانواده محترم را از درگاه احدیت خواستارم.

شهری - ناصر محمدی - عبدالعزیز - حسین ذاکانی - اکبر اباغانی

جنابان آقایان بهمن و حسین نسیم

مصیبت وارده را تسلیت میگویم.

رئیس و اعضا فدراسیون شای ایران

جنابان آقایان بهمن و حسین نسیم

سازمیز در غم خود شریک بدانید.

تیم ملی واترپلو ایران

آقایان بهمن و حسین نسیم

بر کد ما در غمی است بزرگ.

به آن دوستان گرمی تسلیت مسکوحه.

حسین نوکلی

من از پیروزی بر تیم ایران مطمئن نیستم

بقیه از صفحه ۳

گورسکی همچنین فهرست ۱۷ تن بازیکن برگزیده فوتبال لهستان در مونترآل را بمن داد و گفت: «از تیم جام جهانی مونترآل ۹ بازیکن به مونترآل میروند. من هنوز هم به لائو، ژارماخ، دینا، کاسپرچاک و تومازویسکی اطمینان و اعتماد دارم.

گورسکی از چند شکست سخت تیم ملی فوتبال لهستان در دو ماه اخیر اظهار تأسف کرد اما در همین حال گفت: «تیم ما مدتی در چار بحران بود. همه تیمها اینطور هستند. شما به هلند نایب قهرمان جام جهانی مونترآل نگاه کنید که چگونه ضعف شده است؟»

مربی فوتبال لهستان در پایان از برکناری فرنک اوفارل مربی سابق تیم ملی ایران بعنوان یک ناراضیانه یاد کرد و گفت: «من به تعویض یک مربی در آستانه یک دور مسابقه های مهم مانند المپیک معتقد نیستم. در لهستان اگر سق هم فرو بریزد، کسی انگشت اتهام بطرف مربی شکست خورده دراز نمی کند.

محمد نریمانی

غذای آماده میهمانی - عالی و ارزان
۲۰ نوع غذای خوب، انواع سالاد، درهای خوشمزه، با سفارشات تزئینی
تحويل و پذیرایی در منزل - تلفن ۶۶۳۶۳۵

جناب آقای فریدون صادقی
مدیرعامل باشگاه پاس

فوتبالیستها و سایر ورزشکاران باشگاه با نهایت تلفظ درگفتش خواهر گرامی را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض مینمایند.
سرپرست فوتبال باشگاه پاس - طهماسبی

آژانس هنری هنرمندان آماده پذیرایی
جشنها و عروسیها تلفن ۳۱۳۲۶

برای کلاسهای تجدیدی، تقویتی - چهارم، پنجم و ششم طبیعی، ریاضی، ادبی - نظری و راهنمایی تحصیلی



همه روزه از ۸ صبح الی ۹ شب ثبت نام میکند.

مخبر الدوله - سعدی شمالی - کوچه جنوبی بیمه - تلفن ۳۹۲۳۰۸۵

کادر قوی آموزش قابستانی

با ثبت نام در کلاسهای تجدیدی و تقویتی دبیرستانهای امید ایران و هخامنش قبولی خود را تضمین نمایید.

دبیرستان هخامنش آیزنهاور بین نواب و رودکی تلفن ۹۲۹۱۶۵
دبیرستان امید ایران حشمت الدوله باستان تلفن ۹۲۲۸۳۱

برندگان مدال،

در مسابقات کشتی لهستان

مسابقات کشتی آزاد بین المللی لهستان با پیروزی نسبی کشتی گیران ایرانی همراه بود از تیم امزلی ایران: با زرافاشانی و شمس الدین سیدعباسی مدال طلا، محمدحسین محبی مدال نقره و خسرو محمدی مدال برنز گرفتند. زده بندی نفرات اول تا سوم هر وزن شرح زیر است:

* ۴۸ کیلو: ۱ - ژوزف کونوویچ (لهستان)
۲ - ولادیسلاو اولنیک (لهستان) ۳ - امیره سروس (مجارستان).

* ۵۲ کیلو: ۱ - ولادیسلاو استیسک (لهستان) ۲ - تارلان علی بیگنویلی (شوروی) ۳ - خسرو محمدی (ایران).

* ۵۷ کیلو: ۱ - زدسکی (لهستان) ۲ - پترو برادوین (رومانی) ۳ - آتانازوف پتکوف (بلغارستان).

* ۶۲ کیلو: ۱ - اسفندیار زرافاشانی (ایران) ۲ - کنستانتین میندووا (رومانی) ۳ - ادی تیرای (آلمان غربی).

* ۶۸ کیلو: ۱ - شمس الدین سیدعباسی (ایران) ۲ - محمدحسین محبی (ایران) ۳ - زدیسلاو آتوکوویچ (لهستان).

* ۷۳ کیلو: ۱ - فردهیل (آلمان غربی) ۲ - اسلیان کریستیان (رومانی) ۳ - کریستو - استویروف (بلغارستان).

* ۸۲ کیلو: ۱ - واسیلی بورگا (رومانی) ۲ - آدولف زگر (آلمان غربی) ۳ - یان گورسکی (لهستان).

* ۹۰ کیلو: ۱ - تیبیه ریان سزونی (رومانی) ۲ - سنک کاتیروف (بلغارستان) ۳ - یان لوبو (رومانی).

* ۱۰۰ کیلو: ۱ - پوزالدیوتر (آلمان شرقی) ۲ - آناش پانا لیت (رومانی) ۳ - هانس - لستراک (آلمان غربی).

* ۱۱۰ کیلو: ۱ - نو دارمیداز (شوروی) ۲ - هینز ایشل بام (آلمان غربی) ۳ - استرا لیتف (بلغارستان).

گروه فرهنگی خزائلی کلاسهای تقویتی و تجدیدی

گروه فرهنگی خزائلی برای کلاسهای ششم (ادبی - طبیعی - ریاضی) سال اول و دوم نظری در دونوبت صبح و عصر و همچنین برای کلاسهای چهارم و پنجم (ریاضی - طبیعی - ادبی) و راهنمایی نوبت صبح ثبت نام مینماید.

نشانی: آموزشگاه پسرانه خزائلی شاه آباد کوچه محمودی تلفن: ۳۱۸۰۰۶ - ۳۹۱۸۸۱
آموزشگاه دخترانه خزائلی شاه آباد کوچه ظهیر الاسلام تلفن: ۳۱۷۳۶۷

گروه فرهنگی آذر

از نهم تیرماه صبح و عصر کلاسهای زیر را تشکیل میدهد.

۱ - کلاسهای تجدیدی پنجم و ششم ریاضی و طبیعی و نظام جدید (نظری).

۲ - کلاسهای تقویتی ششم ریاضی و طبیعی و کلاسهای نظام جدید (نظری).

علامتدان برای ثبت نام میتوانند همه روز از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ و از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۸ به محل های زیر مراجعه کنند.

۱ - دبیرستان شماره ۱ آذر خابان نادری چهار راه قوام السلطنه تلفن ۶۶۷۱۷ - ۶۶۳۴۴۲

۲ - دبیرستان شماره ۲ آذر میدان بهارستان خابان صفی علیشاه تلفن ۳۰۱۱۰۶ - ۳۱۸۴۸۱

۳ - دبیرستان شماره ۳ آذر کریم خان زند تقاطع بهجت آباد تلفن ۸۹۶۰۱۵ - ۸۹۶۶۷۱



بازیهای دسته دوم جام تخت جمشید

در کرمان هم ضعف داوری کار ساز بود

آرشام کرمان (۰)

مهدی قنبری نژاد ۱ - حمید امیری ۲ ،
ابراهیم محمدی ۵ ، مجید روشن پژوه ، علی
محمدی ۱۷ - مهدی خاندانی ۸ ، ناصر
دهنلد ۶ ، مجید حسینی سعیدی ۷
(از دقیقه ۶۶ فریدون حسینی (۱۵) -)
قاسم سیاحمدی ۱۹ ، محمد خاندانی ۱۳ (از
دقیقه ۷۵ لیدال محمد آذاده (۱۰) و اسحاق
کازرونی ۱۴ .
ذخیره ها : محمد اسماعیلی ، حمید ابران
منش و احمد طاهری .
مربی : سرج .

رستخیز خرمشهر (۰)

محمد رضا موسوی ۱ ، غلامرضا دانایی
۱۴ ، صادق عویدی ۴ ، حسن شمس ۲ ، عبدالرضا
موسوی ۱۹ ، هوشنگ خلیفه ۸ ، محمد زارعکار
۱۵ ، عزیز طاهری ۱۰ ، منصور حقیقت منش ۷
(از دقیقه ۷۴ کریم سنقری ۲) ، عبدالرزاق
خادم پیر ، ۱۱ و عبدالمنسری ۱۲ .
ذخیره ها : حسین گودرزی ، علیرضا قاید
مقام و حبیب یرخ و حسین بصری .
مربی : عباس گیشونی .

گل هاد قایق : ۷۴ حسن شمس برای
رستخیز و ۸۵ مهدی خاندانی از روی نقطه
بنالتی برای آرشام .
اخطار : دقیقه ۷۹ عبدالرضا موسوی از
رستخیز - دقیقه ۲۱ مجید روشن پژوه از تیم
آرشام .

داور : محمود خوشخوان بکمک رجعی
یزدان پناه و اکبر ابراهیم زاده .

در یک بازی جنجالی تیمهای رستخیز
خرمشهر و آرشام کرمان یک بریک مساوی
شدند. یک تقاضوت ضعیف باعث شد تا اعصاب
همه حاضران در ورزشگاه خرد شود. آرشام از
همان ابتدا برتری خود را بر حریف تحمیل کرد.
در این چیدار رستخیز خرمشهر که محمد شکار
گوش چپ مسلح پوش خود را همراه
نشدالت بسیار ضعیف جلوه کرد و
این بار آمده بود که اولین پیروزی
را نصیب تیم کرمانی کند و اگر مهاجمان
تیم آرشام دقت عمل بیشتری روی محوطه
شنش قدم از خود بخشد میدادند گلهای زده
این تیم از تعداد انگشتان یکدست نیز بیشتر
می بود.

۳. دقیقه از نیمه دوم گذشته بود که
مدافعان تیم رستخیز اسحاق کازرونی گوش
چپ آرشام را درون محوطه شش قدم خود
منکنه کردند و داور با قاطعیت فرمان بنالتی
داد اما بازیکنان خرمشهری به گرد داور
حلقه زده و روی این توپ اعتراض داشتند و
نزدیک به سه دقیقه بیخاطر این اعتراض وقت
تلف شد که بلافاصله داور توپ را پشت محوطه
۱۸ قدم رستخیز کاشت و بنالتی را مبدل
به یک ضربه آزاد کرد. یک دقیقه بعد از
این واقعه گل رستخیز توسط حسن شمس
مدافع میانی رستخیز بهتر رسید و از این
لحظه به بعد داور برای جریان بنالتی تکررته

داود ملکی بادور کورد جدید

هوشنگ کارگر نژاد ریشت دروازه های مونترآل

رکورد ایران را که بخودش تعلق داشت شکست.

در حرکت دوزخ بار اول ۱۴۰ کیلو
را بالا نزد بار دوم وسوم وزنه ۱۴۵ کیلو توأم با
با لرزش های سخت بود و داورها حرکت او را
خطا اعلام کردند و این یک بد انبانی بود چون
او بار چهارم وزنه ۱۴۵/۵۰۰ کیلو را آسان بلند
کرد و نه کیلو رکورد ایران را - که به محمد
نصیری تعلق داشت - شکست

چهارشنبه هفته گذشته دو تن از افراد تیم
ملی وزنه برداری در حضور سه داور بین المللی
ر رکورد ایران توسط داود ملکی در دسته
دو پروزن و مقبول واقع شدن هوشنگ کارگر نژاد
کاپیتن تیم ملی برای اعزام به بازیهای المپیک
مونترآل بود.
داود ملکی در حرکت یک ضرب دو بار خود را
آزود . او نخست ۱۱۵ کیلو را زد و بار دوم
۱۱۷/۵ کیلو را بلند کرد و ۲/۵۰۰ کیلو



داود ملکی عضو تیم ملی ایران در دسته پروزن دو رکورد جدید برای ایران به ثبت رسانید در عکس او را در حرکت دوزخ ۱۴۵ کیلومی ببینید.

رده بندی فوتبال دسته دوم جام تخت جمشید

کلی	کلی	کلی	کلی	کلی	کلی	کلی	کلی	کلی	کلی
گلهای زده	تفاضل خورده	بازی برد	تساوی باخت	زده	بازی برد	تساوی باخت	زده	بازی برد	تساوی باخت
۰	۰	۷	-	۲	۳	۵	۸	۱- راه آهن	۸
۳	۳	۶	۱	۲	۳	۶	۸	۲- تهران جوان	۸
۳	۳	۳	-	۴	۲	۴	۸	۳- سپیدرود	۸
۴	۴	۵	۱	۳	۲	۶	۷	۴- بوتان	۷
۱	۳	۴	۱	۳	۲	۶	۷	۵- تراکتورسازی	۷
۲	۲	۴	۱	۴	۱	۶	۶	۶- بانک سپه	۶
۵	۵	۲	۲	۲	۲	۶	۶	۷- رستخیز	۶
۵	۵	۱	۲	۳	-	۵	۳	۸- خانه جوانان	۵
۷	۷	۲	۴	۱	۱	۶	۳	۹- صنایع الکترونیک	۳
۱۰	۱۰	۳	۴	۲	-	۶	۲	۱۰- آرشام	۲

خود در دقیقه ۷۵ بارها بنف تیم کرمانی در
سوت خود رسید و دقیقه به پایان بازی از
خطای دروازه بان رستخیز روی ناصر کهنلد
مهاجم آرشام یک پنالتی ساخت که مهدی
خاندانی آن را بهتر رسانید.
این حادثه مصادف باسوت پایان بازی بود
در حالیکه داور به دقیقه وقت تلف شده
و نمی نهاد.

تراکتورسازان از داوری

نالیدند

تراکتورسازی (۰)

حمیدسلک احمدی ۱ ، ابراهیم طهماسبی
۱۵ ، خلیل سلیمی شماره ۳ ، ناصر میرزائی ۲ ،
محمدناظمی ۵ - رجبه نمای اقدم ۱۱ ،

قدرت دومی

۳ گل از

پرویز علمانی ۱۷ ، حسین نورمحمدزاده ۶
کاپیتن - مهرداد زمانزاده ۷ ، پرویز مظلومی ۶
و عباس کارگر ۲۳ (از دقیقه ۸۰ مجید سوزنده
۱۲) : ذخیره ها : داریوش حاج رشیدی ،
حسن آذرینا و تقی اخطاری . مربی ، محمدبیاتی

راه آهن (۰)

حافظ طلحونی ۱ - محمدنعمیا ۵ ، مجید
جنانی ۳ ، قاسم طیبی ۴ کاپیتن ، فرهنگ
صادق پور ۱۴ - ناصر ثابت پور ۶ ، منوچهر
طاهرخانی ۱۳ ، غلامحسین هاشم نژاد ۱۹ -
بهروز تابانی (از

دقیقه ۸۳ علی معینی زنده ۱۲) ، حمیدنسی ۱۱ و
اکبر حقیقت ۵ (از دقیقه ۵۵ با یک خرم اصفهانی

مربی : ابوطالب .
داور : منوچهر نظری با کمک فریدون
نرمانی و علیرضا امامی .
نمشاگر : در حدود ۱۳ هزار تن .
اخطار : حسین نورمحمدزاده از تراکتور
سازی و منوچهر طاهرخانی از راه آهن .
ورزشگاه رضا پهلوی تبریز (جمعه چهارم تیر

ماه ۲۵۳۵) - ترا تنورسازی تبریز دیروز در شهر خود راه آهن تهران صدرنشین فوتبال دسته دوم ایران را با نتیجه مساوی بدون گل متوقف ساخت.

با اینکه تیم های ترا کنورسازی و راه آهن نتوانستند بازی خوبی ارائه دهند و توپ بیشتر در میانه میدان سپهرخید، معهدا ترا کنورسازان بر حریف خود می چربیدند، ضمن آنکه بداقالی نیز دامنگیر تبریزی ها شده بود و داوری ضعیف هم مزید بر علت بود.

در دقیقه ۳۱ تبریزی ها گل حتمی خود را به علت بی مهری داور از دست دادند. پرویز مظلومی در این دقیقه پس از به جان هاندن مجید چنانی مدافع راه آهن وارد محوطه ۱۸ قدم حریف شد و زمانی که می خواست از محله خود نتیجه بگیرد با عکس العمل خطای طبیعی متوقف شد ولی داور از این حادثه - نه می توانست یک

مهدی فردعلی نیا ۳، مهدی ابوطالب ۶، حمید خوش نیت ۱۵ - محمد ابوالحسنی ۱۳، جلال بنی جمالی ۱۲ (از دقیقه ۷۶ توجیح ایازپور ۵)، جعفر ابرائیلوند ۱۷ - محمد ربیعی ۴، آسور یادگار شاهین ۲۱ و کریم پاژخ ۷. ذخیره ها: بهمن نخجوان، حسن زنده دل، سعید طهماسبی و سعید خوشدل.
مربی: پرویز ابوطالب رنگ پیراهن آبی داور: حسین عظیمی وحدت با کمک خوشخوان ورجعی.
تماشاگر: نزدیک به هشت هزار تن درآمد: ۲۲۸۲۰۰ ریال

ورزشگاه محمد رضا شاه (جمعه ۲۵۳۵) : تیم سپیدرود پیشا هنگ مسابقات فوتبال دسته دوم جام تخت جمشید با همه تلاش خود نتوانست در خانه خویش بر حریف تهرانیش پیروز شود. بوتان تهران از آغاز مسابقه با بازی

دسته

هافبرو کش کرده

بازی نشانه ضعف مهاجمان بود

پنالتی حتمی بسود تبریزی ها باشد - بی تفاوت گشت و بازی را به خشونت کشیدند.
در وقت دوم حملات پراکنده ترا کنور - سازان بر روی دروازه راه آهن کما کان ادامه داشت و اوج آن در ۵ دقیقه آخر مسابقه بود که طی آن چهار بار دیرک های دروازه راه آهن بخود لرزید.

پیشا هنگ متوقف شد

سپیدرود زشت (۰)

مجید گلگی ۲۲ - محمد احمد پور ۱۹، جمشید محمدی ۴ (کاپیتن) سیروس سوسن جوشیری ۳، جمشید پدیراه ۱۵، حسین ناسابی ۸، منوچهر دانش ۱۶ (از دقیقه ۴۵ مهرداد لتوازه)، محمد غرق رحمت ۲۴ - عباس یگدلی ۲۱، محمد محسن روحی ۱۰ (از دقیقه ۷۳ محمد رضاشیدرفر ۱) و محمد علی پاژخ ۱۱. ذخیره ها: مهدی طوسی، اکبر خداپرست، هوشنگ امجدی، احمد صوبی و مصطفی لطفی.
مربی: مجید سلولونزنگ پیراهن قرمز

بوتان (۰)

ابراهیم تک پور ۱ - علی فارسی ۲،

بانک سپه ازسازی با امتیاز با زنگشت

خانه جوانان ساری (۰)

رضا مدوحی ۴۴ - محمد جعفر مهبانجی ۲، کسری مختاری ۳، سیروس ملک سعیدی ۵، حسن شجاعی ۷ - محمد علی مرادی ۸، (از دقیقه ۴۶ حسین مکاری ۱۰)، ابوالقاسم علیزاده ۱۱، محمد رضا فولادی ۱۳ - حسین طبری ۱۴، غلامحسین رحمتی ۱۵ و رحیم دست نشان ۱۹.
ذخیره ها: سیروس رحمان نیا، بهرام گلپادی پور، سانان پوربند و محمد رضا علیزاده.
مربی: عزیز اصلی.
بانک سپه (۰)

داور تساوی شیراز را بدل به شکست کرد

صنایع الکترونیک (۰)

علی حسینی ۱ - غلامرضا خاوری ۵، سعید شاهسونی ۲، عباس بلوزاده ۴، محمد یوسفی ۳ - اکو زارعی فرد ۹، یونس فرجی ۱۲، منوچهر نصر الملهی ۱۰ (کاپیتن) - جواد صمصام ۷ (از دقیقه ۸۰ ابراهیم رنجبر ۱۴)، حسن بری ۱۷ (از دقیقه ۷۵ مراد امیری ۱۶) و رسول باصری ۱۰.
ذخیره ها: علی هنرمند، داریوش رضائیان و محمد رضا امیری.
مربی: احمد میرحسینی.

تهران جوان (۰)

اصغر عنایت ۱ - بهزاد سرجانی ۳، منصور شرای ۵، حجت الله خورشیدپناه ۴، منوچهر انشاپور ۱۰ (از دقیقه ۶ نصرالله سجادی ۱۸) - اصغر نوروزی ۹، محمد فراهانی ۶، حسین نایب مکر ۱۷ - کامل انجینی ۷، غلامرضا فتح آبادی ۹ (از دقیقه ۷۰ داود تاجیکی ۱۰) و محمد نور ۸ (کاپیتن).
ذخیره ها: بهروز سیمانی، محمد نعمت زاده و داود احمدزاده.
مربی: حسین فکری.
داور: محسن زمانی با کمک صدرا لاشراف و فیروزفر.

گل : دقیقه ۸۵ داود تاجیکی برای تهران جوان.
تماشاگر: ۳ هزار تن.
درآمد: ۷۰۰۰۰ ریال.

ورزشگاه تاجکداری شیراز (جمعه چهارم تیرماه ۲۵۳۵) - الکترونیک ها با هم روی عادت در پنج دقیقه آخر مسابقه گل خوردند و این بار ششبار محسن زمانی داور مسابقه دو امتیاز آسان به کیسه تهران جوان سرازیر کرد. در دقیقه ۸۵ بازی در روز شیراز، بروی یک به کرنر که از جناح راست دروازه شیراز زده شد، مهاجمان تهران جوان دروازه بان الکترونیک را سرنگون کردند و در همان حال داود تاجیکی با ضربه بی سنگین توپ را به سقف دروازه خالی الکترونیک کوبید. پس از این صحنه بازیکنان شیرازی بیش از چهار، پنج دقیقه داور را احاطه کرده و اعتراض می کردند، اما زمانی همچنان در تصمیم خود با برجا ماند و در پایان حتی وقت تلف شده را به حساب نیاورد.

تیم تهرانی در وقت اول بازی بر میدان حاکم بود و شیرازی ها در این هنگام از ناحیه یونس فرجی و خاوری ضعیف می نمود. با آغاز وقت دوم الکترونیک راه دروازه تهران جوان را شناخت و طی آن با رهبری خوب نصر الملهی و همراه با نفوذ های خوب بری و باصری، نظم دفاعی تهران جوان را به هم ریخته بود. اما در این ضمن تیم شیرازی دست به شتاب بزرگی زد و با تعویض بری در ۱۵ دقیقه آخر مسابقه خط حمله خود را از کار انداخت. در این - نهار الکترونیک ها از کلیه بازیکنان شیرازی و جوان خود بهره بردند.

فضل شیرخدائی ۱ - بهروز بریانی ۲، حسین نورهانی ۱۶، علی کردنوری ۱۹، پرویز نهانی ۱۸ - نصرالله کلاتری ۱۰، پرویز حسین ثانی ۲۳، حسن حاتمی ۱۰ - بهرام عباسوند ۸، جمشید زرین لقم ۱۳ و داود بخشی ۱۲.

ذخیره ها: وحید خلیج، مهدی عددیان ۱۱، مهدی فاتح ۷ و محمود رحیمی ۶.
مربی: باقر سیسالاری.
داور: جعفر نامدار با کمک باغومیان و غیانی.
تماشاگر: در حدود ۳ هزار تن.
درآمد: در حدود ۳۰۰۰۰ ریال.

ورزشگاه پهلوی ساری (جمعه چهارم تیر ماه ۲۵۳۵) - خانه جوانان با وجود برتری در دیدار دیروز برابر تیم بانک سپه، یک امتیاز حساس از دست داد و در جلوه زده بندی به همراه صنایع الکترونیک در مکان هشتم قرار گرفت.

آچه مانع نتیجه گیری تیم خانه جوانان در خانه اش شد شتاب فراوان مهاجمانش بود به هنگام نتیجه گیری و در دهانه دروازه حریف.



Montreal



وطن پرستی نتیجه طبیعی ورزشکارانست

بقیه از صفحه ۳

مسابقه بزرگ کیهان ورزشی و ده های جایزه ارزنده دیگر

اعزام یک برنده خوشبخت به المپیک مونترال

سابقه چاپ شده است که از این باب عذر می خواهم.

تخصیص سوال مربوط به رشته وزنه برداری که امروز در کیهان نوشته میشود اینست: * تیم ملی وزنه برداری ایران در کدام المپیک ارزشمندترین مدالها را بدست آورد. تعداد مدالها و نوع آنرا ذکر کنید و توجه کنید که آیا آن المپیک در عین حال جنبه قهرمانی جهانی هم داشته یا خیر؟

جایزه این سؤال پنجاه هزار ریال است. کویین مربوط به این سابقه را از کیهان امروز جدا کنید و به شانی (کیهان ورزشی، خیابان فردوسی، کوچه اتا بک) برای ما بفرستید.

جایزه بزرگ بک ورزش دوست

دیروز بازرگان ورزش دوست و سردبیر کیهان ورزشی جلسه ای تشکیل دادند و نوع جایزه اهدائی او را تعیین کردند. نامبرده اصرار دارد که بهیچوجه نامش گفته و نوشته نشود. او چون به رشته های وزنه برداری و کشتی علاقه مند است جایزه ای را که میدهد مخصوص این دو رشته است و منظور قرار گذاشته شد که از میان کسانی که به سؤالات وزنه برداری و کشتی پاسخ درست بدهند حکم قرعه بک بلیت رفت و برگشت به مونترال و بلیت تماشای مسابقات این دو رشته داده شود و اگر اتفاقاً کسی نتوانست به مجموع سؤالات پاسخ درست بدهد آن کس که بهتر از دیگران جواب داده است برنده این جایزه شود و همین دلیل ما جواز مربوط به بیش گوئی این دو رشته را حذف کردیم تا برنده خوشبخت این جایزه بیش از شروع المپیک معلوم شود. بدینیه است جواز نقدی کیهان ورزشی برای هر سؤال و برای کسی که بهمه سؤالات هر رشته درست جواب داده باشد نیز محفوظ است.

یک دوشیزه برنده نخستین

جایزه شد

مراسم قرعه کشی برای تعیین برنده جایزه سؤال اول فوتبال دیروز در موسسه کیهان بعمل آمد و در نتیجه دوشیزه (بانو) آنا فروغ زمان از تهران، با شماره ترتیب ۴۸ از میان نهمصد و هفتاد و پنج تن که پاسخ صحیح داده بودند، برنده پنجاه هزار ریال جایزه شد.

از این خانم خواهش می کنیم همین فردا باهمراه آوردن شناسنامه عکس دار خود در دفتر کیهان ورزشی حاضر شود و جایزه خود را دریافت دارد.

این سؤال از ابتکار بوده است:

* تیم ملی ایران چند بار و همراه با کشتن از چه مسابقات قلماسی در دوره نهای المپیک شرکت کرده و نتایج در دوره های نهای چه بوده است؟

کیهان ورزشی همیشه در آستانه رویدادهای بزرگ بک نوع مسابقات ورزشی میان خوانندگان خود ترتیب میدهد و جواز بزرگی هم برای برندگان آن تعیین میکند. این بار نیز در آستانه بارهای المپیک مونترال مسابقاتی در رشته های وزنه برداری، فوتبال، کشتی، دو میدانی و مشت زنی ترتیب داده است که از شنبه گذشته شروع شد و پنجشنبه پیش قسمت فوتبال آن پایان یافت و از امروز مسابقات وزنه برداری آن آغاز میشود.

سباقات در مجموع یک میلیون ریال جایزه نقدی و چندین جایزه دیگر دارد و هفت گزشته نیز یک بازرگان شیفته ورزش حاضر شد جایزه بزرگی به بهترین فرد شرکت کننده بدهد. این بازرگان مایل نیست نامش فاش شود.

سباقات به این ترتیب است که هر روز یک سؤال در روزنامه کیهان طرح میشود و در هر شش سؤال مطرح میگردد. هر سؤال یک جایزه جداگانه دارد که در مورد فوتبال مجموع جوائز به سیصد هزار ریال رسید و به یکی از کسانی که به همه سؤالات جواب درست داده باشد نیز مبلغ چهار هزار ریال جداگانه داده میشود. در پنجاه رشته ورزشی دیگر نیز همین روش اجرا میشود.

در هر یک از رشته هایی که به مسابقه گذاشته شده قسمتی مربوط به بازیهای المپیک گذشته است و قسمتی هم پیش گوئی درباره نتایج المپیک مونترال میباشد. جایزه سؤالاتی که جواب آن مربوط به بازیهای مونترال میشود پس از پایان مسابقات آن رشته توزیع میشود اما جواز سؤالات دیگر را برندگان میتوانند روز بعد از انتشار

نتیجه از کیهان ورزشی دریافت کنند. برای پاسخ دادن به هر سؤال چهار روز تمام مهلت داده شده است. مثلاً همین امروز جواب و برنده سؤال اول فوتبال اعلان میشود.

در باره پنج سؤال دیگر فوتبال هنوز فرصت شرکت باقیست و خوانندگانی که تا کنون شرکت نکرده اند میتوانند شماره روزنامه های هفته گذشته را از دفتر موسسه کیهان (خیابان فردوسی - کوچه اتا بک) بخرند و آنرا بر کرده و برای ما بفرستند.

توجه داشته باشید که به شرکت کنندگان در این مسابقه از طرف کیهان ورزشی شماره ای داده میشود که تا پایان مسابقات دارای همان شماره خواهند بود و این مورد کار ما را برای بررسی جوابهای رسیده بی اندازه آسان می کند. خواهشمندیم حتماً شماره های ما را که به شما میدهم و روز بروز در کیهان چاپ میشود در روی پاکت و روی کویین بنویسید.

ضمناً توجه فرمائید که در آخرین سؤال مربوط به فوتبال که در کیهان روز پنجشنبه چاپ شد در ابتدای سؤال بجای کلمه «مسابقه»

نقطه با خطاطی تلخ و شیرین خود زندگی نمیداد. مطبوعات که گفتیم یادمان آمد که من علاوه بر ورزش روزانه ورزش خواندن را نیز ترک نکردم. هر جا باشم به مطالب ورزشی با نظر دوستانه چشمک میزنم. سال پیش نمی دانم کدام نشریه خارجی را خواندم که نوشته بود: «مطبوعات ورزشی اگر از مسائل ورزشی بی بهره باشند ورزش آن کشور را میکشد. مسکن است ورزشکار به حیات خود ادامه دهد. در واقع روح ورزش و ورزشکاران را میکشد. من بدون اینکه از آریاب قلم ایراد بگیرم دلم میخواهد خبرنگاران جوان بدانند که «مطبوعات جاهل» برای ورزش هر کشوری چه مصیبتی هستند. بنده از نوه های خود (خبرنگاران ورزشی) بسیار راضی هستم و دلم میخواهد بچه های خوب من دنیا را از ما بیبردها غنی تر مطالعه کنند.

آدم وقتی دبیر میشود یا فراموشی می آورد یا زیاد حرف میزند به پیرهای ورزشی فقط «استاد» گفتن کافی نیست. نسل جدید که قلم بدست گرفته و میخواهد با استفاده از تجربیات گذشته کمالات پیش برود باید در لایه های فراموشی ها و پرحرفی ها با موصله زیاد حوادث گذشته را برسی و موسکافی کند و از تکرار اشتباهات به اصطلاح «استادان گذشته» اجتناب بورزد. «میدانم که پرحرفی کردم. چه میشود بقول عوام پیری و معرکه گیری. باری حال میرسیم به اصل مطلب. شما از من چه میخواهید؟ عبارت دیگر یک مرد ۶۰ ساله برای شما چه میتواند بگوید. اما حالا در عین حال جانب نیز باشم. بهتر است شما از سؤال دست بردارید و من هم از جواب بدین معنی که من حرف بزنم و شما هم هر چه میخواهید یاد داشت کنید. خواهش میکنم این شرایط را همیشه در نظر داشته باشید: من پیر هستم شما جوان من قدیمی هستم شما متجدد. من بگذشته نگاه میکنم شما به آینده. منظورم اینست که این تفاوت بین ما بطور مسلم موجود است. «حالا مطبوعات داخلی و خارجی چندین بار با من مصاحبه کردند و با عکس و تقصیلات، مطالبی نوشته اند. با بحال ما همی را هر وقت آزاب بگیرند تازه است. من هم زندگی خود را برای شما خلاصه نخواهم کرد.

«من در سال ۱۸۸۴ میلادی در شهر شبرست آذربایجان دنیا آمدم. با یک حساب ساده ۴۰ سال دارم. مال هر آن گذشته هستم. سرپرستم برادری با اخلاق بود. متأسفانه من نیز بچه بد آزاری بودم. مرا به استانبول فرستادند. در شبرست مردم جشن گرفتند و گفتند «بلا از سر ما دور شد!». در استانبول دبستان ایرانیان را تمام کردم. مدرسه نظام رفتم ولی ادامه ندادم. بدنبال ورزش اقدام در استانبول از موسسه «سوار» فرانسوی ششما بازی آموختم. نسبت به سایر رشته های ورزشی نیمی از آنها را یاد گرفتم. برای ادامه تحصیل، ورزش به کشور بلژیک رفتم. در موقع مراجعت لگدان داشتند در ترکیه بمانم. ولی عشق خدمت بوطن غلبه کرد و به ایران آمدم. در اینجا با یک خاطرنشان سازم که وطن پرستی یکی از نتایج حتی مثبت ورزشکاری است. اصولاً وطن و ورزش از هم جدا نمی باشند.

در ایران ابتدا مرا خوب تحویل نگرفتند. قبل از دوامان پهلوی کشورمان به مسائل ورزش آشنا نبود هر کس از ورزش حرف میزد او را بیاد ناسزا میگرفتند. در نتیجه نتایج اول برای من چندان خوش نگذشت. ولی من از آن بیخدا نبودم که با یکی، دو تا باد بلرزم. مبارزه کردم. چون سرم طاس بود میگفتند: «از ترکیه یک کجیل آمده فیس میکند آدمی است دلقک، اصرار دارد جوانان دست و پا های خود را تکان دهند».

زمان بدتج به نام ما خرید. شاهنشاه قید امر فرمودند که بنده به ولیعهد «شاهنشاه آریابهر» در درس ورزش با بدم. از طرف دیگر اعلیحضرت امر فرمودند که در مدارس طبق قانون ورزش اجباری شود. بنده را برای تکمیل ورزش به فرانسه فرستادند. سال ۱۳۱۱ پستور شاهنشاه قید انجمن ملی تربیت بدنی و پیشاهنگی در ایران بوجود آمد. خوشبختانه زمینه فعالیت برای خدمت به جوانان پیدا کردیم.

من از برتری طلبی گریزانم. چون هیچگونه عقده حقارت ندارم بدین جهت از پیشرفت جوانان تازه کار لذت میبرم. در زمان ما میگفتند: «جلوگیری از پیشرفت دیگران جنایت است». اصولاً تربیت بدنی در وهله اول مکتب فضیلت است. تربیت بدنی و ورزش با حبله گری و سودجویی صد درصد مخالف است. «کردن کشتی» یا «نیرومندی» زمین تا آسمان فرق دارد. جوانان دنیا در حال حاضر در شرایط بحرانی و گاهی پلاستیک بی برسی برند و شما از پیر بنشینید و بدین کنید که بیروزی نهائی با فضیلت خواهد بود.

من از ورزش برای خود کسبه ندوختم. و یادیات را با معنویات مخلوط نکردم. و انگهی ورزش باعث شده است که نیرومند باشم، زیاد عمر کنم، شرافتمندانه کار کنم و در نتیجه اهل خانوادهم محتاج دیگران نکم.

بهر صورت تا اندازه ای که حافظه ام باری میکند گفته های خود را بدین شرح خلاصه می کنم: ۱- آدم تازه است باید شمرتم باشد و جوان ها را باور کند - توفیق، سرک واقعی است. برای ادامه زندگی سر حال و سلامت بدن، ورزش روزانه از واجبات است. ۲- یکی از فوائد ورزش زندگی است. آدم حساب نمی کند که چندسال دارد بکس دلش میخواهد همه بخواهند - برقصند و به آینده درخشان نیش کنند که خوشبختی یاد بدهم - ۳- کردن کلفت بودن و یا به با زوان گرفتارم که به جوانان بجای بدینی، خوشبختی یاد بدهم - ۴- کردن کلفت بودن و یا به با زوان قوی فخر کردن بی معنی است. ورزشکاری که اخلاق و عقل قوی نیز داشته باشد همیشه موفق است. اتفاقاً من ورزش را تا آن اندازه قبول دارم که عقل انسان را ضعیف نکند.

من کسوت و خدمتای خود را در نظر میگیرم و می بینم که از من خوب قدر دانی شده است. حرف آخر من به جوانان این است که سعی کنند آزاره ورزش به خصلت عالی انسانی برسند و سلامت.



پایان حکومت آلمانی‌ها

خوش ویش می‌کنند در یکبارگی . ۲ دقیقه بی
و بعد با ضربه‌های پنالتی این دو بیش از همه در
زحمت بودند .

↑ سه‌دهم دروازه‌بان بزرگ تیم ملی آلمان غربی و
مشهور به عقاب آلمان با ویکتور (راست)
دروازه‌بان تیم ملی چکسلواکی بسیار دوستانه

به دنبال یک شلیک زمینی ویکتور دروازه‌بان
چکسلواکی توپ را به آسانی مهار کرده است.
ویکتور در جریان ۲۴ دقیقه نبرد و در مسابقه
تولانی سه گل خورد.

کاپیتان بکن باوئر در برابر صفت دفاعی تیم ملی
چکسلواکی با حالتی جانب شلیک کرده است
اما این تیر به نتیجه نمی‌رسد.



کانادا



حال میاره



ضیائے

<http://www.javanan56.com>



یانک سرانجام گفت:

الآن به هربرت تلفن میکنم. حرف زدن با تو بیفایده است!

هربرت میدانست که من برای باز یافتن بعضی از خصوصیاتم که در دوران محرومیت از دست داده بودم، به مسابقه با یونانویانا زده شدم.

فریزر در همه جا گفته بود که حاضر نیست بعنوان قهرمانی جهان با من روبرو شود و پولی برابر با من بگیرد بلکه تماماً با بد به او بیشتر بدهد ولی حقیقت این بود که مدیون ما بر سر این موضوع توافق کرده بودند. یانک این اعتقاد را در من بوجود آورده بود که دیگر خیال ندارد مرا سر بدهاند و راه من به مسابقه ای که عنوان جهانی در آن مطرح است، باز است.

و کلاهی من میگفتند تنها مانع موجود بر سر این مسابقه «تصمیم دادگاه عالی است که بزودی اعلام خواهد شد.» مانع دیگر یونانویانا بود که تصمیم داشتم بهر نحو شده او را از سر راه بردارم.



قرار بود مسابقه من و یونانویانا روز هفتم دسامبر انجام شود که این روز مصادف با سالگرد حمله ژاپنی ها به «پرل هاربور» در سال ۱۹۴۱ بود. همین موضوع خشم مخالفان مرا برانگیخت. تلفن پشت تلفن. باز هم همه چیز از نو شروع شده بود ای سیامخا ن فراری! حالا دیگه کارت بچائی رسیده که در روز پرل هاربور مسابقه میدی؟! مطمئن باش اونقدر زنده نمی‌مونی که پولاتسو بگیری!

«باید در اون روز تو رو زنده بندان نه اینکه بفرستت تو سجنه نه به ریش ما یخندی!»... «تو داری روزی رو که به سرشکستی اش کمک کردی مسخره میکنی!»

وقتی برای مسابقه با یونانویانا وارد نیویورک شدم یکی از مقامات مدیسون اسکوار یاد کردن قسمتی از منن یکی از نامه های را که مردم فرستاده بودند برایم خواند:

«آگه به این سیاه بزدل ترسوا اجازه بدین که روز ۷ دسامبر در اونجا پول دربیاره، آن فرزندان شجاع آمریکا که جسان خود را در پرل هاربور از دست دادند و در گورهای خود

آرسیدماند در گور بلرزه در خواهند آمد. شما همراه با روز هفت دسامبر ۱۹۴۱ روز هفت دسامبر ۱۹۷۰ را به روز بدنامی تبدیل میکنید.»

مقامات ورزشگاه نگران شده بودند و میگفتند اگر مسابقه را به روز دیگری موکول نکنند آنها را تحریم خواهند کرد.

یک نما بند مجلس از نیویورک ضمن تحریم مسابقه، از یلینسی شهردار نیویورک خواسته بود که مسابقه را متوقف کند زیرا این مایه سرشکستی مردم نیویورک است که به بگ سرباز فراری اجازه دهند که در سالگرد حمله ژاپنی ها به پرل هاربور در این شهر مسابقه بدهد.

حتی بعضی ها پیشنهاد کرده بودند که ورزشگاه مدیسون اسکوار را رخنه را نابود سازند چون جانی که وجود

آن سبب اهانت به کسانی باشد که جان شان را در پرل هاربور از کف دادند، شایسته تکه داری نیست.

سرپرست انظمامات ورزشگاه بمن گفت که تعداد ماسورانی را که برای محافظت از ورزشگاه بکار گمارده در تاریخ این ورزشگاه بی سابقه است. یکصد نفر از خارج و بیش از یکصد و پنجاه تن از داخل ورزشگاه مراقبت خواهند کرد. تا اونوقت بیش از نازده بار در پلخ تهدیدهای تلفنی، تمام قسمتهای ورزشگاه وارد جستجوی بمب کاوش کرده بودند. با ایحال «تدی برن» دو هفته پیش از ۷ دسامبر با خوشحالی بمن گفت که تمام بلیت ها فروش رسیده است! از عجبای بود ولی اتفاق افتاد: پیش از شروع مسابقه مسئولان ورزشگاه «فراموش» کردند سرود ملی آمریکا را بنوازند!

همه چیز تمام شد و پنج ساعت به شروع مسابقه مانده بود. خود را برای شرکت در دومین مسابقه بعد از دوران محرومیت آماده میکردم. به پیشنهاد باندبندی این مسابقه ام را به جانی براتون، که به باندبندی خیلی دوست داشتم، تقدیم کردم ولی کمی بعد، از این فکر منصرف شدم.

میخواستم تنها باشم ولی گرچه فقط سه ساعت بشروع مسابقه مانده بود هنوز زحمتکن بر از دوستانه بود. آنجولوبری را که یونانویانا پرس چند ساعت پیش مخا بر کرده بود برایم خواند: «یونانویانا بهترین رفیقی است که علی نمیتوانست برای آزمایش توانائی خود پیش از دیدار با فریزر انتخاب کند.

همه آنهايي که مسابقه محمدهلی با کوآزی را دیدند متوجه شدند که محمدهلی فقط سه دور خوب بود. ما میخواستیم بدانیم که آیا او پیش از این هم میتواند جلوبرود یا نه؟...» به آنجولو اشاره کردم که اتاق را خالی کند و مردم کم کم به طرف درخروجی رفتند.

دلسین هافمن را متوقف کردم و او را در آغوش گرفتم. او در تمام روزهای تحرین بدین من آمده بود. حتی با هم دویده بودیم. وقتی میدیدم که نمیتواند با بیای من بدود حیرت میکردم چون او در فیلم «کابوی نیمه شب» در نقش «ریزو» حتی درست و حسابی نمیتوانست راه برود!

دلسین هافمن بمن گفت: «کمی استراحت کن. کنار صحنه می‌نشینم.»

پیش بینی کرده بودم که یونانویانا در دور نهم از پا درخواهم آورد و آن را به شعر در آوردم و به باد کالینز خبرنگار یکی از روزنامه ها دادم.

تصویری هم کشیده بودم که مرا بالای سربونانویانا نشان میداد و یونانویانا روی زمین افتاده بود. زیر این تصویر هم نوشته بودم دور نهم و آن را به «رابرت لیسایست» خبرنگار نیویورک تایمز که یکی از روشنفکرترین روزنامه نگاران است دادم.

وقتی زنگ شروع مسابقه بصدا در آمد فکر میکردم میتوانم زودتر از دور نهم که پیش بینی کرده بودم یونانویانا را از پا در آورم. ولی در همان اوایل مسابقه بود که متوجه شدم او را دست کم گرفته ام. روش عجیب و نیروی وحشتناکش مرا به زحمت انداخته بود. ضربه هایم دقت چندانی نداشت و به او اثر نمی‌کرد. در دور نهم خیلی خوشیامدم او را از پا در آورم

ولی او به راحتی از توفان ضربه های من جان بدر برد و ویرانگان داد.

بقیه دورهای مسابقه را با دقت کار کردم تا امتیاز کافی بستم یا مردم و در دور آخر هم بتوانم درخشش داشته باشم. چون او هم در دور آخر بیکار نمی‌نشست همانطور که بعدها فهمیدم «جیل کلانسی» مدیر او وقتی دیده بود که یونانویانا از لحاظ امتیاز خیلی از من عقب است به او گفته بود تمام تلاش خود را برای ضربه کردن من بکار گیرد. باین دلیل یونانویانا دور پانزدهم را با قدرت عجیبی آغاز کرد ولی ضربه هوك چپ من که بطور غریزی ناخسته شدن چنان محکم بود که او را در وسط راه حمله بمن متوقف کرد. این ضربه آنقدر قوی بود که استخوانهای دست من صدا داد. یونانویانا بر اثر آن افتاد و بلند شد ولی میدانستم که کارش تمام شده است. اطرافپاشش یک حوله سفید را به وسط صحنه انداختند. باندبندی فریاد زد:

بخطر «جاج آرون» کارشو تمام کن! غم‌های صورت آرون را پاک کن! «یونانویانا برای سوین بار از زمین بلند شد ولی باز هم با ضربه ای بزینش زدم تا کار تمام شود. نخستین بار بود که ضربه قوی میشد و او برایش شمارش میداد.

از تمام اتفاقات آن شب، از ضربه های سنگینی که زدم و خوردم، بشی بینی من در مورد شکست یونانویانا، فریادهای تشویق و توهین، هیچکدام با نذازه چهره آن سرد رنج دیده - جاج آرون - که بنماشای مسابقه من آمده بود در خاطرم نماند. این سرد سیاهبوست رنج هائی از دست سفید پوستان نژاد پرست کشیده بود رنج های من و همه مشت زنان



سیاهبوست قبل از من در مقایسه با آن هیچ بود. شکنجه ها و آزار هائی که به او داده بودند نذازه تحمل هراسانی خارج بود. من یونانویانا و مسابقه با او را به این مرد شریف، به «جاج آرون» تقدیم کردم. او را «لوتر کینگ» بمن معرفی کرده بود. سه سال دوری از مشت زنی شاید مرا شعیف کرده بود ولی میدانستم که نیروی واقعی من از همه «جاج آرون» ها و محبت و ایامنی که بمن داشتند سرچشمه میگرفت. و میدانستم که بزودی بسیار نیرومندتر از گذشته خواهم شد.

سال ۱۹۷۰ تقریباً به آخر رسیده بود و همه چیز رنگ واقعیت بخود میگرفت. در آغاز آن سال باور نمی‌کردم که بار دیگر بمن اجازه کار بدهند. در حالیکه در طول سال دو قتلو- هایم بدبنا آمدند و برای کار در جورجیا و نیویورک بمن اجازه کار داده شد، کوآزی و یونانویانا را از پا در آوردم و دوباره به شرایط دلخواه جسمی و روحی نزدیک شدم. دیگر هیچ عاملی نمیتوانست مانع انجام مسابقه بزرگ شود. سرانجام نبرد من با فریزر شکل میگرفت.

در تمام روزهای ماه دسامبر آن سال هربرت محد پیشنهاد های رسیده از طرف مسابقه سازان را بررسی میکرد و هر شب آخرین پیشنهادها را بمن گزارش میداد: ... ۵ هزار دلار لندن، ... ۵ هزار دلار از یک مسابقه ساز ژاپنی، و یک



۴

میلیون دلار از هوستون. وقتی رقم پیشنهادها به یک و نیم میلیون دلار رسید مسؤلان مدیسون اسکوایرگاردن نیویورک با پس کشیدن، آن بی سی دو میلیون دلار پیشنهاد داده بود. ما در باره هر کدام از پیشنهادها گفتگو میکردیم و هربرت عقیده داشت که بازم پیشنهادهای بهتری خواهد رسید. بعد روزی رسید که هربرت خبر پیشنهاد دو میلیون و نیم دلار را آورد و گفت اگر صبر کنیم بازم وضع بهتر خواهد شد ولی من گفتم بهتر است همین کنایت کنیم. هربرت با دقت بر این محاسبه کرد:

«بد نیست بدانی که تمام این پول به جیب تو نخواهد رفت، این رقمی است که روزنامه‌ها با آن بازی خواهند کرد. ولی قبل از اینکه حتی پول بدست تو برسد دولت فدرال یک و نیم میلیون آن را میگیرد. بعد پس از کسر مالیاتهای شهر و ایالت نیویورک حدود شصت هزار دلار میماند که بابت هزینه‌های تعمیر هم دو سیست هزار دلار می‌رود. تو میتوانی روی چهار صد هزار دلار حساب کنی.»

تعجب کردم و مدتی طول کشید تا آن حرفها را با ورو هضم کردم. هربرت حق داشت. در تمام روزنامه‌های کشور و روی جلد مجله‌های تایم و لاینف و در اخبار رادیوها و تلویزیونها همه جا به رقم باور نکردنی ۵ میلیون دلار (برای دو سیست زن) اشارا ر شده بود.

گرچه در آن زمان این رقم غیر قابل قبول و باور نکردنی بود ولی پس از آن رقم دریافت‌های من همواره رویه بالا رفت.

میتون گراس وقتی رقم پنج میلیون دلار را شنید چنین نوشت:

«این اگر دوران دیوانگی و جنون نباشد بی شک باید دوران پوچی یا ناباوری باشد. این رقم حتی بیش از رقم‌های اسفانه‌ای و مباهغه آتسیر هالیوود است. قبل از این هرگز در تاریخ نمایشات سابقه نداشته که به هنرپیشه‌ای برای یک نمایش کورس پنج میلیون دلار داده شود.»

هیچکس باور نمیکرد هربرت موفق به بستن قراردادی چنین عظیم شده باشد تا اینکه عکس دو قطعه چک دو و نیم میلیون دلاری در روزنامه‌ها چاپ رسید.

هربرت بمن گفت:

«ما می‌بایست این پول را بگیریم. این نادرترین واقعه در تاریخ ورزش است تا کنون هرگز دو قهرمان بی شکست با هم روبرو نشده‌اند و ممکن است پس از اینهم هرگز روبرو نشوند. تو معروفترین قهرمان دنیا هستی. هیچ رئیس جمهور، پادشاه یا هنرمندی نمیتواند مانند تو توجه مردم را جلب کند بعلاوه تو هرگز نخواهی دانست در این سه سال گذشته چقدر پول میتوانستی در بیابوری و نیابورده‌ای. زندگی یک مشت زن کوتاه است. من با پدسی کنم مقداری از خسارت سه ساله را بتو بازگردانم و این راه انجام این کار است.»

روش چانه زنی هربرت، که در تمام مسابقات‌های پس از دوره محروبیتم اعمال میکرد متکی به محاسبات درست و منطقی بود. او همیشه با توجه به علاقه مردم و ارزش حرف من پیشنهاد میداد

هربرت میگفت:

«پس از اعلام قیمت، پیشنهاد کسی را قبول میکنیم که بیش از همه پول ترا به حسابت بریزد. قول و قرار فایده‌ای ندارد. ما برای مسابقه با فریزر پیشنهاد پنج میلیونی هم داشتیم ولی «جک کنت کوک» و «جری پرنجیو» بلافاصله پول لازم را بحساب تو فریزر ریختند.»

چهار سال بعد که سرانجام انجمن نویسندگان مشت-زنی هربرت را بعنوان بهترین مدیر سال ۱۹۷۴ انتخاب کرد او در ترتیب مسابقه‌های پر درآمد برای مشت زنش رقبای خود را با فاصله بسیار زیاد پشت سر نهاده بود و برای همین بود که «سوری گودمن» بزرگترین تبلیغاتی مشت زنی میگفت:

«عالم مشت زنی برای مدیرانی مانند هربرت محمد به مشت زنان تازه‌ای نیاز دارد. او بیش از مجموع مدیران مشت زنی تاریخ برای مشت زنش پول در آورده است. او معروفترین و پر درآمدترین مشت زن تاریخ را ساخته است. او این امکان را به مشت زنش داده است که پس از بازگشت



۵

از تبعید هرسال بیش از پنج میلیون دلار پول بدست آورد.»

من قبلاً با «جک کنت کوک» آشنا بودم ولی «پرنجیو» را ندیده بودم. وقتی برای امضای قرارداد رقیب با او گفتا شدم. او تا قبل از مسابقه من و فریزر هرگز در کار مشت زنی سرمایه‌گذاری نکرده بود، کار اصلی‌اش سرمایه‌گذاری در کارهای نمایشی سینما و تلویزیون بود و از اینکه اولین کارش آنهمه با موفقیت همراه شده بود و توانسته بود کهنه کارهای مشت زنی را پشت سر بگذارد خیلی خوشحال بود. او میگفت:

«این بزرگترین حادثه تاریخ زندگی من است! مشت زنی را تا کجا خواهد داد؟ این یک پدیده تاریخی است! جمع درآمد سابقه دست کم به چهل میلیون دلار خواهد رسید!»

همینطور که با خوشحالی حرف میزد پیش خودم فکر کردم که عجب کلاه‌سری و جو زنده است و سعی کردم این را به نحوی به جو حسالی کنم و بسا کمک

او دریاتی خودمان را بالا ببرم. ولی من و جو مانند دو دنیا - سور» بودیم و زمان همکاری و همفکری ما در هر کاری به جز دریدن یکدیگر بر سر عنوان جهانی و در صحنه مشت زنی، سیری شده بود. ما حتی به چشمهای یکدیگر هم نگاه نکردیم گویی زمان آن هم گذشته بود.

وقتی برای وزن کشی به نیویورک و به مدیسون اسکوایر-گاردن رقیب استقبال مردم باور نکردنی بود و وضع چنان بود که پس از وزن کشی دیگر نتوانستم از آنجا خارج شوم و بناچار تا شروع مسابقه در همانجا ماندم درحالیکه من عادت دارم پنج شش ساعت پیش از شروع مسابقه استراحت کنم. آن روز اصلاً نتوانستم استراحت کنم و تا وقتی که به رختکن رفتم تا لباس هائی را بپوشم که مخصوص آن روز تاریخی تهیه کرده بودم، مدام در رفت و آمد بودم.

وقتی وارد رختکن شدم برت نکستر برای تهیه یک فیلم مستند آنجا بود و می‌خواست پیش منی مرا بداند. در همان لحظه جولونی را دیدم که وارد رختکنی میشد گفتم: «جوا! برای پیش بینی ات خیلی متشکرم.»

جولونی مانند همیشه، بی‌روزی رقیب‌های پیشی کرده بود. او گفته بود: «تنها کاری که کلی میتوانم برای امروز شدن

انجام دهد این است که آن سه سال ونیم دوری از مشت زنی را بخود برگرداند. و او نمی‌تواند این کار را انجام دهد. چهار سال پیش اومی توانست جوراشکست دهد ولی حالانهم به جولونی گفتم:

«به جشن بیروزی من یا... کاری می‌کنم که از این به بعد دیگر رقیبان سرا بیروز ندانی. خیلی نگران بودم ولی وقتی شنیدم که روی برد فریزر شرط می‌بندی خوشحال شدم.»

یکی از اطرافیانم گفت:

این فقط جولونی نیست که روی برد فریزر شرط بسته. همه حرفه‌ایهای قدیمی او را برنده می‌دانند: آچیو، پاترونه، مپسی، بیلی کان، جرسی، جووالکوت. همه نویسندگان هم قمری کنند فریزر را خواهد برد. «حالم با زهم بهتر شد. هرگز مسابقه‌ای را که همه از قبل سرا بانه می‌دانستند نخبه نبودم.»

«تدی برن» بمن گفت که موقع رفتن به صحنه فرا رسیده است. در یک فرصت کوتاه من و هربرت بدرگاه خداوند دعا کردیم و نقشه‌های مبارزه را برای آخرین بار مرور کردیم. آنگاه از اتاق خارج و در انتظار ظاهر شدیم و درحالیکه مردم بشدت سرا تشویق می‌کردند. وارد صحنه شدیم و با رقصیدن و جست و خیز شروع به گرم کردن خودم کردم. تصادفاً دستم به شانه فریزر که در گوشه خودش ایستاده بود خورد چند ثانیه روبرو به یکدیگر خیره شدیم. نگاه او مرا لرزاند و وقتی مسابقه شروع شد قدم به صحنه در جنگ گذاشتم: جنگی که در فکرم بود - جنگی که در بناهش حرف زده بودم - و جنگی که برای انجام ۵ دوره‌ای آن وارد صحنه شده بودم. و این دو دقیقاً مانند یکدیگر نبود.

به باتدبیری گفته بودم روی یک تابلو بنویسد «نه یک مسابقه» و آن را با خود به داخل ورزشگاه بیاورد و کنار تابلوی دیگری بگذارد که رویش نوشته شده «جو دود نمی‌کند». و قرار گذاشته بودم من هم یک سگک آتش خاموش کن بیاورم چون جو همیشه ادعای می‌کرد دارد مانند آتش و دود می‌آید.

من برای جو بیش از هر مشت زن دیگری شعر گفته و حرف زده بودم. دود کنان می‌آیم. و این شوخی نیست. مانند یک توفان می‌آیم. بدود و آتش آب می‌ریزم. این شما را حیرت زده خواهد کرد.

ولی من میخواهم جو فریزر را نابود کنم! جنگ واقعی آغاز شد... مدای قشای تماشاگران را که قبل از هر مسابقه‌ای اشتیاق خود را به دیدن خون و خونریزی نشان می‌دهند، شنیدم. از وقتی که دوازده ساله بودم، این صدا شنیده‌ام. و هر بار که آن را می‌شنوم احساس



۶

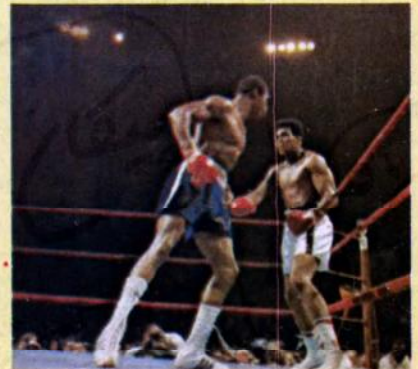
چاییدگی شدید می مغز استخوان را

میبرازند. باز هم آتزا می شنیدم و میدانستم که فریزر هم آتزا می شود. صدا به خون او وین میرسد و ما را وادار میکند که در صورت نیاز حتی خود را به کشتن بدهیم.

فریزر مستقیم بطرف من آمد. من انتظار این کار را داشتم و او را دور کردم ولی او داشت میآمد و در حالیکه چانه اش را به سینه چسبانده بود مدام به این سو آنسو می-چرخید و میآمد. دوشربه چپ و راست به او زدم و یکدیگر را گرفتیم. قدرتش را حس میکردم به عقب رتم. باز هم چند ضربه چپ و راست به سرش زدم. ضربات کوتاه هم به هدف نخورد. مضموم و سرسخت بود منتظر دیدن سلاح سنگین او

(ضربه هوکش) بودم.

او با هیان روش خاص خودش، لرزان، بسویم میآمد و مردم فریاد میزدند: جو! جو! بروجلو! کارشوساز! وقتی یک ضربه هوک به پهلویم زد احساس کردم دست-هائش فولادی است. او را نگاه داشتم با ایحال ضربه هائی



۷

به پهلویم میزد. من هم ضربه های راست و چپ به سرش میزدم.

یادم هست قبل از سابقه روزی با خبرنگاران صحبت می-کردم: من قهرمان واقعی هستم، سه سال در انتظار این سابقه بوده ام و حرفهای زیادی در باره اینکه چه کسی قهرمان واقعی است، شنیدم من گوش کشیدم! وقتی سابقه من و جو تمام شد همه شما روزنامه نویسی ها را صدا میزنم. از ع و روزنامه نویسی من طرف فریزر را گرفتند من بشا گفتم که او یک قهرمان ساختگی است. اینبار واقعیت را بنویسید- همه شما از نزدیک سابقه را خواهید دید. آنچه را که اتفاق می افتد بمردم بگوئید آنطور که هست نه آنطور که شما میخواهید که من ضربه تری بشوم.

دوره های دوم و سوم تمام شده بود من هر دو را برده بودم. دور چهارم بود که ناگهان اولین هوک واقعی او را روی چانه ام احساس کردم. آتقور شدید بود که سرم سوخت کشید. با چند ضربه پاسخش را دادم ولی او باز هم به همان روش خودش «دود کتان» میآید.

کوشیدم او را نگاه کنم ولی او اجازه نمیداد و هر لحظه یکی از هوکهایش به دنده ها و حتی تشین گام من میخورد. تا پیش از آن هرگز ضربه ای را بر تشین گام من نکرده بودم ولی وقتی فریزر ضربه میزد به هر جا که باشد خوب احساس میشد. مرا روی طنابها کشاند و ناگهان یک ضربه هوک حواله داد که سرم را لرزاند. تا زنگ پایان دور چهارم او را از خودم دور نگذاشتم.

وقتی زنگ دور پنجم صدا درآمد او را محاصره کردم.

فریزر همچنان سرسخت، محکم و سریع بود. تساکتی

میتوانست قدرت و سرعتش را حفظ کند؟ یک آپرکات چپ به او زدم که میتوانست او را بیاندازد. سرش به عقب رفت ولی باز هم لرزان و شتابان خود را بین رساند و مرا به طرف طنابها عقب راند. باران ضربات کوتاه من روی سرش میبارید ولی همچنان به پیش میآمد. چرا اینقدر اطمینان داشت؟ میتوانست درک کنم. آتقور مطمئن که نزدیک پایان دور پنجم هر دو دستش را به پایین انداخته مرا سرخرو میکرد و بین شهامت میداد. چند ضربه راست مستقیم به سرش زدم. ضربه های دقیقی که حالت تسخیر آیز صورتش را از بین برد

صدای زنگ پایان دور که زده شد فریزر لرزان و آسیب دیده به گوشه اش رفت. او را تکان داده بودم ولی خود من هم آثار ضربه هائی را که به دنده هایم زده بود بخوبی حس میکردم. هرگز با هیچ مشت زنی با آنهمه اراده و سرسختی روبرون نشده بودم.

احترام تازه ای نسبت به او احساس میکردم. گاهی اوقات بنظرم عجیب میرسد. بین نزدیک میشد، ضربه می-خورد و باز هم میآمد. گرچه در مقابل یک ضربه او چهار

ضربه میزد ولی هر لحظه تعداد ضربه های هوک او بیشتر و بیشتر میشد. می بایستی فکری برای آن بکنم. دور ششم داشت تمام میشد و میدانستم که از لحاظ امتیاز از او جلو هستم ولی اینتر هم میدانستم که برای پایان دادن سابقه در همان دور، بیک مجوزه نیاز دارم.

قبل پیش بینی کرده بودم که در دور ششم جورا شکست خواهم داد و این بشی بنی را نوشته و در باکت گذاشته و به فیلمبرداران تلویزیون داده بودم تا پنج دقیقه پیش از شروع سابقه آتزا باز کنند:

سابقه با امتیاز پایان نخواهد یافت!

در برابر من جوما نند یک آتاتور خواهد بود!

و من یک حرفه ای کهنه کار هستم!

قبل از اینکه بطور جدی کار را شروع کنم

چهار پنج دور تفریح خواهم کرد

و همه دانسته هایم را روی او بیادهم میکنم

دور ششم را برای سقوط فریزر پیش بینی میکنم!



۸

جو پیش بینی برامیدانست. باین دلیل خیلی سریع، مستقیم و نیرومند پیش آمد. سرش یک لحظه آرام نداشت. مدام میچرخید. ضربه های راست مستقیم به او زدم بعد چند هوک زدم و او مرا به گوشه ای کشاند. دوباره به طنابها تکیه دادم و ضربه های چپ او روی دنده ها و پهلویم « منقره شد. بعد دانه هوکهایش را به سرم کشاند ضربه هائی که مرا فلج میکرد و از کاری انداخت. نمی توانستم پاسخش را بدهم. روی طنابها ولو شدم و به صدای « هو » تماشاگران

گوش دادم. جو این دور را با یک ضربه هوک به چانه ام آغاز کرده بود که مرا متحیر ساخت. باز هم میکشید یک آپرکات بین بزند. از طنابها جدا شد و چند ضربه کوتاه دقیق به سرش زدم و کوشیدم او را عقب بنشانم. ولی درست مانند یک « تانک » بی امان به جلو میآمد. روی طنابها مرا به سختی گیر انداخته بود. بازوانش کوتاه و نیرومند است و میتواند از فاصله نزدیک با نیروی مرکب رست بزند. سعی کردم از او

دور شوم ولی مرا به طناب دوخته بود و میب هایش را به سرو رویم میریخت. تماشاگران بیاخته و فریاد میزدند: « جو! جو! ادامه بده! نموش کن! نموش کن! نموش کن! آنها فکر میکردند جو به پیروزی نزدیک شده است چون تا آن وقت هرگز مرا به آن وضع ندیده بودند. همگی دم گرفته بودند: « جو! جو! جو! »

جوی امان ضربه هائی میزد که همه به هدف می نشست احساس خستگی میکردم در حالیکه سابقه هنوز به نیمه نرسیده بود. به تجربه میدانستم که اگر ادامه بدهم نیرو منته

تر خواهم شد. ولی هوای داخل ریه هایم داغ و دستهایم سنگین شده بود. به تماشاگران نگاه کردم و بنظرم رسید که همه مردم دنیا دارند بمن نگاه میکنند. مجبور بودم آنچه را که گفته بودم با انجام برسانم.

پیش بینی کرده بودم: به جو خواهم گفتم: بیا جلو جو! بیا دود کن بینم! « به او مسلط خواهم شد چونکه دستهایم درازتر است. من سریعتر از او هستم و ضربه هایم مرکب تر خواهد بود. ضربه های بدنی او آتقورده هم کار ساز نیست و تا حالا نشده که کسی با این ضربه ها مرده باشد. به او خواهم گفتم:

« بیا جلو جو! از این بهتر هم میتونی باشی. جو تو آتشت اصلا دود ندارد! »

ولی او دود میکرد و بسوزاند. بگامش دور هفتم را بردم ولی در دور هشتم جوما نند یک مار زخمی بود. گرچه ضربه میخورد و گرچه آسیب دیده بود، ولی بهر کیفیتی بود پیش میآمد. ضربه های کوتاه دقیق به سرش میزدم با ایحال مسرا به روی طنابها عقب میراند. خستگی من وحشتناک بود. یاد

حرف جولویی در باره آن سه سال و نیم افتادم وقتی روی طنابها استراحت میکردم فریاد تماشاگران بلند میشد که از جسو میخواستند کار را تمام کنند.

زنگ بعدا درآمد و بگوشد ام رتم. می بایست وضع را عوض کنم.

دور نهم شروع شد و احساس کردم که نیروم دارد باز میگردد. وقتی جو بین نزدیک شد با یک ضربه راست دقیق از او استقبال کردم و در عوض یک هوک نیرومند او مرا لرزاند ولی من به زدن ضربه هائی به سرش ادامه دادم متوجه شدم که سخت نتیجه داد. ناگهان همه چیز درست شد. دیگر هیچ کدام از ضربه هایم بخطا نرسید. از سوراخ چپ بینی اش خون سرازیر بود، میلرزید. باز هم کارها داشت رو برآه میشد. تشن، هفت، هشت ضربه راست مستقیم کشنده به سرش زدم. بالای چشمش با اندازه یک فنجان ورم کرده بود و با هر ضربه ای که به آنجا میزدم بزرگتر و بزرگتر میشد. ولی او همچنان به پیروی ادامه میداد. با این تفاوت که من کاسلا آماده بودم از ضربه ای که میزدم به هدف میخورد. وقتی دور تمام شد از بالای چشم، بینی و دهانش خون میآمد. ولی با ایحال تسلیم شدنی نبود. میدانستم که تسلیم نخواهد شد مگر اینکه بمیرد!

هر روز به تماشاگرانی که برای تماشا می آمدند می گفتم: « وارد صحنه بشوید و باشت هایم بینی اش را له میکنم. » آن وقت وسط صحنه می ایستادم و به آنها نشان میدادم که چگونه می خواهم او را از خودم دور نگذارم.

به تماشاگران می گفتم: به جو خواهم گفتم « ادامه بدهم جو! میخوام حسای توو همه سفیدهای رو که از تو حمایت میکنند ادب کنی. امشب بدجوری به دردسرافتادی، پسر! تو حتی به ضربه هم نمیتونی بین زنی اونوقت چطور میخوای جشن پیروزی بپا کنی؟! تو گفته بودی که دوک الینگتون میخواد تو جشن پیروزی تو شرکت کند! نه! نه! نه!

امشب نه، هوا! امشب توجهن بیروزی نسداری
میستونی به جشن بیروزی من بیانی!

جو، خیال دارم بمحض تموم شدن مسابقه امشب به جشن
حسابی بگیرم. در دوردوم، البته آگه تا اون دوردوم بازی،
میخواهم که سه به پیچه گریه وحشی راست بکنم. نتوانم غولی
که روزنامه ها ازت ساختن، نیستی. تا دوردوم اینو بهت
نایت میکنم.

جو بالای سرم ایستاده بود و من هوک چپ او را روی
چانه ام احساس کردم. با اینکه دستم را جلوی صورتم گرفته
بودم ولی ضربه او به چانه ام خورد. چند ضربه چپ و راست به
سرش زدم ولی گوئی مشت هایش در درنده هایم فرومی رفت.
چانه اش روی سینم ام بود. میدانستم چرا در آن دور با آن
نیروی مقاومت ناپذیر حمله میکرد. بانک دورهایم پیش بینی
کرده بود که من در دوردوم از پا در خواهم آمد. پشتم به
طناها بود و او بشدت فشار میآورد. همان خستگی شدید اولیه
دوباره بسراغم آمده بود. باز هم ضربه هایم بخطا میرفت. ولی
وقتی « قاطی » شدید برای اولین بار سنگینی نفسهایم را
احساس کردم. سرعت مسابقه و قدرت ضربات زد و بدل شده
داشت برامیکش و ولی او هم وضع بهتری نداشت.

با صدای زنگ، دوردوم تمام شد. پیش بینی هردوی ما
غلط از آب درآمده بود. از لحاظ امتیاز کمی عقب بودم ولی
هنوز پنج دور باقی بود. فعلا این کار را کرده بودم و بی شک
باز هم میتوانستم پیش بیایم.

دورهای یازده، دوازده و سیزده را با اراده ای آهنین و
بمقد بیروزی آغاز و به انجام رساندم و دوردوم باقیمانده را هم
میخواستم. فریزر همچنان به روش همیشگی اش کار میکرد و
بیش از همیشه مطمئن بود. ناگهان به سمت راست من جهید و
یک ضربه هوک به من زد که در عمرم نظیر آن را نخورده بودم.
این ضربه مرا به عقب راند. تقریباً روی پاهایم بند نبودم سرم
کج میرفت و او را میدیدم که بسویم میآید ولی چند ضربه به
سرش زدم و به عقب رفتم. روی کف صحنه آب ریخته بود ندو
سرخوردم و به زمین افتادم ولی قبل از اینکه داور شروع به
شمارش کند برخاستم. در دوردوم بعد برحمانه خود را به آب و
آتش میزد ضربه هائی را تحمل میکرد که مرگبار بود. از
دهانش خون میآید. در دورهای سیزده و چهارده از او فاصله
گرفته و از دور به او ضربه زده بودم. این ضربه ها به سرش
میخورد ولی او تحمل میکرد. او پنج، شش ضربه میخورد تا
یک ضربه سنگین به پدمن بزند. گاهی خیلی راحت میشد به او
ضربه زد و چند لحظه بعد دوباره همه چیز عوض میشد من هرگز
با کسی روبرو نشده ام که آنهمه اراده و سرسختی داشته باشد.
فکر میکردم او یک انسان است، پس باید آسیب پذیر باشد.
چشم چپش ورم کرده بود. چشم راستش شکاف برداشته بود.
لبش چنان چاک خورده بود که گوئی داشت کندم میشد. من
ضربه های کاری به او میزدم ولی همچنان پیش میآید. دور
چهارده هم تمام شده بود. فقط یک دور دیگر باقی بود.

وقتی در خیابانهای نیویورک راه میرفتم مردم فراموش
میکردند به کجا و دنبال چه کاری میروند و مرا تعقیب
میکردند و من فریاد میزدم: « جو فریزر کجاست! قهرمان
سفیدپوست کجاست! وقتی توی صحنه گریش بیاندازم،
می بینید چه بلائی سرش میارم. شکل مسابقه نخواهد
داشت. »

از وقتی که در تبعید بودم در فکر تدارک این مسابقه
بودم. میگفتم این بزرگترین مسابقه تاریخ خواهد بود. بزرگتر
از جنگ داوود و گولیاث و بزرگتر از هر مسابقه ای که در طول
تاریخ بین دو انسان در روی زمین انجام شده است. من در آن
روز مردمی را ادب خواهم کرد که عنوان سرا گرفتند و به او
دادند.

این مسابقه از همان روزها که من مبارز میطلبیدم و
میگفتم که کسی را برای برابری با من نیست شکل گرفت.
مردم. خیال میکردند لیستون یا چندتای دیگر میتوانند مرا
شکست بدهند ولی وقتی آنها نتوانستند، همه امیدها به فریزر



بسته شد. ولی همه آنها که فکر میکردند من از فریزر شکست
میخورم اشتباه میکردند. با خود میگفتم: من غیر از همه
مشت زنان هستم و این بیروزی یگانه تر خواهم شد. میگفتم
اگر فریزر بیروزی شود به او خواهم گفت که: تو قهرمان واقعی
جهان هستی.

همه تماشاگران از جایشان بلند شده بودند. فقط عده کمی
فریاد میزدند: علی! علی! علی!

ولی حامیان فریزر با اطمینان بیشتری او را تشویق
میکردند: « جو! کلکشویکن! ضربه اش کن! برو جلو جو! »
تولوتو میخورد. متوجه گارد بازش شدم و بطرفش رفتم.
مثل اینکه داشت سرنگون میشد ولی با اینحال تقریباً از روی
زمین یک هوک چپ به من زد. آمدن ضربه را دیدم و فکر کردم
که میتوانم آن را بی اثر کنم ولی او با دقت و قدرت تمام این
ضربه را زد. ضربه ای که چون بمب روی سرم ترکید. یادم
نمیآید چطور روی صحنه افتادم ولی یادم هست که روی صحنه
اتاده بودم. سرم را بلند کردم و دیدم داور مشغول شمارش
است. فکر کردم دلیلی ندارد روی زمین باقی بمانم پس بلند
شدم!



کارنامه محمد علی

حیف که این جو فریزر موقعی جنگ من آمد که بکسال
پیش از آن عنوان قهرمانی جهان را به جورج فوسن باخت
و دودو نگر انتقام یعنی حقیقی وجود نداشت. من میخواستم
از او دو انتقام بگیرم یکی از اینکه عنوان قهرمانی مرا
بی آنکه مسابقه بی با من داده باشد غصب کرده بود و دوم
اینکه پس از سه سال محرومیت و پس از آن همه تبلیغاتی
که در باره آن مسابقه شده بود، مزه اولین شکست دوران
حرفه ای را به من چشانند. فریزر در این چهل و ششمین
مسابقه من هم خیلی مقاومت میکرد. در دور دوم او را
بکلی زبون و ذلیل کردم، از پای هم افتاد اما تونی برز
داور مسابقه گفت که او بیست ثانیه بعد از خوردن زنگ
پایان اتاده است. بهر حال این دومین مسابقه با فریزر که
۲۸ ژانویه ۱۹۶۴، در نیویورک برگزار شد پس از پایان دور
دوازدهم با امتیاز بسود من پس از آن یافت.

این نخستین بار بود که مادرم شاهد آنهمه کتک
خوردن من بود. دستم را در دست هایش گرفت، با همه نرمی
دستش و با رفتاری که آنهمه محبت آمیز بود، دستم چنان
درد گرفت که ناچار دستش را پس زدم.

درد چنان شدید بود که چشمهایم را بستم. دستهایم
باد کرده بود، چانه ام سنگین و کرخت شده بود و صدای کتر
پاچه کورا میشنیدم که میگفت:

« با یاد از چند جای بدنت عکسبرداری بشود. »

پدرم میگفت:

« میا کلک زدند! بتو کلک زدند! »

در جوابش گفتم:

« درسته، بنظرم که دوره های برده من بیشتر از دوره های
برده او بود ولی من بازنده اعلام شدم. من تا کنون هرگز به
آزمایی به رأی داوران اعتراض نکرده ام و حالا هم این کار را
نخواهم کرد. »

آنجلو گفت نه باید به بیمارستان برویم. سعی کردم
لباس هایم را بپوشم.

عکسبرداریها هیچ نوع شکستگی را نشان نداد. هرچه
بود کوفتگی و خستگی بود بعد ها فهمیدم که فریزر هم به
بیمارستان رفته و هفته ها بستری شده بود.

صبح روز بعد خبرنگاران برای مصاحبه با من به هتل
آمده بودند و صدای آنجلو را می شنیدم که با آنها یکی به دو
میکرد.

« ولش کنید، بذارید راحت باشه. میخواد استراحت
کنه. نه با کسی حرف میزنه و نه عکس میگیره. »

آنجلو را صدا زدم و گفتم اجازه بدهد خبرنگاران بدیدند
بیایند.

آنجلو گفت:

« آنها میخوانند با دوربین های تلویزیونی بیایند و ترا
با این شکل و قیافه و با این حال تراز به همه مردم دنیا نشان
بدهند... بانک دورهایم حتی اجازه نمیداد فریزر این روزها
با آنها حرف بزند. »

گفتم:

« خوب، فریزر با من فرق دارد. آنها میدانند که من
همیشه پس از بیروزی صحت میکنم. حالا بعد از یک شکست
هم باید این کار را بکنم. بگذار ادا بماند حظوری باختم. بگذار
مردمی که بمن اعتقاد دارند ببینند که من در هم شکسته
نشده ام. بداند که من شکست خورده ام، درس همانطور که
آنها هم شکست میخورند. و درست همانطور که مردم عادی
پس از یک شکست دوباره همه چیز را آغاز میکنند من هم دو
باره از سر میگیرم. »

باور نمیکردم واقعا آن مسابقه را باخته باشم. ولی
میخواستم کسانی که بمن اعتقاد داشتند ببینند که چگونه
شکست را پذیرفته ام. کلمات لوئیسکی یادم بود.

« وقتی آدم شکست خورده باشد چه احساسی دارد؟ »

در جواب او گفتم بودم:

« برهنگی... سرما »

« این ضربه هانیست که آدم را به دردمی آورد، نه؟ »

« حضور آنهمه شاهد است که دردناک است. همه مردم
دارند می بینند. می بینند که انسان دارد غرق میشود... »

با اینحال رقیب را تشویق میکنند که حمله کند و کار را تمام
کند. »

بچشمین روز تحریر نامت بود و در تاریکی قبل از طلوع
آفتاب داشتم در جاده می دویدم. خسته شده بودم ولی بهر
تجوی بود خودم را به جلوس می کشانتم. ریه هایم می سوخت
و سرم کج می رفت و با هر قلمی که برمی داشتم پاهایم
سنگین تر می شد. در فریزر من، در ژنیه، مسابقه ای بود که
حتماً می بایست در آن بیروزی می شدم. یک مسابقه از نوعی که
پس از دوران محرومیت هوا و در آرزوی آن بودم: مسابقه
بیرس توان جهانی.

چهارم پیش از آن برای دومین بار با فریزر در میدسون-
لسکوایر گاردن مسابقه داده و پیروز شده و حسابم را با او
تصفیه کرده بودم.

با خودم می گفتم: « پیش از وارد شدن به صحنه باید
مسابقه را ببرم. در اینجا، در جاده » بعضی ها تصور می کنند